

گزارش شاخص جهانی حکمرانی ۲۰۲۰

بررسی وضعیت و روند تغییرات جایگاه ایران در شاخص
حکمرانی خوب در منطقه و جهان

تهیه شده در

مرکز مطالعات نظام ها و فناوری های مدیریتی

پاییز ۱۳۹۹

عنوان گزارش: شاخص جهانی حکمرانی ۲۰۲۰: بررسی وضعیت و روند تغییرات
جایگاه ایران در شاخص حکمرانی خوب در منطقه و جهان

Based on: The Worldwide Governance Indicators (WGI)

تهیه شده در: مرکز مطالعات نظام ها و فناوری های مدیریتی، سازمان اداری و
استخدامی کشور

تدوین و پژوهش: دکتر محمد ذاکری - کارشناس مرکز مطالعات نظام ها و فناوری
های مدیریتی

نظارت علمی: دکتر فرهاد علی پور - رئیس مرکز نظام های و فناوری های مدیریتی

ویراستار: محمد رحیمیان - کارشناس مرکز مطالعات نظام ها و فناوری های
مدیریتی

تاریخ: پاییز ۱۳۹۹

چکیده مدیریتی

مفهوم حکمرانی خوب، الگویی است که در پی ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه توسط کشورهای توسعه یافته و مجامع بین المللی ارائه شد. حکمرانی خوب با انتخاب رویکردی ارزش مدارانه، به باز-تعریفی از رابطه تعاملی بین سه نهاد دولت، بخش خصوصی (بازار) و جامعه مدنی می پردازد. دولت در مفهوم جدید با مولفه هایی مانند دموکراسی، عدالت محوری، مشارکت، اثربخشی، حاکمیت قانون و کنترل فسادشناخته خواهد شد.

به نظر می رسد برخی از عوامل توسعه نیافتگی کشور با برخی سازوکارهای حاکم بر دستگاه های اجرایی و نظام حکمرانی کشور بی ارتباط نیست و لذا توجه بیشتر به مقوله حکمرانی و اجزا و عناصر آن به ویژه میزان تصدی گری دولت و رابطه آن با بخش خصوصی و جامعه مدنی ضروری می نماید.

بررسی پیشینه های نظری و پژوهشی حوزه حکمرانی نشان از اثرگذاری این متغیر بر برخی از متغیرهای کلان و کلیدی در کشورها دارد که از آن جمله عوامل علمی و فناوری (شدت و کیفیت تحقیق و توسعه، اقتصاد دانش بنیان و صادرات خدمات و محصولات دارای فناوری بالا، فناوری اطلاعات و ارتباطات)، عوامل اقتصادی (عملکرد اقتصادی) جذب سرمایه گذاری خارجی، تورم، توزیع درآمدها، رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی، توسعه مالی؛ عوامل انسانی و اجتماعی (توسعه انسانی، مبارزه با فساد، بیکاری و اشتغال، درآمد گردشگری) و عوامل محیطی (عملکرد محیط زیست) قابل ذکر است. ضمن آنکه تاثیر پذیری حکمرانی خوب از متغیرهای بودجه ای، اندازه دولت و آمایش سرزمین نیز مورد تایید قرار گرفته است.

هدف اصلی این گزارش مروری بر شاخص جهانی حکمرانی و وضعیت آن در سال ۲۰۲۰، برترین و ضعیف ترین کشورهای جهان در مولفه های شش گانه این شاخص شامل پاسخگویی و حق اعتراض، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات و کنترل فساد، وضعیت ایران در این مولفه ها و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه و کشورهای منطقه غرب آسیا و آسیای میانه (حوزه سند چشم انداز بیست ساله) و نیز تحلیل طولی روند و جایگاه ایران در منطقه در راستای ارزیابی میزان نیل به اهداف سند چشم انداز است.

در بیشتر شاخص ها کشورهای منطقه اسکاندیناوی به ویژه فنلاند، دانمارک و سوئیس و نیز نروژ و سوئد جزء رتبه های برتر جهانی هستند. از بین کشورهای آسیایی سنگاپور ۳ بار و هنگ کنگ ۱

بار در بین کشورهای برتر قرار گرفته اند و از قاره اقیانوسیه نیوزیلند نیز ۳ بار در بین کشورهای برتر از لحاظ مولفه های شاخص حکمرانی جهانی واقع شده است. در بین کشورهای قعرنشین رتبه بندی جهانی آسیا و افریقا بیشترین سهم را دارند. سوریه، یمن، کره شمالی از جمله کشورهای آسیایی و از قاره افریقا نیز کشورهای سومالی، سودان جنوبی و لیبی از ضعیف ترین نمرات در مولفه های شش گانه برخوردار بوده اند هائیتی و ونزوئلا نیز دو کشور منطقه امریکای لاتین هستند که در فهرست پایین ترین نمرات قرار گرفته اند.

در این گزارش، کشورهای منطقه غرب آسیا و حاشیه خلیج فارس (۱۷ کشور)، آسیای میانه (۸ کشور) و کشور مصر از قاره آفریقا در مجموع ۲۶ کشور به عنوان کشورهای مدنظر در سند چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۴ منظور شده اند که در بین کشورهای برتر این حوزه نام امارات متحده عربی، قطر و عمان از حاشیه خلیج فارس، گرجستان در آسیای میانه و رژیم صهیونیستی^۱ در منطقه غرب آسیا و حاشیه دریای مدیترانه بیشتر تکرار شده است. کشورهای سوریه، یمن، ترکمنستان و افغانستان کشورهایی هستند که در بیشتر مولفه های شاخص حکمرانی خوب در پایین ترین سطح کشورهای منطقه بوده و چنانکه در بخش های قبلی نیز اشاره شد بعضا در رده های انتهایی جهانی نیز قرار دارند.

ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض نمره ۱/۳۷- و رتبه ۱۷۹ جهان و ۱۷ منطقه؛ در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت نمره ۱/۷۰- و رتبه ۱۹۸ جهان و ۲۰ منطقه؛ در مولفه اثربخشی دولت نمره ۰/۵۵- و رتبه ۱۴۲ جهان و ۱۶ منطقه؛ در مولفه کیفیت مقررات نمره ۱/۴۲- و رتبه ۱۹۵ جهان و ۲۳ منطقه؛ در مولفه حاکمیت قانون نمره ۰/۷۵- و رتبه ۱۵۹ جهان و ۱۷ منطقه و در مولفه کنترل فساد نمره ۱/۰۵- و رتبه ۱۷۸ جهان و ۱۸ منطقه را دریافت نموده است. بالاترین امتیاز مربوط به مولفه اثربخشی دولت و پایین ترین امتیاز مربوط به مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت است. ضمن اینکه کلیه امتیازات ایران در این شاخص منفی است. امتیازات ایران اختلاف قابل ملاحظه ای با میانگین OECD دارد چنانکه بالاترین امتیاز ایران مربوط به مولفه اثربخشی دولت و زیر صفر است

^۱ لازم به توضیح است تهیه کنندگان این گزارش همسو با سیاست های نظام مقدس جمهوری اسلامی در حمایت از آرمان قدس شریف، رژیم صهیونیستی را غده سرطانی منطقه دانسته و به عنوان یک کشور به رسمیت نمی شناسند. لیکن به واسطه درج اطلاعات مربوط به این رژیم در گزارش بانک جهانی و عضویت آن در سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه و موقعیت جغرافیایی آن در منطقه غرب آسیا در تحلیل های مربوطه به داده های این رژیم نیز اشاره شده است.

و کمترین میانگین OECD مربوط به ثبات سیاسی و بالاتر از ۰/۵ برآورد شده است. در مقایسه با میانگین کشورهای منطقه نیز امتیاز ایران در هر شش مولفه پایین تر از میانگین منطقه قرار می گیرد.

بررسی طولی روندهای ایران در سالهای مورد بررسی نشان می دهد بالاترین امتیازات ایران در بیشتر مولفه های شش گانه در بازه زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۴ به دست آمده و پس از آن در بیشتر مولفه ها روند نزولی داشته است. در سالهای ۲۰۱۴ به این سو روند امتیازات کشور افزایشی بوده و در مولفه اثربخشی دولت با روندی قابل ملاحظه در سالهای اخیر به بالاترین امتیاز خود رسیده در حالی که از سال ۲۰۱۷ به بعد در همه مولفه ها روند نزولی داشته است. با توجه به اهداف کمی تعیین شده در برنامه پنجم (بهبود در نظام های و فناوری های مدیریتی در خصوص ارتقاء مولفه های کیفیت مقررات و اثربخشی دولت) و برنامه هشتم دور دوم برنامه جامع اصلاح نظام اداری (ارتقاء پاسخگویی، شفافیت و مقابله با فساد در نظام اداری در خصوص ارتقاء موبفدهای کنترل فساد و پاسخگویی و حق اعتراض) به نظر می رسد کشور نتوانسته است در تحقق این اهداف گام های مطلوبی بردارد.

افزایش ظرفیت های پذیرش اعتراضات صنفی، سیاسی و مدنی از طریق تشکل های مدنی و رسانه ها و احتراز از برخورد امنیتی با آن، توجه به خواسته های اقلیت ها و گروه های کمتر برخوردار در جهت جلوگیری از بروز و عمیق شدن گسل های اجتماعی، تدوین سیاست های تنظیم گیری به منظور کاهش تصدی های دولت و تقویت بخش خصوصی در ضمن حضور راهبانه و حمایتگرانه دولت در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و تسهیل شرایط جذب سرمایه در حوزه های مختلف به ویژه اقتصاد دانش بنیان، رفع موازی کاری ها و تقویت سازمان ها و سازوکارهای نظارتی در راستای دفاع از حاکمیت قانون و کاهش فساد از مهم ترین پیشنهادهای این گزارش به سیاست گذاران است.

چکیده علمی

حکمرانی خوب رویکردی نسبتاً جدید در مباحث توسعه و اداره امور عمومی است که نزدیک به سه دهه از طرح آن می‌گذرد و بر توازن فعالیت‌ها بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تاکید دارد. گزارش حاضر با هدف بررسی و تحلیل داده‌های شاخص جهانی حکمرانی که توسط بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ منتشر شده تدوین گردیده است.

بدین منظور پس از مرور پیشینه نظری مفهوم و مدل‌های حکمرانی، مهم‌ترین متغیرهای کلان که در پژوهش‌های پیشین رابطه آن با حکمرانی مورد بررسی قرار گرفته بودند در چهار دسته عوامل علمی و فناوری، عوامل اقتصادی، عوامل انسانی و اجتماعی و عوامل محیطی مورد بررسی قرار گرفتند.

داده‌های شاخص جهانی حکمرانی در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۹ و در قالب شش مولفه پاسخگویی و حق اعتراض، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد ارائه شده است. داده‌های فوق در این گزارش با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و به کمک نرم افزار اکسل در چند بخش تحلیل شده است. بخش اول به معرفی کشورهای دارای بالاترین و پایین‌ترین امتیاز در مولفه‌ها، بخش دوم به بررسی وضعیت کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، بخش سوم به بررسی وضعیت کشورهای حوزه سند چشم‌انداز و بخش چهارم به بررسی وضعیت ایران در شاخص سال ۲۰۱۹ و تحلیل روند طولی ایران در بازه ۱۹۹۶-۲۰۱۹ و مقایسه آن با کشورهای برتر منطقه اختصاص یافته است.

نتایج تحلیل‌ها نشان داد در مورد ایران بالاترین امتیاز مربوط به مولفه اثربخشی دولت و پایین‌ترین امتیاز مربوط به مولفه‌های پاسخگویی و حق اعتراض و حاکمیت قانون است. امتیازات ایران اختلاف قابل ملاحظه‌ای با میانگین OECD دارد. در مقایسه با میانگین کشورهای منطقه نیز امتیاز ایران در همه مولفه‌ها پایین‌تر از میانگین منطقه قرار می‌گیرد.

بر اساس نتایج فوق، پیشنهادهایی در محورهای شش‌گانه جهت بهبود وضعیت حکمرانی در ایران به مراجع سیاست‌گذار ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، بانک جهانی، ایران، کشورهای OECD، کشورهای حوزه سند چشم‌انداز

فهرست مطالب

Contents

۱
۲ چکیده مدیریتی
۵ چکیده علمی
۱۱ فهرست نمودارها
۱۳ فصل اول
۱۳ مقدمه
۱۴ ۱-مقدمه
۱۸ فصل دوم
۱۸ مروری بر پیشینه نظری و مفهوم حکمرانی خوب
۱۹ ۲-مرور پیشینه نظری
۱۹ ۱-۲) زمینه های شکل گیری حکمرانی خوب
۲۱ ۲-۲) مفاهیم حکومت حکمرانی و دولت
۲۳ ۳-۲) مفهوم حکمرانی خوب و فلسفه وجودی آن
۲۸ ۴-۲) شاخص های حکمرانی خوب و پیشینه آن ها
۳۷ ۵-۲) شاخص حکمرانی خوب بانک جهانی
۳۸ ۱-۵-۲) حق اظهار نظر و پاسخ گویی
۳۸ ۲-۵-۲) ثبات سیاسی و مقابله با خشونت
۳۹ ۳-۵-۲) اثربخشی دولت
۴۰ ۴-۵-۲) کیفیت مقررات
۴۰ ۵-۵-۲) حاکمیت قانون
۴۱ ۶-۵-۲) کنترل فساد
۴۳ فصل سوم
۴۳ مروری بر پیشینه پژوهشی

۴۴متغیرهای تاثیرگذار بر حکمرانی.....
۴۴(۱-۱-۳) بودجه بندی(فرایند بودجه بندی، شفافیت بودجه، نظارت بر بودجه).....
۴۹(۲-۱-۳) آمایش سرزمین.....
۵۲(۲-۳) نتایج و پیامدهای حکمرانی.....
۵۲الف) عوامل علمی و فناوری.....
۵۲(۱-۲-۳) شدت و کیفیت فعالیت های تحقیق و توسعه.....
۵۵(۲-۲-۳) اقتصاد دانش بنیان.....
۵۸(۳-۲-۳) توسعه فناوری های اطلاعات و ارتباطات.....
۵۹ب) عوامل اقتصادی.....
۵۹(۴-۲-۳) عملکرد اقتصادی(سرمایه گذاری، تورم و کاهش نابرابری).....
۶۷(۵-۲-۳) رشد اقتصادی.....
۶۹(۶-۲-۳) آزادی اقتصادی.....
۷۳(۷-۲-۳) توسعه مالی.....
۷۵ج)عوامل انسانی و اجتماعی.....
۷۵(۸-۲-۳) توسعه انسانی.....
۸۱(۹-۲-۳) اشتغال و بیکاری.....
۸۶(۱۰-۲-۳) مبارزه با فساد.....
۹۳(۱۱-۲-۳) توسعه گردشگری.....
۹۷د) عوامل محیطی.....
۹۷(۱۲-۲-۳) عملکرد زیست محیطی.....
۱۰۲فصل چهارم.....
۱۰۲تحلیل داده های گزارش.....
۱۰۳(۴) تحلیل داده های شاخص حکمرانی.....
۱۰۳(۱-۴) بررسی رتبه بندی جهانی شاخص حکمرانی.....
۱۰۸(۲-۴)تحلیل داده های شاخص حکمرانی در بین کشورهای عضو OECD.....

۱۰۸پاسخگویی و حق اعتراض.....
۱۰۸جدول ۹:رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض.....
۱۰۹(۲)مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت.....
۱۰۹
۱۱۰(۳)مولفه اثربخشی دولت.....
۱۱۰
۱۱۱(۴)مولفه کیفیت مقررات.....
۱۱۱(۵)حاکمیت قانون.....
۱۱۳(۶)مولفه کنترل فساد.....
۱۱۴تفسیر داده ها در کشورهای عضو OECD.....
۱۱۶(۳-۴)تحلیل داده های شاخص حکمرانی در بین کشورهای حوزه سند چشم انداز.....
۱۱۶(۱)پاسخگویی و حق اعتراض.....
۱۱۷(۲)مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت.....
۱۱۸(۳)مولفه اثربخشی دولت.....
۱۱۹(۴)مولفه کیفیت مقررات.....
۱۲۰(۵)مولفه حاکمیت قانون.....
۱۲۱(۶)مولفه کنترل فساد.....
۱۲۲تحلیل داده ها در کشورهای حوزه سند چشم انداز.....
۱۲۴(۴-۴)وضعیت کشور جمهوری اسلامی ایران در شاخص جهانی حکمرانی و مقایسه با کشورهای حوزه سند چشم انداز.....
۱۲۴
۱۲۴(۱)وضعیت کلی و جایگاه جهانی و منطقه ای.....
۱۲۶(۲)مولفه پاسخگویی و حق اعتراض.....
۱۲۹(۳)مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت.....
۱۳۲(۴)مولفه اثربخشی دولت.....
۱۳۵(۵)مولفه کیفیت مقررات.....

۱۳۸مؤلفه حاکمیت قانون.....(۶)
۱۴۱مؤلفه کنترل فساد.....(۷)
۱۴۴فصل پنجم.....
۱۴۴پیشنهادها.....
۱۴۵پیشنهادهای سیاست گذاری و اجرایی.....(۵)
۱۴۸فهرست منابع.....(۶)

فهرست جداول

- جدول ۱: سیر تطور مفاهیم حکومت، حکمرانی و دولت..... ۲۲
- جدول ۲: عناوین پژوهشی، شاخص ها و زیرشاخص های حکمرانی خوب..... ۲۹
- جدول ۳: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض..... ۱۰۳
- جدول ۴: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت..... ۱۰۴
- جدول ۵: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه اثربخشی دولت..... ۱۰۴
- جدول ۶: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه کیفیت مقررات..... ۱۰۵
- جدول ۷: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه حاکمیت قانون..... ۱۰۵
- جدول ۸: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه کنترل فساد..... ۱۰۶
- جدول ۹: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض..... ۱۰۸
- جدول ۱۰: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت..... ۱۰۹
- جدول ۱۱: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه اثربخشی دولت..... ۱۱۰
- جدول ۱۲: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه کیفیت مقررات..... ۱۱۱
- جدول ۱۳: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه حاکمیت قانون..... ۱۱۲
- جدول ۱۴: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه کنترل فساد..... ۱۱۳
- جدول ۱۵: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض..... ۱۱۶
- جدول ۱۶: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت..... ۱۱۷
- جدول ۱۷: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه اثربخشی دولت..... ۱۱۸
- جدول ۱۸: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه کیفیت مقررات..... ۱۱۹
- جدول ۱۹: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه حاکمیت قانون..... ۱۲۰
- جدول ۲۰: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه کنترل فساد..... ۱۲۱

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: خلاصه ادبیات تحقیق و متغیرهای بررسی شده..... ۱۰۱
- نمودار ۲: مولفه پاسخگویی و حق اعتراض در کشورهای عضو OECD..... ۱۰۸
- نمودار ۳: مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت در کشورهای عضو OECD..... ۱۰۹
- نمودار ۴: مولفه اثربخشی دولت در کشورهای عضو OECD..... ۱۱۰
- نمودار ۵: مولفه کیفیت مقررات در کشورهای عضو OECD..... ۱۱۱
- نمودار ۶: مولفه حاکمیت قانون در کشورهای عضو OECD..... ۱۱۲
- نمودار ۷: مولفه کنترل فساد در کشورهای عضو OECD..... ۱۱۳
- نمودار ۸: مولفه پاسخگویی و حق اعتراض در کشورهای منطقه..... ۱۱۶
- نمودار ۹: مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت در کشورهای منطقه..... ۱۱۷
- نمودار ۱۰: مولفه اثربخشی دولت در کشورهای منطقه..... ۱۱۸
- نمودار ۱۱: مولفه کیفیت مقررات در کشورهای منطقه..... ۱۱۹
- نمودار ۱۲: مولفه حاکمیت قانون در کشورهای منطقه..... ۱۲۰
- نمودار ۱۳: مولفه کنترل فساد در کشورهای منطقه..... ۱۲۱
- نمودار ۱۴: امتیاز مولفه های شاخص در سال ۲۰۱۷..... ۱۲۴
- نمودار ۱۵: امتیاز ایران در مقایسه با میانگین OECD و میانگین منطقه..... ۱۲۴
- نمودار ۱۶: رتبه جهانی ایران در مولفه های شش گانه..... ۱۲۵
- نمودار ۱۷: رتبه منطقه ای ایران در مولفه های شش گانه..... ۱۲۵
- نمودار ۱۸: روند امتیاز ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض..... ۱۲۶
- نمودار ۱۹: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض..... ۱۲۶
- نمودار ۲۰: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض در کشورهای حوزه سند چشم انداز..... ۱۲۷
- نمودار ۲۱: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض..... ۱۲۷
- نمودار ۲۲: روند امتیاز ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت..... ۱۲۹
- نمودار ۲۳: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت..... ۱۲۹
- نمودار ۲۴: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت در کشورهای حوزه سند چشم انداز..... ۱۳۰
- نمودار ۲۵: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت..... ۱۳۰
- نمودار ۲۶: روند امتیاز ایران در مولفه اثربخشی دولت..... ۱۳۲
- نمودار ۲۷: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه اثربخشی دولت..... ۱۳۲
- نمودار ۲۸: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه اثربخشی دولت در کشورهای حوزه سند چشم انداز..... ۱۳۳
- نمودار ۲۹: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه اثربخشی دولت..... ۱۳۴

- نمودار ۳۰: روند امتیاز ایران در مولفه کیفیت مقررات..... ۱۳۵
- نمودار ۳۱: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه کیفیت مقررات..... ۱۳۵
- نمودار ۳۲: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه کیفیت مقررات در کشورهای حوزه سند چشم انداز..... ۱۳۶
- نمودار ۳۳: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه کیفیت مقررات..... ۱۳۶
- نمودار ۳۴: روند امتیاز ایران در مولفه حاکمیت قانون..... ۱۳۸
- نمودار ۳۵: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه حاکمیت قانون..... ۱۳۸
- نمودار ۳۶: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه حاکمیت قانون در کشورهای حوزه سند چشم انداز..... ۱۳۹
- نمودار ۳۷: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه حاکمیت قانون..... ۱۳۹
- نمودار ۳۸: روند امتیاز ایران در مولفه کنترل فساد..... ۱۴۱
- نمودار ۳۹: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه کنترل فساد..... ۱۴۱
- نمودار ۴۰: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه کنترل فساد..... ۱۴۲
- نمودار ۴۱: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه کنترل فساد در کشورهای حوزه سند چشم انداز..... ۱۴۲

فصل اول

مقدمه

۱- مقدمه

مفهوم حکمرانی خوب^۱، الگویی است که در پی ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه توسط کشورهای توسعه یافته و مجامع بین المللی ارائه شد. در الگوی مورد نظر، دولت باید ثبات و پایداری را در جامعه ایجاد، چارچوب های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت بخش عمومی و خصوصی را مستقر، ثبات و امنیت و عدالت را در بازار فراهم و با کاهش نقش تصدی گری و روی آوردن به نقش حمایتی در چنین شرایطی، اداره دولت را از روش مدیریت عمومی^۲ به روش حکمرانی عمومی^۳ تغییر دهد.

حکمرانی خوب با سازوکارهایی همچون همکاری های سیاسی بین دولت - ملت، تنظیم چارچوب های پاسخگویی دولت و نقش تمامی افراد در اداره امور و مانند آن ها قابل تصور است (روی، ۲۰۰۸). گرچه مدت زیادی از مطرح شدن مقوله حکمرانی خوب به عنوان یک نگرش جدید مدیریتی، نمی گذرد، اما تاکنون مباحث فراوانی را پیرامون خود برانگیخته، اندیشمندان بسیاری را به پژوهش و اظهارنظر در این باره واداشته و به یکی از مهمترین و جذاب ترین مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی، به ویژه مدیریت دولتی، تبدیل شده است.

در سه دهه گذشته پارادایم حکمرانی خوب به صورت پدیده ای جهان شمول درآمد و از یک کشور به کشور دیگر در حال گسترش است (رهنورد و عباسپور، ۱۳۸۶). حکمرانی خوب با انتخاب رویکردی ارزش مدارانه، به باز تعریفی از رابطه تعاملی بین سه نهاد دولت، بخش خصوصی (بازار) و جامعه مدنی می پردازد (قلی پور، ۱۳۸۶). دولت در مفهوم جدید با مولفه

^۱. Good governance

^۲. Public management

^۳. Public governance

هایی مانند دموکراسی^۱، عدالت محوری^۲، مشارکت^۳، اثربخشی^۴، حاکمیت قانون^۵ و کنترل فساد (کافمن و همکاران^۶، ۲۰۰۳) شناخته خواهد شد.

هر یک از این مولفه ها با تاکید بر ارزش های بنیادین، پیاده سازی الگوی حکمرانی خوب را به عنوان راهی مفید و مثمر ثمر برای برون رفت از مسائل و مشکلات و تغییرات اساسی در ساختارها و فرآیندهای عملیاتی دولت و تامین انسجام و اتحاد اجتماعی و پیشبرد سیاست های اصلاحی و توسعه مورد ارزیابی قرار می دهد.

مقوله حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران نیز کم و بیش از روند تغییر و تحولات جهانی بی نصیب نمانده، زیرا نهادهای اجتماعی - قانونی عهده دار مسئولیت های اداره امور کشور، همانند دیگر جوامع، در معرض نقادی صاحب نظران داخلی و خارجی قرار دارند.

قانون کار با محتوای غیر رقابتی و حمایت های گسترده دولت از صنایعی که از کارآمدی لازم برخوردار نیستند؛ حجم بالای بدهی دولت به سیستم بانکی؛ نارسایی در قوانین، دخالت در تعیین نرخ سود تسهیلات بانکی و نبود چارچوب های لازم برای فعالیت های سیستم های مالی کارا را می توان از جمله نارسایی های دولت در انجام وظیفه بنیادین خود دانست.

با مفروض دانستن بی طرفی سازمان های بین المللی و گزارش های آنها و با در نظر گرفتن تاثیر گذاری قطعی ارزیابی های بین المللی بر امنیت سرمایه گذاری در کشورها و دیدگاه مثبت و یا

^۱ . Democracy

^۲ . Equity and inclusive

^۳ Participation

^۴ . Effectiveness

^۵ . Rule of law

^۶ Kaufmann, Kraay and Lobaton

منفی سرمایه‌گذاران خارجی در مورد ایران نمی‌توان نسبت به مسائل حکمرانی و همچنین گزارش‌های مربوط درباره کشورمان بی‌تفاوت بود.

با توجه به آنچه بیان شد هدف اصلی این گزارش مروری بر شاخص جهانی حکمرانی و وضعیت آن در سال ۲۰۱۸، برترین و ضعیف‌ترین کشورهای جهان در مولفه‌های شش‌گانه این شاخص، وضعیت ایران در این مولفه‌ها و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و کشورهای منطقه غرب آسیا و آسیای میانه (حوزه سند چشم‌انداز بیست‌ساله) و نیز تحلیل طولی روند و جایگاه ایران در منطقه در راستای ارزیابی میزان نیل به اهداف سند چشم‌انداز است.

بدین منظور در ابتدا مروری بر پیشینه نظری مفهوم حکمرانی و نیز رابطه این متغیر با برخی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار و کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ابعاد نظری و پژوهشی خواهد شد. سپس داده‌های شاخص جهانی حکمرانی (۲۰۱۸) در چهار محور مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. در محور اول کشورهای حائز بالاترین و پایین‌ترین امتیازات در مولفه‌های شش‌گانه معرفی خواهند شد. در محور دوم وضعیت کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در محور سوم وضعیت کشورهای حوزه سند چشم‌انداز مطالعه می‌گردد و در محور چهارم وضعیت جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۷ و نیز روندهای آن از ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ مرور می‌گردد. در پایان نیز پیشنهادهایی جهت بهبود وضعیت حکمرانی در کشور به سیاست‌گذاران ارائه خواهد گردید.

فصل دوم

مروری بر پیشینه نظری و مفهوم

حکمرانی خوب

۲- مرور پیشینه نظری

۲-۱) زمینه های شکل گیری حکمرانی خوب

سیاست گذاری های توسعه اقتصادی در سال های بعد از جنگ جهانی دوم، به سه دوره متمایز تفکیک می گردند که به طور مختصر در مورد آنها توضیح داده می شود.

دوره نخست دولت بزرگ (توسعه دولت محور): سیاست گذاری توسعه اقتصادی از پایان جنگ جهانی دوم شروع می شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می یابد. این دوره مقارن با بازسازی ویرانی های جنگ در اروپا و طرح مارشال بود و از طرفی تجربه بحران بزرگ ۱۹۲۹ را نیز پشت سر داشت.

لذا اکثر نظریه پردازان و سیاست گذاران اعتقاد به دولت بزرگی داشتند که زمام امور را در دست بگیرد و شرکت های دولتی به مثابه قهرمانان ملی تصور می شدند. در کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) نیز استدلال بر این بود که چون بخش خصوصی توان و سرمایه مورد نیاز برای بسیج توسعه را ندارد پس دولت از طریق شرکت های دولتی، منابع لازم را تجهیز می کند. نظریات اقتصاد کنیزی نیز دولت را عامل تصحیح کننده شکست بازار می دانستند که با طرح های عمرانی دولتی و صرفه های مقیاس حاصل شده از آن، فرآیند توسعه را تسریع می بخشید. این دوره تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

دوره دولت کوچک (توسعه بازار محور): در شرایطی که شرکت ها و نهادهای دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف پذیری لازم را نداشته، در معرض فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و اکثریت آنها زیان ده هستند؛ دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار (مکتب شیکاگو) که خصوصی سازی را یک غایت و کمال مطلوب دانسته و خواهان کاهش سهم دولت در تولید

ناخالص داخلی و محدود کردن نقش دولت در اقتصاد بودند به شدت رواج یافت. در رویکرد مکتب شیکاگو که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ به اجماع واشنگتنی معروف شد، باور به قدرت بازارها و انتخاب مردم بود و کارآمدی رقابت و قیمت های بازار جای تخصیص دولتی منابع را می گرفت. طبق این دیدگاه، بازارها بهترین نتایج را به بار می آورند و قیمت ها بهترین تخصیص دهنده منابع هستند.

هرگونه دخالت دولتی برای تغییر در آنچه بازارها بوجود می آورند ضد تولیدی است. نگاه به دولت از «عامل توسعه» به جدی ترین «مانع توسعه» تغییر یافت. فرض می شد که نهادهای دولت تحت فشار گروه های هم سود، به دستگاه تولید و توزیع افزونه تبدیل می شود، پس هر اندازه دولت کوچکتر شود بهتر است (همان)

دوره سوم دولت موافق بازار: شعار دوره سوم «حکمرانی خوب» است. منظور از حکمرانی خوب «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی» است در این دوره دولت و بازار هر دو نهاد اجتماعی هستند که از نقایص و کاستی های مختلف رنج می برند و توسعه در گرو رفع نقایص و عیوب نهاد بازار و نهاد دولت است. کلید توسعه در فراهم ساختن شرایط و نهادهای است که دولت از عهده انجام وظایف حاکمیتی و پشتیبانی خود برآید و بتواند زمینه ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد. در واقع در دوره سوم ماهیت مسئله تغییر یافته است. در دوره های پیشین، مسئله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی آن) مطرح بود، اما در این دوره مسئله کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است. عدم مداخله دولت یا مداخله دولت ضعیف و ناکارآمد راه گشا نخواهد بود، زیرا دخالت دولت ضعیف و بد

در اقتصاد، مجموعه ای از بحران‌ها و عدم مداخله آن‌ها بحران‌های دیگری را به وجود می‌آورد (همان).

۲-۲) مفاهیم حکومت حکمرانی و دولت

واژه‌های حاکمیت^۱ و حکمرانی^۲ ریشه در فعل یونانی راهبری یا هدایت کردن^۳ دارند که افلاطون آنها را برای چگونگی طراحی یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به کلمه لاتین گابرنر^۴ تبدیل شده است که بر حکم راندن، حکم‌روایی کردن یا رهبری دلالت دارد.

در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان، نظامی از قوانین و مقررات تعریف شده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). در این تعریف حاکمیت به معنای عمل یا شیوه حکومت کردن و همچنین مقام یا کارکرد حکومت کردن است. (مته کایر، ۱۳۸۶).

دولت (حاکمیت) در معنای اصطلاحی آن، دارای معانی متعددی است که تنها یک مفهوم از آن را می‌توان به مثابه ساخت قدرتی تفسیر کرد که در سرزمین معین بر مردمان معین، تسلط پایدار دارد و از نظر داخلی نگهبان نظم به شمار می‌آید و از نظر خارجی باید از تمامیت سرزمین و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش دفاع کند. این ساخت قدرت به صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی قطعیت می‌یابد (آشوری، ۱۳۷۰) بحث تفصیلی درباره

^۱ . Government
^۲ . Governance
^۳ . Kubernan
^۴ . Gubenare

مفاهیم حاکمیت، دولت و حکمرانی مستلزم برخورداری از شرایط مناسب و مساعدی است و در این مختصر نمی گنجد. با این اوصاف برخی از نظریه های معروف از دوره باستان، قرون وسطی و تا نیمه اول قرن نوزدهم، در جدول یک لحاظ شده است.

جدول ۱: سیر تطور مفاهیم حکومت، حکمرانی و دولت (قلی پور، ۱۳۸۳)

عنوان نظریه	نظریه پرداز و دوره زمانی
دولت مبتنی بر عدالت، ترکیب قدرت سیاسی و عقل فلسفی	افلاطون، ۴۲۷ - ۳۴۷ ق.م
دولت متکی بر مصالح همگان و مبتنی بر عدالت، قانون محوری و شهروند محوری	ارسطو، ۳۸۵ - ۳۲۲ ق.م
دولت مبتنی بر عدالت، قانون و احکام دینی	آگوستین، ۳۴۰ - ۴۳۰
دو دیدگاه واقع گرایی و حقیقت نگر به دولت، رفتار دولت بر اساس مصلحت با تکیه بر آزادی، در نگاه واقعیت نگر و توجه به دین و قانون در نگاه حقیقت نگر	ماکیاولی: ۱۵۲۷ - ۱۴۴۹
دولت مبتنی بر قانون، عدالت و بهترین شکل حکومت نیز سلطنت شاهانه است	بدن، ۱۵۹۶ - ۱۵۳۰
تفکیک قدرت سیاسی از قدرت روحانی و تاکید بر آزادی و عدالت	هابز، ۱۶۷۹ - ۱۵۸۸
غایت دولت امنیت، آسایش و رفاه، جدایی قوای مقننه، قضائیه و مجریه از همدیگر، اصل برابری در حقوق شهروندی، حکومت مبتنی بر قرارداد اجتماعی با نظام اخلاقی کارآمد با هدف اعمال عدالت و رفاه	لاک، ۱۷۰۴ - ۱۶۳۲
تقسیم بندی حکومت به جمهوری، سلطنتی و استبدادی مطلق، نظریه تفکیک قوا، آزادی و قانون مداری مشخصه بارز دولت خوب و حکومت جمهوری مبتنی بر تقوا، بهترین نوع حکومت	منتسکیو، ۱۷۵۵ - ۱۶۸۹

عنوان نظریه	نظریه پرداز و دوره زمانی
دولت مبتنی بر قرارداد اجتماعی، اطاعت از اراده عمومی و قانون	روسو، ۱۷۷۸ - ۱۷۱۲
فرآیند دیالکتیکی شکل‌گیری دولت، تحقق آزادی، عدالت و تدوین قوانین در وظایف دولت و نقش دولت در جامعه مدنی	هگل، ۱۸۳۱ - ۱۷۷۰
اصل سودمندی عمومی در حکومت، حکومت مبتنی بر اکثریت سیاسی، آزادی گفتار و برخورداری افراد از حق نمایندگی و وجود فرمانروایانی که بر اساس اقتصاد آزاد عمل کنند، ضامن امنیت مشروطه و استقرار حکومت خوب باشد.	بتهام، ۱۸۳۲ - ۱۷۴۸

۲-۳) مفهوم حکمرانی خوب و فلسفه وجودی آن.

حکمرانی، واژه قدیمی است که اخیراً احیا شده و به عنوان یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی - به ویژه در حوزه مدیریت دولتی - تبدیل شده و عموماً به عنوان مفهومی جدید در ارتباط با دولت و مدیریت دولتی به کار می‌رود. برای بسیاری از موضوع‌ها مانند حکمرانی محلی، شهری، ملی، شرکتی، بین‌المللی و محیطی و مانند آنها به عنوان پیشنهاد استفاده شده است که به معنای اصلاح^۱ به کار می‌رود (الوانی و علیزاده ثانی، ۱۳۸۶).

حکمرانی خوب مفهومی است که از سال‌های میانی دهه ۹۰ میلادی، با گسترش اقتصاد نهادگرایی، سخت‌مورد توجه محافل آکادمیک قرار گرفته است. حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن، شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا می‌گذارند (شاه‌آبادی و ثمری، ۱۳۹۶).

^۱ . Reform

حکمرانی خوب چارچوبی است که به مسئله کیفیت حکمرانی توجه دارد. حکمرانی خوب به دنبال شنیدن صدای عامه^۱ مردم در تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌گذاری بخش دولتی است از این طریق تصمیمات بیشتر به خواست‌ها و نیازهای اجتماعی نزدیک می‌شود و تحقق آرمان دموکراسی و مشارکت امکان‌پذیرتر خواهد شد. مفهوم حکمرانی خوب ترکیبی از بهترین مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی منابع کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است.

در این چارچوب، نهادها و گروه‌های ذی‌نفع اقتصادی و اجتماعی می‌توانند راهکارها و خواسته‌های مشروع و قانونی خود را در حکمرانی به کار بندد (صباغ و باسنا، ۱۳۸۸)

هدف از حکمرانی خوب ایجاد تغییر و تحولاتی در مدیریت دولتی است که به دموکراسی و مشارکت شهروندان و همچنین توسعه اجتماعی - اقتصادی منجر شود. حکمرانی به معنای سیستمی پیچیده از تعاملات بین ساختارها، سنت‌ها، کارکردها و فرایندها است که سه ارزش اصلی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت را دربردارد (دباغ و نفری، ۱۳۸۸ : ۴) حکمرانی خوب سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی به منافع خود دست می‌یابند و تعهدها را برآورده می‌کنند. (ابراهیم پور و روشندل اربطانی، ۱۳۸۷)

حکمرانی خوب را می‌توان نوعی رویکرد هنجاری در نظر گرفت؛ چراکه نسبت به سایر دیدگاه‌های قبلی که اغلب به توصیف مفهوم حکمرانی و مدیریت دولتی می‌پرداختند، دستورالعمل‌ها و توصیه‌های بیشتری دارد. حکمرانی خوب به جای بیان «آنچه هست» به اظهار نظر درباره «آنچه باید باشد» می‌پردازد. (گریندل، ۲۰۰۷)

^۱ . Public Voice

حکمرانی خوب نظامی از ارزش ها، سیاست ها و نهادها است که جامعه به کمک آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را به وسیله سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی مدیریت می کند (قلی پور، ۱۳۸۷: ۴) حکمرانی خوب، بیانگر تغییر پارادایم نقش دولت و حکومت ها و مشارکت یکسان همه مردم در فرآیند تصمیم گیری است که باعث می شود صدای همه مردم، زمانی که تصمیمات گرفته و منابع تقسیم می شوند، به گوش برسد (مقیمی و اعلائی اردکانی، ۱۳۹۰: ۱۷۱)

در طی سال های اخیر دو مفهوم اصلی از حکمرانی در مبانی نظری دانشگاهی و سیاسی به سرعت در حال رشد بوده است: تعریف شناخته تر توسط بانک جهانی و برخی از نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد به کار گرفته شده و حکمرانی به عنوان یک روش اعمال قدرت در مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها تعریف شده است. (قلی پور، ۱۳۸۷)

حکمرانی مورد نظر این سازمان ها بر رهبری تاکید دارد و بر همین مبنا کشورهای را دارای حکمرانی خوب می دانند که توسط نظام هایی هدایت می شوند که رهبران آن ها به حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت و حق بهره گیری از حقوق انسانی و مدنی توجه می کنند.

رویکرد دوم در تعریف حکمرانی نیز در تسهیم اقتدار مدیریت دولتی میان دولت ها و سازمان های غیردولتی تمرکز کرده و تاکید دارد به گونه ای که بازیگران دولتی و غیردولتی به صورت ترکیبی و همکارگونه به حل مشکلات اجتماعی می پردازند این تفکر حکمرانی را به عنوان شکلی از همکاری چند جانبه به جای تاکید صرف در نهادهای دولتی، می بیند.

بر این اساس، حکمرانی خوب مترادف با اصطلاح دولت خوب^۱ نیست، چراکه دولت تنها به قوه مجریه اشاره دارد، در حالی که حکمرانی خوب قوای سه گانه و سایر نهادهای جامعه را دربرمی گیرد. دولت به ساختارهای نهادی رسمی و اختیار و استقلال در تصمیم گیری ها اشاره دارد و حکمرانی بیان کننده رابطه بین دولت و نیروهای غیردولتی است (روی، ۲۰۰۸: ۶۷۷) دولت ها بیشتر بر خروجی ها^۲ تاکید دارند، در حالی که در حکمرانی بر پیامدها و نتایج^۳ تاکید می شود (مقیمی و اعلائی، ۱۳۸۸: ۱۱۵) بدین ترتیب حکمرانی به فرایندهای ارائه خدمات و کیفیت آنها توجه دارد.

حکمرانی خوب از دهه ۱۹۸۰ و با اعمال نفوذ از سوی برخی نهادهای قدرتمند بین المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، موسسات وابسته به سازمان ملل متحد و سازمان شفافیت جهانی^۴ و مانند اینها وارد مبانی نظری توسعه شده است.

اولین مرجع معتبری که در این زمینه مباحثی را مطرح کرده بانک جهانی است که در سال ۱۹۸۹ حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد نظام قضایی کارآمد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است (شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۳). ابتدا تمرکز اصلی بانک جهانی بر کوچک سازی دولت ها و ایجاد چابکی در آنها بود، اما هم اکنون بر افزایش ظرفیت ها و توانمندسازی دولت ها بیشتر تاکید می شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳)

^۱ . Good government

^۲ . Output

^۳ . Outcome and results

^۴ . Transparency International

پس از بانک جهانی، سایر نهادهای بین المللی مانند برنامه توسعه سازمان ملل^۱ و صندوق بین المللی پول بر توسعه مفهوم حکمرانی خوب و گسترش آن بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته اصرار کردند.

با توجه به تعریف و در نظر گرفتن زمینه و بستر شکل گیری این مفهوم که می توان مدعی شد که حکمرانی خوب الگویی است برای به کارگیری بهتر اختیار به منظور استفاده از حداکثر توان موجود در جامعه با نیت دستیابی به هدف های توسعه ای.

بر این اساس می توان اهداف زیر را برای حکمرانی خوب برشمرد:

الف: توسعه پایدار نیروی انسانی

ب: ایجاد آزادی های مدنی

ج: کمک به اقشار آسیب پذیر از طریق ایجاد فرصت های برابر

د: تقویت سرمایه اجتماعی (قلی پور، ۱۳۸۳)

دستیابی به هدف های مورد اشاره نیازمند به کارگیری همه توان و نیرو های موجود در جامعه است که به نظر می رسد این امر مهم از طریق استقرار حکمرانی خوب امکان پذیر باشد و در صورت تحقق اهداف یادشده توسعه پایدار در جامعه نیز امکان پذیر خواهد شد

با وجود اینکه کمتر از سه دهه از شکل گیری مفهوم حکمرانی خوب می گذرد اما در همین دوره زمانی نسبتاً کوتاه تفسیر و تعبیر زیادی از این مفهوم به عمل آمده است پژوهشگران و نهادهای بین المللی هر کدام به نحوی حکمرانی خوب را تعریف و تفسیر کرده اند (استوو^۲، ۱۹۹۲).

^۱ . United Nations Development Program

^۲ Stowe

علاوه بر نهادهای بین‌المللی، برخی از پژوهشگران نیز به تعریف این واژه مهم پرداخته‌اند و آن را به عنوان سبک و مدلی از حکمرانی می‌دانند که به نتایج اجتماعی و اقتصادی مطلوب مورد درخواست شهروندان منجر می‌گردد (شیپلی و کواچ^۱، ۲۰۰۸). عده‌ای نیز آن را مفهومی کلی، مفصل و تصویری از مفهوم توسعه و حرکت به سمت توسعه، معرفی کرده‌اند (برند، ۲۰۰۷) با این اوصاف تمامی تلاش‌ها و تعریف‌های متعدد و گوناگونی که از حکمرانی خوب، صورت می‌پذیرد برای این است که ابعاد این پدیده حساس به خوبی نشان داده شود. به طور خلاصه می‌توان گفت واژه حکمرانی خوب به عنوان یک اصطلاح رایج در بین بسیاری از جوامع کنونی، پذیرفته شده و از آن به عنوان یک مفهوم عمده در اداره جامعه و الگویی برای اصلاح بخش عمومی، تقویت جامعه مدنی و تسریع در مشارکت بخش خصوصی یاد می‌شود.

۲-۴) شاخص‌های حکمرانی خوب و پیشینه آن‌ها

شاخص عبارت از سازوکاری مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده است. به همین منظور عده‌ای از پژوهشگران در تعریف و شناسایی حکمرانی خوب به بیان شاخص‌ها و زیرشاخص‌های آن پرداخته‌اند تا ضمن شناسایی حکمرانی خوب با استفاده از شاخص‌ها، به اندازه‌گیری و سنجش آن در جوامع مختلف بپردازند. برای این منظور سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای ملی، گروه‌ها و پژوهشگران دانشگاهی و مراکز پژوهشی، هر کدام شاخص‌ها، معیارها و ویژگی‌ها و مولفه‌هایی را برای معرفی، سنجش و ارزیابی حکمرانی خوب برشمرده‌اند.

^۱ Shipley & Kovacs

تاکنون تحقیقات فراوانی درباره حکمرانی خوب انجام شده و تلاش های زیادی نیز در این زمینه صورت گرفته و گزارش هایی نیز از سوی سازمان ها و موسسات بین المللی تدوین شده است. هم اندیشی ها و همایش های بسیاری برگزار شد و نتایج این فعالیت ها در قالب مقالات و نوشته های متعددی نیز منتشر گردید. نهادها و سازمان های بین المللی و اشخاص حقیقی و حقوقی زیادی به بحث پیرامون حکمرانی خوب به صورت عام و مطالعه موردی، پرداخته اند. مطالعه درباره موضوع حکمرانی خوب در ایران نیز چه در حوزه نظری و چه در حوزه کاربردی سابقه چندانی ندارد و به کمتر از یک دهه می رسد. پژوهش های انجام شده اعم از خارجی و داخلی در ذیل مبحث شاخص های حکمرانی خوب (جدول ۲)، قرار داده شدند.

جدول ۲: عناوین پژوهشی، شاخص ها و زیرشاخص های حکمرانی خوب (بیگی نیا و همکاران، ۱۳۹۱)

منبع	شاخص ها و زیرشاخص ها	عنوان پژوهش
برند، ۲۰۰۷	اجماع محوری، پاسخ گویی، شفافیت، مسئولیت پذیری، عدالت محوری، کارایی و اثربخشی، قانون محوری و مشارکت جویی	حکمرانی خوب برای بهداشت عمومی
بروک، ۲۰۰۶	رضایت و اجماع در جامعه، اصلاح در بخش های اداری روسیه، بهینه سازی وظایف دولت، مقاومت در برابر فساد، استانداردسازی ارائه خدمات در بخش های دولتی، به وجود آوردن اثربخشی در بین جامعه و دولت، فراهم سازی اطلاعات، افزایش کیفیت ارائه خدمات و رضایت بیشتر افراد جامعه از ارائه خدمات دولتی	به سوی حکمرانی خوب در روسیه؛ بهینه سازی وظایف حکومت:

منبع	شاخص ها و زیرشاخص ها	عنوان پژوهش
اپستین و گنگ ^۱ ، ۲۰۰۹	انصاف در حکمرانی (شامل: آزادی های فردی، حقوق سیاسی، حق اظهارنظر و پاسخگویی، اثربخشی حاکمیت، حاکمیت قانون و کنترل فساد); آزادسازی اقتصاد (شامل: هزینه کم برای شروع فعالیت اقتصادی، مهار تورم، سیاست های مالی، سیاست های بازرگانی و سیاست های تنظیمی کیفیت) و سیاست های سرمایه گذاری انسانی (شامل: سیاست های هزینه سلامتی، ایمن سازی، و تامین هزینه آموزش های ابتدایی)	حکمرانی خوب و تخصیص بهینه کمک ها
هاتر و شاه ^۲ ، ۲۰۰۱	برای اندازه گیری حکمرانی خوب الف: مشارکت شهروندان (آزادی سیاسی و ثبات سیاسی)، ب: دولت محوری (کارایی قضایی، کارایی اداری و فساد پایین) ج: توسعه اجتماعی (توسعه انسانی و توزیع عادلانه، د: مدیریت اقتصادی (توجه به بازده، استقلال بانک مرکزی و برگشت سود به نرخ GDP)	استفاده از ابزار ساده حکمرانی خوب برای بحث در باره عدم تمرکز مالی: (۲۰۰۱)
جونگر و کروسن ^۳ ، ۲۰۰۷	حکمرانی خوب به عنوان شرط لازم و ضروری برای کشورهای در حال توسعه، به منظور دریافت کمک از	درک حکمرانی خوب، تجربه روستاهای بنگلادش:

^۱ Epstein and Gang

^۲Huther and shah

^۳Jongr & Kroesen

منبع	شاخص ها و زیرشاخص ها	عنوان پژوهش
	دیگر کشورها با هدف کاهش فقر و دست یافتن به رشد اقتصادی	
لومبرا ^۱ ، ۲۰۰۹	نقش جامعه مدنی در دستیابی به حکمرانی خوب، خنثی شدن نقش جامعه مدنی به وسیله حکومت های مستبد	جامعه مدنی ، کلیسا و دموکراسی در جنوب مکزیک
ماهراج و لانسبورگ ^۲ ، ۲۰۰۶	ویژگی های حکمرانی خوب در حوزه شرکتی : انضباط ، شفافیت، استقلال، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، بی طرفی و مسئولیت اجتماعی	شبکه ای برای مدیریت پروژه های حکمرانی خوب در جنوب آفریقا
پراساد، ۲۰۰۸	سیاست های تقویت پارلمان، بالا بردن و بهبود استانداردها در بخش استخدام قضات	حکمرانی خوب، موسسات و رشد اقتصادی در کشورهای اقیانوس آرام:
پراوین ^۳ ، ۲۰۰۸	شبکه بانک جهانی، سیاست گذاری روشن، وجود جامعه مدنی قوی، مسئولیت در برابر اعمال، و قانونی بودن اعمال	اصلاح حکمرانی در بخش عمومی
روپر و ندد ^۴ ، ۲۰۰۸	مسئولیت اجتماعی ، آزادی انتخاب و استخدام	حکمرانی خوب و مسئولیت اجتماعی سازمان ها

^۱ Lombera

^۲ Maharaj & Lansburg

^۳ Praveen

^۴ Roper Nedd

منبع	شاخص ها و زیر شاخص ها	عنوان پژوهش
روی، ۲۰۰۸	ایجاد و اهمیت جامعه مدنی، وجود جامعه مدنی شرط لازم و پیش نیازی برای حکمرانی خوب	جامعه مدنی و حکمرانی خوب:
شیپلی و کواچ، ۲۰۰۸	<p>پنج شاخص اصلی برای حکمرانی خوب و هر شاخص نیز به چندین زیر شاخص تقسیم شده اند:</p> <p>الف - مشروعیت و حق اظهار نظر شامل: (۱) وجود یک نظام چند حزبی و توجه به حقوق بشر؛ (۲) عدم تمرکز در تصمیم گیری ها و انتقال قدرت تصمیم گیری به آحاد جامعه؛ (۳) مدیریت مشارکتی در تصمیم گیری ها؛ (۴) مشارکت همه شهروندان در تمامی سطوح شامل سطوح قانونی و تساوی جنسیتی در مشارکت ها؛ (۵) وجود و گسترش جامعه مدنی و استقلال مطبوعات و رسانه ها و وجود سطح بالای اعتماد و اطمینان</p> <p>ب - هدایت و رهبری: اصل رهبری در سطح کلان، مبتنی بر تعیین چشم اندازهای استراتژیک توسط حکومت ملی است. چشم انداز استراتژیک در سطح کلان که می بایست توسط حاکمیت مورد توجه قرار گیرد، شامل استراتژی های توسعه انسانی، توسعه تاریخی و توسعه فرهنگی است، اما هدایت و رهبری نیز شامل زیر شاخص هایی مانند: (۱) هماهنگی و همخوانی با جامعه بین المللی؛ (۲) وجود قوانین و</p>	<p>اصول حکمرانی خوب برای بخش میراث فرهنگی: درس هایی از تجربه بین المللی</p>

منبع	شاخص ها و زیرشاخص ها	عنوان پژوهش
	<p>دستورالعمل هایی برای رهبری و تنظیم مقرراتی همچون شفافیت در قدرت؛ (۳) وجود طرح و نقشه و استراتژی؛ (۴) وجود مدیریت در برنامه ریزی و تعیین اهداف روشن و هماهنگ با قوانین با برخورداری از قابلیت اندازه گیری، بازبینی این اهداف در دوره های متوالی و همچنین نمایش اثربخشی رهبری، با تاکید بر ایجاد ثبات و تداوم در چشم انداز سیاستمداران و مدیران، ج- کارایی در عملکرد: کارایی و اثربخشی حاکمیت، به معنای استفاده صحیح از منابع تحت اختیار حاکمیت، شاخص عملکرد نیز دارای هشت ملاک:</p> <p>۱- اثربخشی در هزینه های انجام شده برای دستیابی به اهداف</p> <p>۲- صلاحیت، به معنای توانایی مسئولین،</p> <p>۳- همکاری های دسته جمعی</p> <p>۴- در اختیار گذاشتن اطلاعات کافی وبسنده برای همه افراد</p> <p>۵- پاسخ دهی</p> <p>۶- مدیریت توافقی که به توانایی مدیران در آموختن و تعدیل و تنظیم آموخته ها و تجربیاتشان به زیردستان</p>	

منبع	شاخص ها و زیرشاخص ها	عنوان پژوهش
	<p>۷- بازنگری و ارزیابی در کارهای انجام شده و</p> <p>۸- مدیریت پذیرش ریسک به معنای توانایی مدیریت در تشخیص مشکلات اجتماعی و آماده شدن برای حل آن ها</p> <p>د- پاسخگویی، در برگیرنده پاسخگویی عمومی و پاسخگویی سازمانی به ذی نفعان و اعمال شفافیت سازمانی ، شامل : (۱) وضوح و روشنی در پاسخگویی (۲) نقش رهبران سیاسی و پاسخگویی، (۳) پاسخ دهی نهادهای سیاسی (۴) وجود جامعه مدنی و رسانه های جمعی و شفافیت به معنای توانایی شهروندان ، جامعه مدنی و رسانه ها در دستیابی به اطلاعات</p> <p>هـ - بی طرفی: این اصل بر انصاف و عدالت در حکمرانی و بهره مندی همه اقشار از فرصت های رشد و توسعه تاکید دارد ملاک های آن عبارتند از:</p> <p>(۱) استقلال دستگاه قضایی از تاثیرات بیرونی؛ (۲) عدالت: بی طرفی و اجرای موثر قوانین که شامل (۱) شفافیت در قوانین و نبود فساد در بین ماموران اجرای احکام؛ (۲) بی طرفی در مراجعه به قوانین تصویب شده پیشین؛ (۳) بی طرفی مدیریت در مسائلی که ممکن است بدان ها سود برساند (استفاده نکردن از رانت های اطلاعاتی)</p>	

منبع	شاخص ها و زیرشاخص ها	عنوان پژوهش
اسمیت و پولیتوفسکی ^۱ ، ۲۰۰۸	اثربخشی، بالا بردن ارزش های سازمانی، تاکید بر اهداف سازمانی، تعهد نسبت به سهامداران و مدیریت مبتنی بر ریسک	حکمرانی خوب، سیستم های مدیریت مبتنی بر ریسک با رویکرد کنترل درونی
ویس ^۲ ، ۲۰۰۱	چالش های مفهومی و واقعی، مشارکت جویی و مشارکت پذیری، اجماع گرایی، شفافیت، قانون گرایی و حاکمیت قانون، اثربخشی و کارآمدی، عدالت جویی، توجه و واکنش به درخواست های مردم	حکمرانی، حکمرانی خوب و حکمرانی جهانی
میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳	اجماع محوری، شفافیت، مسئولیت پذیری، مشروعیت، حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، فقدان آشوب و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون و نبود فساد، هدایت و رهبری و کارایی در عملکرد، مشارکت و مبارزه با فساد، بی طرفی، فرآیند حکمرانی خوب و بهبود آن	حکمرانی خوب، بنیان توسعه: شامل مباحث کلی حکمرانی خوب، تجارب سازمان های بین المللی،
قلی پور، ۱۳۸۳	به متغیرهای حکمرانی خوب در دولت ایران و تحلیل و امکان سنجی آن ها با هدف ارائه الگویی از دولت تسهیل گر، تحلیل و امکان سنجی این الگو، بررسی موانع موجود ساختاری (سازمانی و قانونی) در دستیابی	نقش دولت در حکمرانی خوب، تحلیل و امکان سنجی در ایران

^۱ Smith and Politowski

^۲ Weiss

منبع	شاخص ها و زیرشاخص ها	عنوان پژوهش
	به دولت تسهیل گر و الگوی دولت تسهیل گر و نقش آن در حکمرانی خوب پرداخته است.	
یزدانی زنوز، ۱۳۸۴	ارتباط بین شفافیت به عنوان یکی از شاخص های مهم در دستیابی به حکمرانی خوب و مواردی نظیر دموکراسی، فساد، پاسخگویی، توسعه پایدار و حاکمیت، نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته های پژوهش بیانگر آن است که شفافیت به عنوان یک رکن مهم و اساسی در دستیابی به حکمرانی مطلوب، از جایگاه ویژه ای در بین سایر مولفه ها برخوردار بوده است.	بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی خوب
الوانی و علمیزاده ثانی، ۱۳۸۶	شاخص های حکمرانی خوب شامل: مشارکت، پاسخگویی، عدالت و برابری، توسعه انسانی، کارایی و اثربخشی، نتیجه پژوهش بیانگر نبود تعادل میان سه نهاد اصلی (دولت، بازار و جامعه مدنی) است.	تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران ()
رهنورد و عباسپور، ۱۳۸۶	فرآیند پیاده سازی حاکمیت خوب در قالب مولفه های: محرکت های ذهنی (ملی و بین المللی)، جهت استراتژیک، معماری فعلی، معماری مطلوب، فرآیندهای انتقالی، استانداردها؛ شاخص های مورد تاکید: پاسخگویی، شفاف سازی، عدالت جویی، مشارکت جویی، قانون گرایی	حاکمیت خوب و امکان پیاده سازی آن در ایران

استفاده از شاخص چه برای اندازه گیری حکمرانی خوب، چه برای معرفی آن، نقش موثری در تبیین این پدیده داشته و دارد. همان گونه که در مرور مبانی نظری درباره حکمرانی خوب و اقدامات انجام شده برای ارزیابی آن بیان شد، شاخص های متعدد و گوناگونی برای سنجش و ارزیابی این مفهوم، احصاء و تعریف شده است که هر یک گویای ویژگی، معیار، شاخص، زیرشاخص ها و یا مولفه های خاصی از حکمرانی خوب است.

۵-۲) شاخص حکمرانی خوب بانک جهانی

کافمن و همکاران^۱ (۲۰۰۹) از محققان بانک جهانی، حکمرانی خوب را نهادها و آداب و رسوم رسمی و غیررسمی تعریف می کنند که به وسیله آنها قدرت در جهت مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می شود و شامل موارد زیر است:

الف) فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می شوند.

ب) ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست های درست،

ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می کنند.

بر اساس تعریف، این محققان شش ویژگی و مولفه را برای حکمرانی بیان می کنند. دو ویژگی اول در چارچوب بند الف عبارت از شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون حضور خشونت می شود. همچنین دو مولفه اثربخشی دولت در انجام وظایف محول شده و کیفیت تنظیم گری مقررات در چارچوب بند ب جای می گیرد و سرانجام دو مولفه تامین قضایی و کنترل فساد به

^۱ . Kaufmann et al

وضعیت چارچوب های قانونی و نوع رابطه شهروندان و دولت با این چارچوب ها (بند ج) اشاره دارد (شاه آبادی و پورجوان، ۱۳۸۹)

۲-۵-۱) حق اظهارنظر و پاسخ گویی

مقصود از این شاخص میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی است. که در مطالعه حاضر این شاخص، به اختصار VOICE آمده است.

بدین مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه بر مردم تاثیر می گذارد، مورد سوال و بازخواست قرار دهند (بانک جهانی، ۲۰۱۲) شاخص حق اظهارنظر بیان کننده مفاهیمی مانند حقوق سیاسی، آزادی بیان و اجتماعات، آزادی مطبوعات و فرایندهای برگزاری انتخابات است. بهبود در شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی می تواند موجب افزایش استانداردهای زندگی مردم شود (امیدیان و دیگران، ۱۳۹۴). همچنین به صورت غیرمستقیم از طریق بهبود زیرساخت های آموزشی و برقراری عدالت آموزشی، موجب ارتقای سطح سواد عمومی می شود (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱)

۲-۵-۲) ثبات سیاسی و مقابله با خشونت^۱

این شاخص بیانگر آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت آمیز در معرض بی ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. این متغیر با نام POLI به اختصار در تخمین ها لحاظ شده است (شاه آبادی و ثمری، ۱۳۹۴).

^۱. Political Stability and Absence of Violence

ثبات سیاسی به مفاهیمی مانند ناآرامی و اعتراض های اجتماعی، وحشت افکنی و اعدام های سیاسی، کودتا و تنش های قومی اشاره می کند. ثبات سیاسی احتمال بروز انقلاب و تنش های خشونت آمیز از طریق کودتا و شورش را به حداقل میرساند (امیدیان و همکاران، ۱۳۹۴).

این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال از تداوم موثر حیات دولت و تداوم سیاست های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی می پردازد (بانک جهانی، ۲۰۱۲)

۲-۵-۳) اثربخشی دولت^۱

در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن ها از فشارهای سیاسی مدنظر است. اثربخشی دولت شاخصی است که بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله است که شاخص مقولات ذهنی همچون کیفیت، تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است (بانک جهانی، ۲۰۱۲)

در این شاخص میزان موفقیت حکومت در حمایت از نظام مبتنی بر بازار را از طریق خط مشی گذاری مناسب می سنجد. مؤلفه هایی مانند توانایی دولت در قانون گذاری، داوری دادگاه ها، تصمیمات مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخگویی و شفافیت، در مبحث اثربخشی دولت درخور توجه اند. (ماتسو، ۲۰۰۵)

^۱ . Government Effectiveness

۲-۵-۴) کیفیت مقررات^۱

کیفیت مقررات یا تنظیم‌گری^۲: منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظاماتی است که سبب گسترش نفوذ و دامنه‌ فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. این شاخص، ابعادی مانند مقررات دست‌وپاگیر اداری، سطح مداخله دولت در اقتصاد، خط‌مشی‌های رقابتی و دسترسی به بازارهای سرمایه‌ای را دربردارد (شاه‌آبادی و ثمری، ۱۳۹۴؛ امیدیان و دیگران، ۱۳۹۴).

این شاخص بر روی سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد (بانک جهانی، ۲۰۱۲) سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین، هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی (کافمن و همکاران^۳، ۲۰۱۰)

۲-۵-۵) حاکمیت قانون^۴

اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و میتوان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی میشود. حاکمیت قانون به معنای تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهاست. این امر اعتماد فراوانی در تحریک سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند. حاکمیت قانون، همچنین از طریق حمایت از زیرساخت‌های نهادی سبب توسعه بازارها می‌شود. هدف از حاکمیت قانون، محافظت از شهروندان در برابر سوءاستفاده دولت و سیاستمداران از قدرت است (سامتی و دیگران، ۱۳۹۰)

^۱. Regulatory Quality

^۲. Regulatory quality

^۳. Kaufmann et al

^۴. Rule of Law

حاکمیت قانون میزان احتمال عملی که دولت مردان و شهروندان کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده اند (بانک جهانی، ۲۰۱۲).

۲-۵-۶) کنترل فساد^۱:

آنچه در این شاخص مدنظر قرار می گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوء استفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی قرار میگیرد (نادری، ۱۳۹۰). هر کارمند و مسئول دولتی در به کارگیری تصمیم های اداری تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی و دولت های اجتماعی قرار می گیرد و از این مسیر مرتکب فساد می شود (امیدیان و دیگران، ۱۳۹۴).

بر این اساس، شاخص حکمرانی بر مبنای مطالعات محققان بانک جهانی (کافمن و همکاران) تعریف گردیده که یافته های موسسات مختلف بین المللی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و در بردارنده شش جزء حق اظهار نظر و پاسخگویی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و کنترل فساد است.

نتیجه کار آنها در همگن سازی و تجمیع کلیه اطلاعات درباره یک کشور خاص، در غالب شش جزء و با اختصاص نمراتی از ۲,۵ - (بدترین حالت) تا ۲,۵ (بهترین حالت) برای هر جزء ارائه شده است.

^۱ . Control of corruption

اجزاء تعریف کننده شاخص حکمرانی اولین بار در سال ۱۹۹۶ و برای ۱۹۳ کشور جهان ارائه و محاسبه گردید. از سال ۲۰۰۲ بانک جهانی اقدام به گردآوری سالیانه مقادیر این اجزاء نموده و در حال حاضر اطلاعات مربوط به سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۳ این شاخص موجود است.^۱

شاخص های حکمرانی خوب از طریق نظرسنجی از مردم، شهروندان، بنگاه ها، مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، مدیران و مأموران دولتی اندازه گیری می شود.

^۱ . <http://info.worldbank.org>

فصل سوم

مروری بر پیشینه پژوهشی

مقدمه

در این بخش به مرور مهم ترین متغیرهای مرتبط با حکمرانی خوب در پژوهش های قبلی پرداخته شده است. برخی از متغیرهای مورد بررسی به گواه نتایج پژوهش ها بر حکمرانی خوب تاثیر گذار بوده و برخی دیگر از حکمرانی خوب تاثیر می پذیرند. تامل بر متغیرهای بررسی شده در

این بخش که عموماً مهم‌ترین متغیرهای کلان توسعه‌ای کشورها در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تکنولوژیک و زیست محیطی هستند اهمیت متغیر حکمرانی خوب و ضرورت توجه و تمرکز بیشتر بر آن را آشکار می‌سازد. در خصوص هر متغیر تلاش شده ابتدا به بررسی رابطه نظری، کارکردی و منطقی آن با حکمرانی خوب در اداره امور توسعه کشور پرداخته شده و سپس به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته داخلی و خارجی حول آن موضوع اشاره شود.

۳-۱) متغیرهای تاثیرگذار بر حکمرانی

۳-۱-۱) بودجه بندی (فرایند بودجه بندی، شفافیت بودجه، نظارت بر بودجه)

با مطالعه ادبیات نظری مربوطه، ملاحظه می‌شود که برخی پژوهشگران به ارتباط بین بودجه و حکمرانی خوب اشاره نموده‌اند (پورعزت و طاهری عطار، ۱۳۸۹؛ شیاوو و دانیل توماسی^۱، ۲۰۱۰، اوسیسیوما^۲، ۲۰۱۳؛ هیوک^۳، ۲۰۱۳؛ فابز، ۱۹۹۹؛ سازمان ملل، ۲۰۰۷؛ لیتوینچنکو^۴، ۲۰۱۴) و برآنند که راه حل اصلی و اساسی بحران توسعه را فقط می‌توان در بودجه خوب جست و جو کرد که بدون حکمرانی خوب امکان پذیر نخواهد بود. چرا که مقدمه شکل‌گیری حکمرانی خوب، داشتن بودجه خوب است؛ ضمن این که داشتن بودجه خوب می‌تواند کیفیت حکمرانی خوب را افزایش دهد. بنابراین اگر دولتی ادعا کند که دارای حکمرانی خوب است، می‌توان با ملاحظه نظام بودجه بندی آن، درباره صحت و سقم این ادعا، اظهار نظر کرد (اگباید و آگبود، ۲۰۱۲؛ شاه، ۲۰۰۷، آذر و امیرخانی، ۱۳۹۰، کاردوس، ۲۰۱۴).

^۱ Schiavo-Campo, S. & Daniel Tommasi

^۲ Osioma

^۳ Huque

^۴ Lytvynchenko

شفافیت در بودجه بندی کشور و پاسخگویی دولت : زمانی شفافیت در فراگرد بودجه بندی شکل می گیرد که قوانین و مقررات و رویه ها و روش های تهیه و تنظیم قوانین، ثابت و شفاف باشند و همگی منتشر شده و در اختیار عموم قرار گیرند (لیپسلی و ریوس، ۲۰۱۵). در مورد رابطه بین شفافیت و کنترل فساد و حاکمیت قانون نیز پژوهشگران معتقدند که شفافیت تصمیم ها، به خصوص در حوزه بودجه بندی، خط مشی گذاری و تنظیم رویه ها، بر اثربخشی استفاده از منابع و کاهش فساد و اتلاف منابع تأثیر شایان توجهی دارد. به همین منظور، اطلاعات باید در دسترس عموم قرار گیرد و قوانین و مقررات شفاف باشند.

چراکه دسترسی به موقع به اطلاعات اقتصادی، می تواند برای تصمیم گیری های بخش خصوصی بسیار حیاتی باشد و کمک شایانی به کنترل فساد نماید. متخصصان پیشنهاد نموده اند که اگر وظایف و مسئولیت ها و شرایط مناقصه ها و مزایده ها، قروض دولتی و ضمانت نامه ها و رویه های بودجه بندی، شفاف شود و با اجرای قانون آزادی اطلاعات و شفافیت اطلاعات، گزارش های دولتی و قراردادهای دولتی انتشار عمومی یابند، حاکمیت قانون محقق می شود.

در مطالعه ادبیات نظری، ارتباط تنگاتنگی بین شفافیت و پاسخگویی برقرار است؛ به گونه ای که شفافیت را مهمترین ساز و کار کلیدی پاسخگویی می دانند. همچنین شفافیت مهمترین جزء تصمیم گیری های مدیریت اثربخش و بهبود سیستم های کنترلی است (لیپسلی و ریوس، ۲۰۱۵). این رابطه، از دیدگاه بانک جهانی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (بانک جهانی، ۲۰۱۶) و اعتقاد بر این است که زمانی شفافیت به پاسخگویی منجر می شود که اقدامات مربوط به کلیه عملیات و اقدامات دولت، در اختیار عموم قرار گیرند و مجلس و مؤسسات عالی حسابرسی را جهت کنترل و نظارت بر دولت توانمند سازند و سایر مجموعه های رسمی و غیررسمی بتوانند از این

اطلاعات جهت پاسخگو نگه داشتن دولت استفاده کنند. برخی دیگر از محققان نیز ارتباط شفافیت و پاسخگویی را در انطباق دولت با اصول و استانداردهای بین‌المللی و تغییر ساختار سیاسی در راستای پاسخگویی مفید دانسته‌اند. پژوهش‌های زیادی نیز حلقه اتصال و ارتباط شفافیت و پاسخگویی را در تقویت جامعه مدنی رصد کرده‌اند (زیل، ۲۰۱۴).

همچنین اصلاح و تقویت نهادهای نظارتی، موجب بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب، از حیث مراتب پاسخگویی، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌شود (آلن و توماسی، ۲۰۰۱). یکی از مهم‌ترین مراحل یا اقدامات تضمین‌کننده پاسخگویی دولت، نظارت بر بودجه است. بر همین اساس، متخصصان بودجه بندی کشور پیشنهاد می‌کنند که در صورت بروز اصلاحاتی نظیر کاهش تعداد نهادهای نظارتی، استقلال نهادهای نظارتی و عدم مصلحت‌اندیشی، شفافیت وظایف نهادهای نظارتی، نظارت بر فراگردهای نظارتی، تدوین دستورالعمل اجرایی نظارت، امکان‌سنجی مجدد پروژه‌های در حال انجام، مبادله موافقت‌نامه به روش علمی و دقیق، نظارت بیشتری بر شرکت‌های دولتی و بانک‌ها، مجلس، بودجه‌های سری و نهادهای عمومی غیردولتی صورت گیرد و با تخلفات در فراگردهای نظارتی، برخورد قاطع و عادلانه صورت گیرد؛ به طوری که قدرت و کارآمدی نهادهای نظارتی افزایش یابد و پاسخگویی دولت بهتر صورت پذیرد و قانون‌مداری تقویت شود و فساد کاهش یابد.

از سوی دیگر فراگرد بودجه بندی خوب، ارتقاء دهنده ارتباط با ذی‌نفعان است؛ از آنجا که همه احاد یک ملت ذی‌نفعان فراگرد بودجه بندی به شمار می‌روند، زمانی که خواست‌ها و علایق و نگرانی‌های همه ذی‌نفعان دیده و به رسمیت شناخته شده و در تصمیم‌گیری‌ها و عملیات برآورده گردند و همچنین به صورت شفاف و روشن با ذی‌نفعان ارتباط برقرار گردد و به حرف

های آنها گوش داده شود و فراگرد و استراتژی هایی اتخاذ شود که ذینفعان مطمئن شوند منافع آنها دیده شده و تضمین می شوند، با جلب مشارکت آنان و در نظر گرفتن خواست های و علایق آنان، زمینه تقویت صدای عامه فراهم می گردد.

بودجه بندی و اثربخشی: بودجه بندی عملیاتی دربرگیرنده دو مفهوم اصلی است: بودجه و نتیجه؛ بودجه برای نتیجه. در نظام بودجه بندی عملیاتی، هدف اصلی و اساسی، استفاده از معیارهای هزینه و کار در تهیه و اجرای بودجه و افزایش کارایی تخصیصی و تولیدی در پرداختهای دولت بوده (شیک، ۱۹۷۳) و یکی از راهکارهای رایج در استانداردسازی فعالیت های دولت، افزایش پاسخگویی و بهبود عملکرد آن در سطح دولتهای گوناگون است (امیری، مقیمی و قربانی، ۱۳۸۹). در واقع بودجه بندی عملیاتی، موضوع ارتباط هزینه های انجام شده و محصول با نتایج مورد انتظار است تا از این طریق، حدود قیمت تمام شده خدمات و زمینه های پاسخگویی دولت در مقابل قانون گذار و مردم فراهم شود (جردن و هاگبارت، ۲۰۰۵)

✓ اگباید و آگبود (۲۰۱۲) در پژوهشی تطبیقی با عنوان بودجه خوب و حکمرانی خوب که به منظور تعیین ارتباط بین حکمرانی خوب و بودجه انجام داده اند، به این نتیجه رسیدند که بین حکمرانی خوب و بودجه بندی عمومی، ارتباط وجود دارد.

✓ ویان (۲۰۱۰) نیز بررسی همین ارتباط را البته در قالب بودجه بندی عملیاتی در بیمارستان، های لسوتوا^۱ و از طریق انجام ۵۲ مصاحبه عمیق با مدیران و کارکنان بیمارستان، مشاهدات میدانی و تحلیل برنامه ها و بودجه های آن انجام داد و نتیجه گرفت که

^۱ . Lesotho

با وجود به کارگیری نظام بودجه بندی عملیاتی، اصلاحات چشم گیری در زمینه حکمرانی خوب صورت نگرفته است.

✓ ویان و بیکنل^۱ (۲۰۱۳) مجدداً با همین روش اما این بار، به بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و اصلاحات بودجه پرداخته و دریافته اند که علیرغم تلاش زیاد برای به کارگیری اصلاحات بودجه، کارکنان درک درستی از این اصلاحات نداشته و پیشرفت شایان توجهی در به کارگیری این اصلاحات نداشته اند.

✓ در پژوهشی دیگر نیز با عنوان مدیریت برنامه ریزی برای بودجه بندی عمومی و خط مشی گذاری مالی که از طریق مطالعات کتابخانه ای در اوکراین صورت گرفته است، پژوهشگران دریافته اند که بین حکمرانی بهتر، نهادهای دموکراتیک قوی تر و بودجه شفاف تر و نقش آنها در رشد اقتصادی، ارتباط وجود دارد و پدیده نفرین منابع^۲ در شرایطی که نهادهای دموکراتیک و حکمرانی خوب ضعیف تر باشند، رخ می دهد. از این رو شاید نظام بودجه بندی، ابزار دستیابی به همه اهداف به صورت مستقیم نباشد، اما تأمین منابع مالی همه برنامه ها و اهداف از جمله دستیابی به حکمرانی خوب از طریق نظام بودجه بندی صورت میگیرد (لیتوینچنکو، ۲۰۱۴)

^۱ Vian, T. & Bicknell, W. J.

^۲ . Resource Curse

۳-۱-۲) آمایش سرزمین

آمایش سرزمین واثربخشی دولت: با پیاده سازی طرح آمایش سرزمین، دولت تخصیص منابع را بر اساس اهداف و منافع مورد اجماع و بر اساس ظرفیت های هر بخش و منطقه انجام می دهد و از این طریق، به همه اهداف خود که مهم ترین آن کیفیت ارائه کالا و خدمات به مخاطبان است، می رسد. این ارتباط را می توان در معیارهای تعیین کننده اثربخشی دولت از دیدگاه بانک جهانی، مد نظر قرار داد. بانک جهانی معتقد است که تأمین زیرساخت ها، کیفیت اداره امور عمومی، کیفیت بودجه و مدیریت مالی، بهره وری منابع درآمدی، اجماع، تخصیص و مدیریت منابع عمومی برای توسعه روستایی و کاهش بی ثباتی در جهت گیری های خط مشی، نقش تعیین کننده ای در اثربخشی دولت دارد (بانک جهانی، ۲۰۱۶).

آمایش سرزمین و کیفیت تنظیم مقررات: یکی از مهم ترین مراحل آمایش سرزمین، شناسایی ظرفیت های مناطق است. این شناسایی بدین معنا نیست که دولت خود متولی استفاده از این ظرفیت ها شود، بلکه بدین معناست که زیرساخت ها و شرایط لازم را برای شکوفا کردن این استعدادها، توسط سایر بخش های اقتصادی، از جمله بخش خصوصی، فراهم می کند. در واقع در اینجا، دولت نقش تسهیل گری را به عهده گرفته و بهره برداری و تصدی گری را به دیگران واگذار می کند. اگر در چارچوب آمایش سرزمین، گرایش توسعه و چارچوب منافع ملی، شفاف و واضح گردد، علاوه بر اولویت بندی فعالیت های تخصیص بودجه به آنها، می توان سرمایه های بخش خصوصی را به سوی آنها هدایت کرد؛ سرمایه ای که گاهی مهم تر و بیشتر از بودجه عمومی تأثیر دارند (سیدرضایی و پورعزت، ۱۳۹۵). این رابطه، در عوامل تعیین کننده تحقق کیفیت تنظیم مقررات توسط بانک جهانی جستجو شد و چنین دریافت شد

که توسعه زیرساخت ها، به فراهم کردن شرایط برای توسعه خدمات مالی در نواحی روستایی، فضای سرمایه گذاری را برای کسب و کار روستایی بهبود داده، زمینه حمایت از تولیدات داخلی در فضای کسب و کار را که از نظر بانک جهانی زمینه ساز تحقق شاخص کیفیت تنظیم مقررات است، فراهم می کند (بانک جهانی، ۲۰۱۶)

آمایش سرزمین، عدالت در بودجه بندی و ثبات سیاسی و مهار خشونت: بودجه خوب، باید مبتنی بر موازن عدالت تدوین شود. در واقع، شرط سلامت فراگرد بودجه بندی، معطوف بودن آن به عدالت گستری، نظر به ملاحظات آمایش سرزمین است (پورعزت و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۶۳). آمایش سرزمین از طریق توزیع منابع بین مناطق گوناگون کشور، بر اساس ظرفیت های آن مناطق، زمینه تحقق عدالت منطقه ای را فراهم می کند و از آنجا که توزیع قومیت ها و اقلیت های مذهبی در مناطق متفاوت کشور پراکنده است، موجب توسعه عدالت قومیتی شده، از طریق خط مشی گذاری جهت بهره برداری بهینه و مبتنی بر آمایش محیط زیستی، زمینه تحقق عدالت بین نسلی را فراهم می سازد، از طریق تدوین برنامه آمایش مبتنی بر جمعیت و ترکیب جنسیتی مانند علم و تحصیل و اشتغال، امکان تحقق عدالت جنسیتی را بهبود می بخشد (بانک جهانی، ۲۰۱۶)

در این باره که عدالت چگونه باعث ثبات سیاسی می شود نیز ابتدا باید دید مهمترین مسائلی که ثبات سیاسی کشور را به صورت بالقوه تهدید می کنند، کدام اند. بر اساس یافته های پژوهش، مهمترین مسائل عبارت اند از:

۱. قومیت ها و مسائل مربوط به آنان؛

۲. آب و بحران های زیست محیطی (نظیر منازعه و چالش های جاری کشور در اصفهان

و چهارمحال بختیاری)؛

۳. توزیع نابرابر امکانات در مناطق مرزی کشور (مانند سیستان و بلوچستان) و

۴. عدم اجماع بر سـراهداف و منافع ملی و همچنین عدم اقتدار دولت و تکثر قدرت در

حاکمیت.

همه این موارد در مبحث آمایش سرزمین و در بحث عدالت در بودجه بندی دیده شده اند.

چنانچه آمایش سرزمین صورت گرفته و زمینه تحقق عدالت فراهم شود، زمینه های بی ثباتی

سیاسی نیز کاهش یافته و این شاخص ارتقا خواهد یافت. این رابطه را می توان در ادبیات نظری

نیز رصد کرد و مورد تأکید قرار داد (پورعزت و سیدرضایی، ۱۳۹۵).

۲-۳) نتایج و پیامدهای حکمرانی

الف) عوامل علمی و فناوری

۱-۲-۳) شدت و کیفیت فعالیت های تحقیق و توسعه

در رابطه با اهمیت حکمرانی برای انجام تحقیق و توسعه، دیکزیت^۱ و اوگر^۲ حکمرانی خوب را عاملی ضروری برای تامین سه پیش شرط لازم برای اقتصاد بازار می دانند:

یکم تامین حق مالکیت، در حقیقت حکمرانی خوب با تامین حق مالکیت، سود حاصل از فعالیت های تحقیق و توسعه را تضمین می نمایند و با توانا ساختن سرمایه گذاران در فعالیت های تحقیق و توسعه، موجب گسترش این نوع فعالیت ها می شوند.

دوم بهبود حکمرانی اجرای قراردادها را تضمین نموده هزینه های معاملاتی را کاهش داده و بنگاه ها را قادر به انتخاب فناوری های نوینی می کند که معمولاً در بخش های وابسته به قراردادها با مشکل مواجه اند. در نتیجه موجب تشویق فعالیت های تحقیق و توسعه می شوند.

و سوم بهبود حکمرانی مشکلات فعالیت های جمعی را حداقل می کنند، با درونی سازی پیامدها یا اثرات خارجی مرتبط با آن، فعالیت های تحقیق و توسعه را افزایش می دهند و کشورها را در جلوگیری از معمای زندانی در مدیریت منابع مشترکی مانند دانش قادر می سازند.

دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی، نقش مهمی در ایجاد نهادهای کارآمد و شرایط مناسب برای توسعه مالی دارد. توسعه بخش مالی این امکان را فراهم می آورد که کارآفرینان برای تحقق ایده های خود و مشارکت در رشد اقتصادی به راحتی منابع مالی دریافت کرده و به سرمایه گذاری در

^۱ Dixit

^۲ Uger

سطح خرد وکلان پردازند که این خود موجب افزایش اشتغال و کاهش فقر می گردد، بنابراین

رابطه مستقیمی مابین اشتغال و حکمرانی وجود دارد (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۲ - ۱۰۶)

بنابراین تاثیراتی که شاخص های حکمرانی در ایجاد محیط اقتصادی و اجتماعی مطمئن دارا

هستند غیرقابل انکار است. حکمران با بهبود شاخص هایی از قبیل اثربخشی دولت،

حاکمیت قانون، کیفیت قانون و کنترل فساد و ثبات سیاسی، می تواند سهم عمده ای در گسترش

بازار تحقیق و توسعه داشته باشد. حکمرانی محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و

بخش خصوصی است. انباشت دانش علمی و فنی به ارث رسیده از گذشته، سرمایه گذاری جدید

در تحقیق و توسعه و سرمایه انسانی، و تعاملات منطقه ای و بین المللی علمی و فنی، نیازمند نظام

حکمرانی خوب است که حکم ماهیچه ها و بافت های عضلانی را دارد.

اگر در تار و پود یک نظام حکمرانی، تقویت دانش علمی و فنی حائز اهمیت باشد؛ ضابطه مندی

و شایسته سالاری عنصر ماهوی آن باشد و سازمان درونی آن قوی باشد در این صورت ظرفیت

جذب سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه به خوبی تقویت شده و به صورت عامل یادگیری

فناورانه در می آید. در نظامی که تخصص، شایسته سالاری و ضابطه مندی، مولفه های عرفی و

رسمی مهم آن محسوب می شوند علم و دانش به صورت یک نهاد در می آید.

حکمرانی قوی همراه با تامین شرایط مناسب برای انجام فعالیت های تحقیق و توسعه، انباشت

سرمایه انسانی و انتقال فناوری، نقش مهمی در ارتقاء ظرفیت رشد و توسعه اقتصادی دارد. بهبود

حق اظهارنظر و پاسخگویی موجب آگاهی های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می شوند؛

در چنین شرایطی فضای مناسب برای نقد سیاست های اقتصادی نادرست دولت و مقابله با

تغییرات نابجا و ناصحیح در قوانین فراهم خواهد شد.

همچنین در نبود ثبات سیاسی، انگیزه کافی برای سرمایه گذار در تحقیق و توسعه وجود نخواهد داشت زیرا بیم آن می رود که ثمره و دانش تولید شده ناشی از این سرمایه گذاری ربنوده شود. بدیهی است که نبود ثبات سیاسی موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی کشور گردیده و مانعی برای انجام کلیه فعالیت های اقتصادی از جمله تحقیق و توسعه خواهد شد. اثربخشی دولت و قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد، می تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تاثیر بگذارد زیرا قوانین و مقررات اختلال زا، اشکالات در صدور مجوزها، موافقت نامه های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه های خصوصی چون قانون کار، محدودیت های تجاری، بار مالیاتی بالا و ... هزینه های سرمایه گذاری در فعالیت های تحقیق و توسعه را افزایش داده و در صورت فراتر رفتن این هزینه ها از مرزی مشخص، ممکن است سرمایه گذاران از سرمایه گذاری در این حوزه دست بکشند.

همچنین لازم به ذکر است که حاکمیت قانون معرف میزان احترام عملی قائل شده توسط شهروندان و دولتمردان کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده اند.

✓ تیبالدی و المالی^۱ مدلی ارائه کرده اند که در آن، کیفیت حکمرانی از طریق فرآیند مثبت اختراعات جدید، انتشار و پخش ایده ها میان محققان و بالا بردن شدت تحقیق و توسعه، اجرای حقوق مالکیت و کاهش عدم اطمینان از پروژه های جدید، بر تحقیق و توسعه و نوآوری اثر می گذارد. با استفاده از میانگین داده های دوره ۲۰۰۳ - ۱۹۷۰ برای ۱۱۰

^۱ . Tebaldi and Elmslie

کشور جهان، یک رابطه مثبت و معنی دار بین تعداد اختراعات و شاخص حکمرانی (متشکل از کنترل فساد، حفاظت از حقوق مالکیت و وجود سیستم قضایی موثر) قابل مشاهده است.

✓ کلارک^۱ به بررسی اثر حکمرانی بر هزینه تحقیق و توسعه کشورهای در حال توسعه در بازه زمانی ۱۹۹۵ - ۱۹۸۳ می پردازد. نتایج حاصله، نشان دهنده تاثیر مثبت بهبود شاخص حکمرانی بر هزینه تحقیق و توسعه بوده و این فرضیه که بهبود عوامل نهادی حکمرانی، موجب تشویق و تحریک هزینه های تحقیق و توسعه می گردد را تایید نموده است.

۳-۲-۲) اقتصاد دانش بنیان

از دید بانک جهانی، حکمرانی خوب «بهره گیری بهینه از منابع برای توسعه اقتصادی و اجتماعی» تعریف شده است و یکی از مهم ترین راهبردهای توسعه اقتصادی، راهبرد توسعه صادرات با تاکید بر حوزه های جدید علمی مانند صادرات با فناوری برتر می باشد. همان طور که لیبیچ و کولاروا^۲ (۲۰۰۸) تأکید دارند، توسعه اقتصاد دانش بنیان در هر کشوری، مستلزم تعیین یک چارچوب نهادی برای حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب، جریان دانش میان پژوهش های دانشگاهی و علمی و کاربرد آنها در صنعت و فناوری را تسهیل می کند. توسعه موفق بخش با فناوری برتر نقش بسیار مهمی در ایجاد رفاه اقتصادی ایفا می نماید و حکمرانی خوب با تامین شرایط مناسب برای انجام فعالیت های تحقیق و توسعه، انباشت سرمایه انسانی و انتقال فناوری،

^۱ . Clarke
^۲

نقش مهمی در ارتقاء ظرفیت رشد اقتصادی دارد. از سوی دیگر هر یک از مؤلفه های شش گانه نیز به طور جداگانه بر توسعه اقتصاد دانش بنیان تأثیر دارند. به طور نمونه، در مطالعه های آیریکیان و محمد^۱ (۲۰۱۲) به نقش افزایش درجه اعتراض و پاسخگویی در نوآوری پرداخته شده که براساس آن افراد می توانند در محیطی آرام و به دور از ترس، ایده های خود را آزادانه بیان کرده و از این طریق نوآوری کنند. از سوی دیگر، طبق نتایج پژوهش بیویان^۲ (۲۰۱۱) بدون مهار فساد نمی توان از اقتصاد سنتی به اقتصاد دانش بنیان گذار کرد. بنابراین، مشاهده می شود که هر یک از مؤلفه های حکمرانی خوب می تواند بر روند تحقق و توسعه اقتصاد دانش بنیان تأثیر بگذارد.

✓ ناوارو گارسیا و همکاران^۳ (۲۰۱۶) به بررسی مکانیسم اثرگذاری حکمرانی نسبی بر فعالیت های صادراتی بین ۲۱۲ بنگاه صادراتی اسپانیایی می پردازند. نتایج این پژوهش نشان می دهد، اتخاذ ضوابط و سازوکار قانونی مناسب در نهایت به افزایش ظرفیت های صادراتی و قدرت رقابت پذیری صادراتی منجر می شود.

✓ رامبوکاس و همکاران^۴ (۲۰۱۵) به بررسی اثر حکمرانی بر صادرات کالاهای سرمایه ای مانند ماشین آلات سنگین در بین کشورهای منتخب آسیایی طی سال ۲۰۱۰ می پردازد. نتایج حاصل بیانگر آن است که تأثیر مثبت حکمرانی بر بهبود صادرات، در دوره زمانی بلندمدت بیش از کوتاه مدت است.

^۱ Ayrikyan & Muhammad

^۲ Bhuiyan

^۳ . Navarro-García

^۴ . Rambocas

✓ وو و همکاران^۱ (۲۰۱۲) در مطالعه ای به بررسی تاثیر حکمرانی بر جریان واردات و صادرات در خلال سال های ۲۰۰۸-۲۰۰۵ می پردازند. در مطالعه مذکور براساس شاخص حکمرانی کشورها بطور کلی به ۳ دسته (کشورهای قانون مدار با شاخص حکمرانی بالا، کشورهای رابطه مدار با شاخص حکمرانی متوسط و کشورهای خانواده مدار با شاخص حکمرانی ضعیف) تقسیم می شود. در این پژوهش ضمن بیان ارتباط مثبت حکمرانی و صادرات و واردات کشورها، اظهار می گردد ارتباط مثبت و معنی داری مابین شاخص حکمرانی و سطح تجارت در کشورهای قانون مدار و ارتباط مدار وجود دارد. حال آنکه چنین ارتباطی در کشورهای با شاخص حکمرانی ضعیف دیده نمی شود.

✓ آیریکیان و محمد (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «خلق اکوسیستم نوآور: حکمرانی و رشد اقتصاد دانش بنیان» به بررسی این موضوع که چه نوع حکمرانی می تواند رشد اقتصاد دانش بنیان را تحریک کند پرداخته اند. نتایج پژوهش حاکی از نقش مثبت حکمرانی خوب در توسعه اقتصاد دانش بنیان است. حتی با وجود عدم سرمایه گذاری دولت در پژوهش و توسعه، نرخ نوآوری در کشور وقتی که آزادی سیاسی (اعتراض و پاسخگویی) بهبود یافته باشد می تواند افزایش یابد.

✓ چندرا و یوکویاما^۲ (۲۰۱۱)، در مقاله ای با عنوان «نقش حاکمیت خوب در رشد اقتصاد دانش بنیان در شرق آسیا و کشورهای تازه صنعتی شده (نظیر ژاپن مالزی و چین)»، سعی کردند تأثیر حاکمیت خوب بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در راستای ترویج

^۱ . Wu

^۲ Chandra & Yokoyama

اقتصاد دانش بنیان را توضیح دهند. آنها چنین نتیجه گرفتند که شاخص های حکمرانی خوب و نقش آنها در جذب سرمایه گذار خارجی در بهبود و ارتقای اقتصاد دانش بنیان در کشورهای منتخب تاثیر مثبت دارد.

✓ بیویان (۲۰۰۱)، در مقاله خود با عنوان «عبور به سمت یک جامعه دانش بنیان در قزاقستان کمونیستی سابق: آیا حکمرانی خوب مهم است؟»، پیشرفت ها و چالش های پیش روی قزاقستان برای تبدیل شدن به یک جامعه دانش بنیان را مورد بررسی قرار داد. پرسش کلیدی این بود که چگونه حکمرانی خوب می تواند نقش کلیدی در این گذار بازی کند. شواهد حاکی از این موضوع بودند که قزاقستان پیشرفت قابل توجهی در میان چالش های عمیق گذار خود به سمت جامعه دانش بنیان داشته است. البته، در کنار بهبود کیفیت دولتی، حکمرانی خوب نیز تأثیر بسیار عمیقی بر تبدیل قزاقستان به جامعه دانش بنیان به منظور رسیدن این کشور به چشم انداز راهبردی ۲۰۳۰ خواهد داشت.

۳-۲-۳ توسعه فناوری های اطلاعات و ارتباطات

فناوری های جدید امکان بازمهندسی فرآیندهای دولت^۱ را فراهم می آورند و از این طریق موجب افزایش دسترسی، تقویت کارایی و بهبود پاسخگویی دولت می شوند. توسعه اینترنت و زیرساخت های فضای سایبر، ابزاری برای خدمات رسانی عمومی معرفی شده اند. این ابزار به خدمت رسانی با کیفیت، کاهش بوروکراسی اداری و افزایش رضایت شهروندان کمک می کند.

^۱ . Government Process Re-engineering (GPR)

فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایجاد فرایندهای مد نظر حکمرانی خوب، اهمیت بسزایی دارد. سازمان های بخش دولتی از طریق به کارگیری فناوری های ارتباطی می توانند کارایی، اثربخشی و بهره وری خود را افزایش دهند. همچنین دولت ها می توانند از طریق اینترنت به چالش مدیریت ارتباط با شهروندان پاسخ دهند. رشد فناوری ارتباطات، سطح مشارکت و به تبع آن شاخص دموکراسی را در کشورها افزایش می دهد (پولات، ۲۰۰۵) اگرچه رشد فناوری های اطلاعاتی به تنهایی موجب بهبود حکمرانی نمی شود، این هدف به راهبردهایی نیاز دارد که باید در قالب بهبود عملیات، فرایندها و سطوح همکاری بین بخش های مختلف تعریف شود (امیدیان و دیگران، ۱۳۹۴).

(ب) عوامل اقتصادی

۳-۲-۴) عملکرد اقتصادی (سرمایه گذاری، تورم و کاهش نابرابری)

بر اساس دیدگاه اقتصاددانان، حکمرانی از آن حیث مهم است که سبب ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند. مهمترین کارکرد حکمرانی، کاهش عدم اطمینان و هزینه های مبادله در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع است (کوز^۱، ۱۹۳۷)

حکمرانی با حمایت از حقوق مالکیت، تضمین اجرای قراردادها، ارتقا انگیزه های کارآفرینان، حفظ ثبات در سطح کلان اقتصادی، مدیریت ریسک پذیری و خطر جویی واسطه های مالی، کاهش نااطمینانی و تقلیل هزینه معاملات، ارائه شبکه های تأمین اجتماعی و ارتقا پاسخگویی و انتقادپذیری حاکمان، مجموعه ای از شرایط و بسترهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را فراهم می کنند که در درون آن، افراد جامعه به کسب و انباشت مهارت و بنگاه های اقتصادی به انباشت

^۱ . Coase

سرمایه و تولید محصول می پردازند. بر اساس دیدگاه اقتصاد نهادگرا نوع حکمرانی، مقررات و نهادهای یک کشور از جمله عوامل اولیه و اصلی تعیین کننده انگیزه ها و تمایلات افراد برای سرمایه گذاری و کسب مهارت و فن آوری در آن جامعه هستند که همه این عوامل منجر به موفقیت اقتصادی در تولید بیشتر و درآمد بالاتر و رفاه اقتصادی بهتر در بلندمدت می شوند. (نورث^۱، ۱۳۷۷)

مهمترین قانون عملکردی دولت و سطح گسترده آن را باید در کیفیت نهادها جستجو نمود. از دیدگاه نورث^۲ (۱۳۷۷)، نهادها، قوانین بازی در جامعه اند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند چه اقتصادی و اجتماعی، نهادها قادر به ایجاد مجموعه درستی از انگیزه ها می باشند که می توانند باعث کاهش ناطمینانی، تشویق کارایی و بنابراین کمک به بهبود عملکرد اقتصادی شوند.

جردن (۲۰۰۵) در رساله دکتری خود تحت عنوان «سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تاثیر هم سایگان» این گونه نتیجه گیری می کند که اگر وضعیت آزادی های داخلی و حقوق سیاسی کشورهای همسایه کشورهای پیشرفته بدتر شود، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان بیشتر می شود درحالی که اگر کشور میزبان از نمونه کشورهای آفریقایی باشد، بدتر شدن وضعیت آزادی های داخلی و حقوق سیاسی در کشورهای همسایه، سبب کاهش جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان خواهد شد. کشوری که درگیر ناآرامی های سیاسی یا

^۱ . North

^۲ . North (۱۹۹۸)

اجتماعی است که دارایی سرمایه گذاران را تهدید می کند هر اندازه هم که از نظر اقتصادی جذاب باشد باز هم در جذب منابع خارجی موفق نخواهد بود.

در حقیقت سرمایه گذاری خارجی در محیطی شکل می گیرد که فضای مورد نیاز آن وجود داشته باشد. این محیط شامل متغیرهایی نظیر ثبات سیاسی، ثبات نهادهای قانون گذاری، ثبات قوانین، ثبات اجتماعی، کیفیت بوروکراسی، فساد دستگاه اداری، مصادره و تصرف اموال خارجیان، حق مالکیت معنوی و... می شود. هزینه های معاملاتی و نااطمینانی و ریسک سیاسی، اقتصادی و حقوقی از عوامل تعیین کننده^۱ است. تقریباً در تمامی تئوری های موجود در مورد FDI که پس از دهه ۱۹۶۰ میلادی ارائه شده، بر جنبه هایی از نااطمینانی و ریسک ناشی از نواقص بازار، هزینه های معاملاتی و اطلاعات ناقص اشاره شده است.

سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD, ۲۰۰۱) معتقد است که عملکرد اقتصادی یک کشور در طول زمان به وسیله محیط سیاسی، نهادی و قانونی آن تعیین می شود. پویرسون (۱۹۹۸) و فابریسیوس (۱۹۹۸) مجموع عوامل سطح ثبات سیاسی، فساد سیستم اداری، کیفیت بوروکراسی، کیفیت سیستم قانونی را به عنوان «امنیت اقتصادی» معرفی کرده اند که نشان دهنده وضع کلی شاخص های نهادی در هر کشور است. فابریسیوس امنیت اقتصادی را این گونه تعریف می کند: چارچوب نهادی که احساس اعتماد را به پس اندازکنندگان و سرمایه گذاران القا می کند و امنیت فیزیکی افراد و امنیت قانونی معاملات را تضمین می نماید.

^۱ . FDI

میدری (۱۳۸۵) نیز معتقد است که پای بندی دولت به اجرای اصول حکمرانی خوب می تواند مسیر توسعه را برای یک کشور هموارتر کند. مساله حکمرانی و کیفیت آن به دو دلیل حائز اهمیت است: اول، اینکه حکمرانی در پی تشخیص رابطه علیتی بین توسعه اقتصادی و خصوصیات عملکردی خاص هر کدام از کشورهای در حال توسعه مانند تضمین حقوق مالکیت، چگونگی عملکرد دیوان سالاری، کیفیت قوانین و مقررات، ثبات در سیاست گذاری ها و قابلیت پیش بینی تصمیم گیری های دولت است. دوم آنکه حکمرانی در پی شناسایی رابطه علیتی بین ویژگی های زیر ساختی و انگیزه ای دولت ها بخصوص مسئولیت پذیری، شفافیت، مردم سالاری یا حق اظهار نظر و پاسخگویی یا چگونگی عملکرد دولت ها و یا توسعه اقتصادی می باشد. لذا حکمرانی بر انگیزه و توانایی دولت برای تامین رفاه عمومی تاکید دارد.

حق اظهار نظر و پاسخگویی و عملکرد اقتصادی: آزادی های مدنی و انتشار آزاد اطلاعات که مصادیقی از وجود حق اظهار نظر و پاسخگویی هستند، موجب تقویت آگاهی های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می شوند که موجب می شود، صاحبان کسب و کار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاست های اقتصادی دولت و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین برخوردار شوند که این امر، هزینه های کسب و کار را کاهش می دهد و از این رهگذر، موجب توسعه کسب و کار و افزایش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می شود (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷). بی شک این امر نیز به نوبه خود موجب بهبود توزیع درآمد می شود.

ثبات سیاسی و عدم خشونت و عملکرد اقتصادی: شاخص ثبات سیاسی، نشان دهنده نبود خشونت در جامعه است. بدیهی است، درگیری های جناحی، ترور و کودتا و

پدیده‌هایی مانند این، با از بین بردن ثبات سیاسی، موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی در یک کشور می‌شود و از این رهگذر موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و به تبع آن کاهش تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه و توزیع نابرابر درآمد می‌گردد.

اثر بخشی دولت و عملکرد اقتصادی: منظور از اثر بخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح و لازمه آن برخورداری از یک دستگاه اداری کارآمد است. همچنین بوروکراسی‌های شایسته می‌توانند به کارآفرینان منفرد کمک کنند تا از پس مشکلات هماهنگی برآیند که این خود ممکن است موجب افزایش سرمایه‌گذاری، تولید بیشتر و رشد اقتصادی و اشتغال بیشتر و بدنبال آن بهبود توزیع درآمد در جامعه شود. (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷)

کیفیت تنظیم مقررات و عملکرد اقتصادی: قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد، یکی از مهمترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تأثیر بگذارد، به گونه‌ای که قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه اندازی یک کسب و کار به اشکال مختلف، در مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند و با توجه به بالا بودن هزینه‌های سرمایه‌گذاری در امر تولید و عدم حمایت مناسب و اصولی از سرمایه‌های کوچک، تنها سرمایه‌داران کلان وارد این مسیر شوند، که این خود افزایش بیکاری، افزایش شکاف طبقاتی، فقر و افزایش نابرابری درآمدی می‌شود (برادران شکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷)

۵) حاکمیت قانون و عملکرد اقتصادی: معرف میزان احترام قائل شده توسط شهروندان و دولت مردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده اند (بانک جهانی، ۲۰۰۳) همچنین تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها، کلیدی برای هدایت صحیح منابع سرمایه گذاری مولد است، که این خود، موجب افزایش سرمایه گذاری و گسترش تولید و اشتغال می باشد، که به تبع آن به توزیع بهتر درآمد کمک می کند.

۶) کنترل فساد و عملکرد اقتصادی: فساد را عموماً، سوءاستفاده از مناصب دولتی برای تأمین منافع شخصی تعریف می کنند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳) همچنین گوپتا - داوودی و الونسو - ترمه (۱۹۹۸) نشان دادند که فساد از راه هایی از قبیل کاهش رشد، هدف گیری ناکارآمد تر طرح های اجتماعی، دسترس ناپیدا به آموزش، انحرافات سیاسی به نفع نابرابری در تملک دارایی، کاهش هزینه های اجتماعی و افزایش مخاطرات سرمایه گذاری و کاهش سرمایه گذاری برای فقرا، نابرابری درآمد و فقر را افزایش می دهد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳)

همان طور که قبلاً بیان شد حکمرانی خوب از جمله عواملی است که می تواند جریان ورود سرمایه به کشور را تحت تاثیر قرار دهد و آن را تسهیل نماید. از همین رو در پژوهش های پیشین نیز ابعاد مختلف این مساله مورد بررسی قرار گرفته است:

✓ موریسی^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه می رسد که در کشورهای با حکمرانی خوب، سرمایه گذاری مستقیم خارجی افزایش پیدا می نماید. از نتایج حاصل از این مقاله می توان به تاثیر بالای فساد و ثبات سیاسی که دو شاخص از حکمرانی خوب هستند بر شدت سرمایه گذاری اشاره کرد که تاثیر ثبات سیاسی از سایر شاخص های حکمرانی خوب بیشتر می باشد. متغیرهای مورد استفاده پژوهشگر در این مدل عبارتند از سرمایه گذاری خصوصی، رشد حقیقی تولید و سرمایه گذاری عمومی و همچنین پنج متغیر حکمرانی، حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد می باشد.

✓ دلالی و دل انگیزان (۱۳۸۳) در پاسخ به این معما که چرا با وجود نرخ نسبی بالا و قابل ملاحظه بازده سرمایه در کشورهای فقیر سرمایه به این کشورها سرازیر نمی شود معتقد هستند که وجود برخی روابط غیراقتصادی از جمله مخاطرات غیرسیاسی، روابط استعماری، قوانین و مقررات بی ثبات و غیرقابل اعتماد، رشوه و فساد اداری موجب ریسک بالای سرمایه گذاری در کشورهای فقیر شده و بنابراین بازده نهایی سرمایه در این کشور نسبت به کشورهای غنی در سطح بالاتری قرار نمی گیرد. بر این اساس آنها نتیجه می گیرند نرخ نسبی بالای سرمایه تنها شرط کافی برای ورود سرمایه به کشور نبوده و شاخص های حاکمیتی هم می تواند تاثیرگذار باشند و کمبود این شاخص ها روند ورود سرمایه را کند نمایند.

^۱ . Morrissey

✓ مهرآرا و اسدیان (۱۳۸۸)، تاثیر حکمرانی خوب بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای ۱۵ کشور با درآمد متوسط (شامل ایران) بین سال های ۲۰۰۵ - ۱۹۹۶ را به روش داده های پانل برآورد می کند. نتایج تخمین ها نشان می دهد که شاخص حکمرانی خوب، تولید ناخالص داخلی سرانه و زیر ساخت ها اثر مثبت و معنی دار و نرخ تورم اثر منفی و معنی داری بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی داشته اند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که هر یک از اجزای حکمرانی خوب اثر معنی داری بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارند. در میان این اجزا، فساد مهمترین عامل بازدارنده برای سرمایه گذاری خارجی محسوب می شود.

✓ سامارتو و همکاران^۱ (۲۰۰۴) به طور تجربی به بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر کاهش فقر در اندونزی پرداختند، مطالعه آنها نشان می دهد که علت افزایش فقر، حکمرانی بد می باشد.

✓ شافیق و حق^۲ (۲۰۰۶) در مقاله ای تحت عنوان حکمرانی و نابرابری درآمد، به بررسی تاثیر حکمرانی خوب روی رشد اقتصادی و توزیع درآمد برای کشورهای عضو سارک طی دوره ۱۹۹۶ - ۲۰۰۵ پرداخته اند، آنها برای بررسی ارتباط این دو متغیر از شاخص رفاه سن (۱۹۷۴) استفاده نموده اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که شاخصهای حکمرانی خوب، توزیع درآمد را بهبود می بخشند.

^۱ . Sumarto

^۲ . Shafique and Haq

✓ کاده‌ری و هم‌کاران^۱ (۲۰۰۶) به بررسی رابطه بین فقر-رشد-ه‌ری و ای-ده حکمرانی-سی-خوب پرداختند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی پاکستان بر مبنای شاخص‌های حکمرانی خوب تنزل یافته است.

✓ ویرمانی و همکاران^۲ (۲۰۰۶) به برآورد شاخص حکمرانی خوب بر مبنای کیفیت خدمات ارائه شده توسط دولت (کالاهای عمومی)^۳ برای سه کشور آسیای جنوبی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های حکمرانی و درآمد سرانه تاثیر مثبت و معناداری بر روی کیفیت خدمات ارائه شده توسط دولت از جمله خدمات زیربنایی (از قبیل راه، آموزش و دادگستری) داشته‌اند.

۳-۲-۵) رشد اقتصادی

تحقیقات انجام شده در زمینه رابطه اندازه دولت با رشد اقتصادی و حکمرانی خوب نتیجه واحدی نداشته است. برخی از این تحقیقات بر حضور بیشتر و پررنگ‌تر دولت تاکید می‌کنند و بعضی دیگر حضور دولت در اقتصاد را مانعی برای رشد می‌دانند و البته برخی دیگر نیز حضور مثبت یا منفی دولت در اقتصاد را منوط به نوع حضور آن در اقتصاد می‌دانند. باید به این نکته مهم توجه کرد که حتی مدافعان دخالت بیشتر دولت یک سطح حداکثری برای دخالت دولت در نظر دارند و دخالت گسترده دولت در اقتصاد و تئوری‌های اقتصادی که به طور گسترده مورد پذیرش واقع شده‌اند، پذیرفته شده نیست.

^۱ . Chaudhry

^۲ . Virmani

^۳ . public goods

✓ ناک^۱ در پژوهشی تحت عنوان، دموکراسی و رشد اقتصادی تلاش نمود تا با ایجاد ارتباط میان دموکراسی و حکمرانی به ارزیابی اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی بپردازد. وی نشان داد که نهادهای دموکراتیک قوی تر، حکمرانی را تحت تاثیر قرار داده و از طریق کاهش فساد و تسهیل روند تغییرات تکنولوژی رشد اقتصادی بالاتر را محقق می سازند. (ناک، ۲۰۰۲: ۶)

✓ گیلبرت^۲ در موضوع مورد بررسی خود با عنوان، اهمیت حکمرانی خوب (کیفیت نهادها) در دست یابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف با استفاده از داده های ترکیبی در دوره زمانی ۲۰۰۰ - ۱۹۷۰ برای ۱۰۲ کشور نتیجه گیری می کند که ارتباط مستقیم و معنی داری میان شاخص های کیفیت مقررات و کارایی دولت به عنوان جانشینی برای شاخص حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی که به وسیله نرخ رشد درآمد اندازه گیری می شود وجود دارد (گیلبرت، ۲۰۰۳: ۱۲)

✓ گانی و دونکن^۳ نشان می دهند که حکمرانی خوب سه بعد اصلی حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی دولت و کیفیت مقررات را شامل می شود که هر کدام از این شاخص ها نیز از مولفه های مختلفی تشکیل شده اند. آنها با استفاده از میانگین این سه شاخص اصلی، طی دوره ۲۰۰۳ - ۱۹۸۵ به محاسبه شاخص حکمرانی در کشور فیجی پرداخته اند (گانی و دونکن، ۲۰۰۷: ۳۸۱ - ۳۸۰)

^۱ . Knack (۲۰۰۲)

^۲.Gilbert (۲۰۰۳)

^۳. Gani & Duncan (۲۰۰۷)

✓ چانگ و گرادستین^۱ در مورد تاثیر نهادهای سیاسی و شاخص های حکمرانی بر نابرابری درآمدی در ۱۲۱ کشور صنعتی و در حال توسعه نشان می دهند که بهبود شاخص های حکمرانی به کاهش نابرابری درآمدی منجر می شود (چانگ و گرادستین، ۲۰۰۴ : ۲۷ - ۲۶)

✓ سحابی و همکاران طی پژوهشی به بررسی اثر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر توسعه مالی در ۷۶ کشور در حال توسعه و توسعه یافته برای دوره زمانی ۲۰۱۱ - ۱۹۹۶ با روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که اندازه دولت اثر منفی و حکمرانی خوب اثر مثبت بر توسعه بخش مالی کشورهای مورد مطالعه دارد (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲ : ۱۰۵). در این مطالعه رابطه میان اندازه دولت و حکمرانی خوب و تاثیر آنها بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که اندازه دولت تاثیر منفی بر روی شاخص حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی دارد.

۳-۲-۶) آزادی اقتصادی

مفهوم حکمرانی خوب و اثرات آن بر آزادی اقتصادی یکی از مسائل مهم در عرصه اقتصاد است. در جهان امروزی نهادهای موجود در جامعه نقش تعیین کننده ای در سرنوشت افراد دارند. چگونگی رفتارهای نهادها در برخورد با مردم، فرصت های متنوعی را پیش روی آنها خواهد گذاشت. این نهادها توانایی این را دارند که در تحقق آزادی های مورد نظر مردم، به صورت فعال حاضر شوند. حکمرانی خوب شامل ایجاد یک اقتصاد سالم و قدرتمند است که محیطی باثبات برای فعالیت بازار ایجاد کند. این نوع حکمرانی همچنین به معنی نبود فساد است که می تواند

^۱. Chong & Gradsten (۲۰۰۴)

موجب تخریب اهداف سیاسی و از بین رفتن مشروعیت نهادهای عمومی شود. این نوع حکمرانی برای افزایش رشد، توسعه و آزادی اقتصادی و کاهش فقر بسیار با اهمیت است. به علاوه ابعاد مختلف حکمرانی ضعیف - عمدتاً فساد و تورم بالا - هزینه هایی به دنبال دارد که فعالین اقتصادی را به طور نامناسبی تحت تاثیر قرار می دهد.

با مطالعه و شناسایی اطلاعات بیان شده برای ایجاد حکمرانی خوب، می توان جامعه را به سمت آزادی اقتصادی مدنظر سوق داد؛ اما باید توجه داشت عملیاتی و اجرایی کردن آن ها در کشورهای مختلف، متفاوت است و این که در یک کشور خاص باید کارهای خاصی انجام شود تا به درجه مناسب حکمرانی خوب مدنظر برای آزادی اقتصادی رسید. به تعبیری دیگر حکمرانی خوب در پی معرفی راهکارها، فرآیندها و نهادهایی که به واسطه آن ها شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا و تعهداتشان را برآورده و تفاوتشان را تعدیل کنند، پس با ایجاد فضای مناسب برای حکمرانی خوب با راهکارها و فرآیندهای کارآمد می توان به بهبود آزادی اقتصادی در جامعه دست یافت (نادری، ۱۳۹۰).

حق اظهارنظر و پاسخگویی و آزادی اقتصادی: باید اذعان نمود، دسترسی بهنگام به اطلاعات، شفافیت در ارائه اطلاعات و حق اظهارنظر و پاسخگویی، افزایش مسئولیت پذیری مسئولان، افزایش اعتماد صاحبان پس انداز و سرمایه گذاران و روان سازی عملکرد فعالیت های اقتصادی را نوید می دهد. به علاوه هر قدر حق اظهار نظر و پاسخگویی در جامعه ای بیشتر باشد، امکان گرفتن تصمیم های آگاهانه و پاسخگویی بخش خصوصی و دولتی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر می شود و کارایی بازارها و ثبات در آنها ارتقا می یابد. در نتیجه شاخص آزادی اقتصادی بهبود خواهد یافت.

ثبات سیاسی و عدم خشونت و آزادی اقتصادی: اصولاً فعالین اقتصادی و سرمایه گذاران داخلی و خارجی به دنبال مکانی برای سرمایه گذاری هستند که بیشترین بازدهی و کمترین ریسک را برای آنها به همراه داشته باشد و طبیعی است کشورهای که درگیر آشوب، اغتشاش، نزاع های داخلی، کودتا و پدیده های مانند آن هستند، ریسک و هزینه های سرمایه گذاری و فعالیت های اقتصادی را بالا برده و جذابیت خود را از دست می دهند و انگیزه برای فعالیت های مولد به ویژه در بلندمدت را کاهش می دهند و از این رهگذر موجب بدتر شدن اجزای شاخص آزادی اقتصادی می شوند.

اثربخشی دولت و آزادی اقتصادی: دولت ها با بهبود شاخص اثربخشی می توانند سیاست های بخش عمومی خود را در جهت انجام وظایف خود همچون تامین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت های فیزیکی مورد نیاز در فرآیند تولید به گونه ای به کار گیرند که از طریق کاهش هزینه های تولید برای بنگاه ها، افزایش کارایی و قدرت رقابت تولیدات، محیط اقتصادی را برای حضور فعالان اقتصادی مناسب نمایند و موجب ارتقای کارایی بازارها، تجارت خارجی، دسترسی به نقدینگی سالم را مهیا نمایند.

کیفیت قوانین و و آزادی اقتصادی: باید اذعان نمود، لازمه داشتن آزادی اقتصادی، ثبات قوانین و مقررات است؛ به طوری که وجود قوانین و مقررات نامناسب و دست و پاگیر انگیزه سرمایه گذاران و فعالین اقتصادی، تجارت خارجی، کارایی بازارها را تضعیف می کند و آنچه به نظر می رسد اینکه، نقش دولت ها در نظام های مختلف در جهت توسعه اقتصادی با ایجاد ساختاری مناسب از جهت حقوقی برای تسهیل مقررات محیط کسب و کار بسیار مهم است، تا بر آن اساس ارگان ها و نهادهای اقتصادی در راستای تامین شرایطی مناسب تر گام بردارند و در نهایت به

پیشرفت جامعه منجر گردد، که این امر جز با تدوین و اجرای مناسب قوانین امکان پذیر نخواهد بود.

حاکمیت قانون و آزادی اقتصادی: حاکمیت قانون و وجود دستگاه های قضایی منصف می تواند نقش بسزایی در بهبود شاخص آزادی اقتصادی داشته باشد به طوری که وجود نهادهای تامین قضایی، دادگاه ها و قضات عادل و با انصاف می توانند با ضمانت اجرای قراردادها، تدوین و اجرای با کیفیت قوانین و مقررات شریطی را فراهم آورد که سرمایه گذاران و فعالین اقتصادی بدون هیچ نگرانی در فعالیت های مولد اقدام کنند که بهبود شاخص آزادی اقتصادی را برای کشورها به همراه خواهد داشت.

کنترل فساد و آزادی اقتصادی: به نظر می رسد گسترش فساد در جامعه و به کارگیری قدرت عمومی در جهت تامین منافع خصوصی سیاستمداران موجب ناکارآمدی سیاست های دولتی شده و فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت و فعالیت های زیرزمینی سوق می دهد و به تعبیری تخصیص منابع به صورت غیرکارا خواهد بود و از این منظر کارایی بازارها را کاهش داده و موجب اختلال در نقش دولت در اجرای قراردادها و حمایت از حقوق مالکیت می شود؛ سیاست های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می دهد و باعث هدر رفتن منابع مالی می شود. به این ترتیب، اثربخشی دولت ها در هدایت امور کاهش یافته و اعتماد مردم نسبت به دستگاه های دولتی و غیردولتی کاسته می شود که تمامی این موارد موانعی برای آزادی اقتصادی محسوب می شوند (شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۴).

۳-۲-۷) توسعه مالی

شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی بی‌انگرم مفهوم‌هایی مانند حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی، آزادی مطبوعات و ... است که به عنوان شاخص دموکراسی از آن یاد می‌شود. گیرما و شورتلاند (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای نشان دادند که حرکت به سوی دموکراتیک کردن حکومت اثر مثبتی بر توسعه مالی دارد. همچنین تجزیه و تحلیل نتایج این مطالعه نشان می‌دهد کشورهای که بخش مالی توسعه یافته تری دارند به طور قابل توجهی دموکراتیک تر و رژیم‌های پایداری دارند در حالی که آن دسته از کشورهایی که بخش مالی کمتر توسعه یافته‌ای دارند استبدادی و یا رژیم‌های ناپایداری دارند. در واقع دموکراسی به دلیل ویژگی‌های نهادی مانند رقابت سیاسی و نظام نظارت و موازنه‌ای^۱ که دارد بخش مالی را توسعه می‌دهد.

از دیگر عوامل ارتقاء دهنده حکمرانی خوب در یک کشور، ثبات سیاسی است. بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور مانع ایجاد نهادها، پایبندی کننده از امور مالی مانند حمایت از سرمایه‌گذار می‌شود. همچنین ممکن است که نهادهای مؤثر را نیز تضعیف کنند. نهادهای اولیه حمایت کننده از سرمایه‌گذار مانند دادگاه‌ها، قوانین و مقررات و ناظران نمی‌توانند در محیط‌های سیاسی بی‌ثبات خوب عمل کنند که در نتیجه این ناتوانی منجر به عدم توسعه مالی می‌شود. طبق نظریه مالی و قانونی، نهادهای حمایت کننده از سرمایه‌گذار برای توسعه مالی حیاتی هستند (روی و سیگل، ۲۰۱۱: صص ۲۸۱ - ۲۸۲)

این بی‌ثباتی‌ها و درگیری‌ها باعث منحرف کردن توجه مقامات دولتی از سیاست‌های داخلی، فرار سرمایه و نیروهای متخصص از کشور می‌شود که این نیز به نوبه خود باعث بخش مالی و

^۱ . Checks and Balances

اقتصاد توسعه نیافته میشود. دولت های بی ثبات به سختی میتوانند مکانیسم اجرای قرارداد و حمایت از حقوق مالکیت را مهیا کنند. در چنین محیط هایی سیاست های کلان از کارایی ضعیفی برخوردارند و این سیاست ها منجر به ایجاد محیط های نهادی ضعیفی می شود. (همان، صص ۲۸۲ - ۲۸۳)

یکی از عوامل مؤثر بر عدم توسعه مالی، نارسایی و پیچیدگی های قوانین و مقررات است. به عبارت دیگر، محیط نهادی با کیفیت همراه با قوانین و مقررات شفاف و روان باعث افزایش سرمایه گذاری شده که در نتیجه موجب افزایش تقاضا برای منابع مالی و توسعه بخش مالی می شود.

شاخص حاکمیت قانون به عنوان مقیاسی برای سنجش حفاظت از حقوق مالکیت و عملکرد نظام قضایی به کار برده می شود. بر طبق نظریه های نهادی، حمایت و اجرای کامل حقوق مالکیت (یعنی حق مالکان دارایی برای استخراج بازده از سرمایه گذاری) اصل حیاتی در معاملات مالی است چون سرمایه گذاران بالقوه مایل به سرمایه گذاری علیرغم وجود ریسک مصدوره نیستند (اسیما و مبلاجی، ۲۰۱۱: ص ۷) حفاظت از حقوق مالکیت سبب گسترش وسایل و ابزارهای تضمین وامها، افزایش امکان ورود انواع دارایی ها به بازارهای مالی و همچنین افزایش امکان تجمیع سرمایه های کوچک در طرح های بزرگ می شود (صمدی، ۱۳۸۸: ص ۱۲۵)

✓ نتایج تحقیق سحابی و همکاران (۱۳۹۲) حاکی از آن است که اندازه دولت و حکمرانی خوب به ترتیب اثر منفی و مثبتی بر توسعه بخش بانکی دارند. این نتیجه هم در تخمین مدل برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و هم به طور مجزا تأیید

شد. به این ترتیب این نتیجه دیدگاه سیاسی از مشارکت دولت در بخش مالی را تأیید می‌کند بدین معنی که دولت از طریق بانک‌ها و نهادهای متعلق به خود و یا از طریق آیین‌نامه‌ها و مقررات برای تخصیص منابع بخش مالی را کنترل و مانع توسعه آن می‌شود.

✓ پور رستمی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با استفاده از اطلاعات شاخص‌های بین‌المللی ریسک کشورها و شاخص حاکمیت قانون و نظم عمومی به عنوان کیفیت نهادی به بررسی اثر این شاخص‌ها بر روی شاخص‌های توسعه بخش بانکی در ۵۳ کشور برای دوره‌ی زمانی ۲۰۰۸ - ۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج حاکی از تاثیر مثبت و معنادار این شاخص‌ها بر توسعه مالی در کشورهای مورد مطالعه است.

ج) عوامل انسانی و اجتماعی

۳-۲-۸) توسعه انسانی

حق اظهارنظر و توسعه انسانی: دموکراسی و آزادی سیاسی از جمله عوامل آگاهی بخشی اند که خواسته‌های مردم را از حکومت‌ها شکل می‌دهند. بدون آزادی سیاسی، شهروندان نمی‌توانند به عضویت گروه‌ها و نهادهای اجتماعی درآیند و ایده‌های خود را به گوش حاکمیت برسانند. دولت‌هایی که در زمینه این شاخص موفق‌ترند از حقوق بشر حمایت می‌کنند و امکان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورند. حق اظهارنظر سبب می‌شود که سطح عمومی آگاهی شهروندان افزایش یابد و عملکرد و برنامه‌های دولتی نقد و بررسی شود. بدین ترتیب دولت‌ها برای پاسخگویی به مطالبات مردم ناچار به افزایش کیفیت عملکردشان هستند. توسعه آزادی‌های مشروع بیان و اندیشه، موجب افزایش

احساس امنیت و ثبات اجتماعی نیز می شود؛ چراکه واقعیت ها را پژوهشگران، تحلیلگران و رسانه های داخلی اعلام می کنند. به باور انجرمن و ساکولوف^۱ (۲۰۰۵) گسترش آزادی مدنی موجب ارتقای سطح سرمایه انسانی کشورها می شود. این امر بر اثر پاسخگوتر شدن دولت ها به وجود می آید.

به نظر میرسد که حق اظهارنظر و پاسخگویی به صورت مستقیم بر توسعه انسانی اثرگذار باشد، این مسئله درباره کشورهای که نظام صیانت از حقوق مدنی و سازوکارهایی برای مشارکت سیاسی دارند با هزینه های کم و منافع بیشتری رخ می دهد.

کنترل فساد و توسعه انسانی: فساد اداری، به کارگیری و سوء استفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی تعریف می شود. دیدگاه های مختلف و گاه متناقضی درباره تأثیر فساد بر رشد اقتصادی وجود دارد؛ به گونه ای که برخی معتقدند فعالیت های فاسدی مانند رشوه دادن از طریق کاهش بوروکراسی اداری، موجب رشد می شود. همچنین پرداخت رشوه در قالب پورسانت، انگیزه مدیران دولتی را افزایش می دهد؛ اما در مقابل، برخی پژوهشگران معتقدند فساد به روش های متنوع سبب کاهش رشد می شود. در زمینه توسعه انسانی نیز به نظر می رسد که فساد اداری موجب کاهش سطح توسعه انسانی می شود. فساد اداری از طریق ایجاد بی عدالتی، سطح سواد و کیفیت آموزش جامعه را به شدت کاهش می دهد. همچنین فساد اداری از طریق تمرکز قدرت در دست عده ای از سودجویان، موجب کاهش رفاه عمومی می شود؛

^۱ Engerman S.L & Sokoloff, K.L.

چراکه منافع خصوصی بر منافع عمومی برتری می یابد و این امر سبب می شود میزان سرانه درآمد ملی کاهش پیدا کند (بندسن و همکاران، ۲۰۰۵، مائورو، ۱۹۹۵)

ثبات سیاسی و دوری از خشونت و توسعه انسانی: ثبات سیاسی به مفاهیمی مانند ناآرامی و اعتراض های اجتماعی، وحشت افکنی و اعدام های سیاسی، کودتا و تنش های قومی اشاره دارد. برقراری ثبات سیاسی در هر کشور، احتمال بروز انقلاب و تنش های خشونت آمیز را از طریق کودتا و شورش کاهش می دهد. این امر از ریسک سرمایه گذاری می کاهد و موجب تشویق سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی می شود. همچنین ایجاد ثبات سیاسی سبب می شود تمایل به مهاجرت نخبگان تا حد زیادی کاهش یابد. کاهش نرخ مهاجرت نخبگان سبب افزایش سطح توسعه انسانی می شود. ثبات سیاسی از طریق افزایش سرمایه، توانمندسازی نیروی کار و ارتقای سطح درآمد سرانه، می تواند بر توسعه انسانی اثر مثبت بگذارد. علاوه بر این، ثبات سیاسی شاخص امید به زندگی و سطح سواد را ارتقا می دهد. بی ثباتی سیاسی موجب کاهش جذابیت سرمایه گذاری ریسک پذیر در کشور می شود و به سبب آن، سرمایه گذاری های بلندمدت کاهش می یابد و در مقابل، طرح های سرمایه گذاری کوتاه مدت و با بهره وری کم جایگزین می شود (فوسو، ۲۰۰۱)

حاکمیت قانون و توسعه انسانی: در مدل حکمرانی خوب، همه افراد و نهادها در برابر قوانین مسئول اعمال خود هستند. هدف از حاکمیت قانون محافظت از شهروندان در برابر سوءاستفاده دولت و سیاستمداران از قدرت است.

حاکمیت قانون به معنای تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهاست. این امر اعتماد فراوانی در تحریک سرمایه گذاری ایجاد می کند. حاکمیت قانون، همچنین از طریق حمایت از زیر ساخت های نهادی سبب توسعه بازارها می شود. (گریف، ۲۰۰۵) هر مبادله ای در بازار به ساختار قانونی نیاز دارد که حقوق خریداران و فروشندگان را به رسمیت بشناسد. علاوه بر آن، حاکمیت قانون سبب تشویق کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کوچک می شود. یکی از موانع مهم رشد کارآفرینی و برانگیخته شدن کارآفرینان، اجرانشدن اصل حاکمیت قانون است.

عمده ترین شاخص های حاکمیت قانون شامل اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش بینی دستگاه قضایی، جرم های سازمان یافته و احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت است. حاکمیت قانون و حمایت از مالکیت و حقوق مردم موجب می شود انگیزه های کار و سرمایه گذاری در کشور افزایش یابد. از این طریق درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت. حاکمیت قانون به صورت غیرمستقیم نیز می تواند موجب ایجاد عدالت در رویه های آموزشی، جلوگیری از سوءاستفاده دولتمردان از قدرت و افزایش امید به زندگی در کشور شود. از این رو حاکمیت قانون موجب توسعه انسانی و ارتقای شاخص های آن خواهد شد.

کیفیت قوانین و توسعه انسانی: شاخص کیفیت قوانین، ابعادی مانند مقررات دست و پاگیر اداری، میزان مداخله دولت در اقتصاد، خط مشی های رقابتی و دسترسی به بازارهای سرمایه ای را دربردارد. این ابعاد از جنبه های گوناگون و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می توانند بر شاخص های توسعه انسانی تأثیر بگذارند. این تأثیرگذاری به صورت مستقیم و مثبت است؛

یعنی هر چه بر کیفیت بوروکراسی افزوده شود، میزان توسعه انسانی در کشور افزایش می یابد.

کیفیت مقررات به معنای شیوه استفاده دولت از ابزار قانون برای دستیابی به اهداف توسعه است. از طریق این ابزار قدرتمند، دولت می تواند نهادهای جدیدی تعریف و مستقر کند. قوانین مناسب همچنین بستر همکاری مناسب سایر نهادها را فراهم می آورد (رنانی، ۱۳۸۲)

مقررات ایجادشده دولت باید از ویژگی شفاف ترکردن ساختارها یا سازوکارهای موجود برخوردار باشد. همچنین مقررات و قوانین باید موجب برابری فرصت ها از طریق تضعیف و حذف رویه ها و سازوکارهایی شود که منشأ ایجاد نابرابری فرصت هاست. درنهایت قوانین دولت باید سطح نظام حقوقی و آموزشی و سرمایه انسانی دستگاه های مرتبط با حقوق مالکیت را ارتقا دهند.

اثربخشی دولت و توسعه انسانی: اثربخشی دولت شاخصی است که میزان موفقیت حکومت در حمایت از نظام مبتنی بر بازار را از طریق خط مشی گذاری مناسب می سنجد. مؤلفه هایی مانند توانایی دولت در قانون گذاری، داوری دادگاه ها، تصمیم های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخگویی و شفافیت در مبحث اثربخشی دولت، درخور توجه اند (ماتسو، ۲۰۰۵) در مدل ایده آل حکمرانی خوب، نهادها و فرایندهای حکمرانی نتایج و تأثیراتی دارند که نیازهای اجتماع را تأمین می کنند و به بهترین شیوه از منابع بهره می برند. در این مدل، دولت از طریق نهادسازی مناسب، توسعه را تقویت می کند، حقوق مالکیت را محترم

می‌شمارد، مانع رانت خواری می‌شود و از طریق ایجاد قوانین و مقررات مناسب هزینه مبادله شهروندان را به حداقل می‌رساند.

از این نظر میتوان اثربخشی دولت را نیز جزء عوامل مؤثر بر توسعه انسانی در کشور دانست. دولتی که در نظام خط مشی گذاری و اجرا اثربخشی داشته باشد، موجب می‌شود که سطح رفاه عمومی و شاخص های امید به زندگی مردم رشد کند.

امیدیان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی در خصوص تاثیر حکمرانی خوب در توسعه انسانی دریافتند در کشورهای عضو **OECD** سالهاست برای ایجاد مشارکت مناسب بین جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت و برای اجرای هر چه بهتر قانون، مقررات و بالا بردن سطح اطمینان مردم هزینه و تلاش شده است. در این کشورها آزادی های قانونی اعم از آزادی مطبوعات، آزادی بیان و ... نسبت به کشورهای دیگر در سطح بالایی قرار دارد. دولت ها در برابر افراد پاسخگویی بیشتری دارند. به دلیل حاکمیت قوانین، فساد و جرم به کمترین میزان خود رسیده است. ثبات سیاسی حاکم این کشورها را به جایی مطمئن برای مهاجرت و سرمایه گذاری و کارآفرینی تبدیل کرده است. مشخص است با وجود تمامی این شرایط و در بستر این محیط و وجود برنامه های بهداشت و سلامت همگانی و هزینه های بالا برای سلامت افراد و امکانات شهرنشینی مناسب و آب آشامیدنی سالم، امید به زندگی افراد بالا است. همچنین به دلیل وجود سرمایه گذاری ها، حمایت از کارآفرینی و حمایت از صنعت و کشاورزی و آزادی اقتصادی این کشورها به جایی مناسب برای کسب و کار تبدیل شده اند؛ پس درآمدها نیز در سطح بالایی قرار می‌گیرند.

در حالی که در کشورهای اسلامی این تاثیر مورد تایید قرار نگرفته است. با توجه به پایین بودن شاخص حکمرانی خوب در این گروه از کشورها و به دلیل ضعف حکمرانی خوب و نبود دولتی

اثربخش و عدم شفافیت، این شاخص اثرات خود را بروز نمی دهد. همچنین، در این کشورها به دلیل پایین بودن ثبات سیاسی و نبود محیطی رقابت پذیر، سرمایه گذاری به ویژه سرمایه گذاری های خارجی به حداقل میزان خود رسیده است. این شرایط باعث شده است تا بسیاری از افراد برای ادامه تحصیل، سرمایه گذاری و غیره به کشورهای دیگر مهاجرت کنند. همچنین، عدم ثبات سیاسی و احتمال بالای وقوع نابسامانی های سیاسی، اقتصادی، جنگ و ... باعث پایین آمدن امید به زندگی در این کشورها شده است. با توجه به نتایج، شاخص توسعه انسانی در کشورها از شاخص حکمرانی خوب اثرپذیری نشان نمی دهد.

آزادی اقتصادی نیز در این کشورها در سطح بالایی قرار ندارد و به دلیل بالا بودن تعرفه های مالیاتی و مقررات سخت گیرانه، همچنین به علت کنترل های دولتی بر روی قیمت ها، پایین بودن سرمایه گذاری خارجی و ... آزادی اقتصادی بی معنا شده است. همچنین، در این کشورها افزایش هزینه های بهداشت سرانه و شهرنشینی نسبتا مناسب و بهبود دسترسی به آب آشامیدنی سالم باعث اثر مثبت و معنادار بر شاخص توسعه انسانی شده است.

۳-۲-۹) اشتغال و بیکاری

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اواسط دهه ۱۹۹۰ شماری از مطالعات نظیر ساین^۱ (۱۹۸۶)، ایحلانفلد و بوهم^۲ (۱۹۸۷)، اسلودل^۳ (۱۹۸۸)، مورفی^۴ (۱۹۸۹)، کلیراجان^۵ (۱۹۹۲) و همچنین بررسی های بانک جهانی در بسیاری از کشورهای آفریقایی روشن نمود که نحوه مدیریت کشور (حکمرانی)

^۱ Sinn, H.

^۲ Ihlanfeldt, K. & T. Boehm

^۳ Soltwedel, R.

^۴ Murphy, P.

^۵ Kalirajan, K.

یک موضوع اساسی در کنترل بیکاری و راهبرد توسعه کشورها است. حکمرانی دارای مفهوم گسترده‌ای است که با حوزه‌هایی همچون امنیت اقتصادی، سیاست، اجتماع و حقوق ارتباط مستقیم دارد. هر یک از عناصر ارزش‌های گانه حکمرانی، بیکاری را از کانال‌های مختلفی تحت تأثیر قرار می‌دهند (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲).

حق اظهارنظر، پاسخگویی و بیکاری: به این معنا که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر مردم تأثیر می‌گذارد مورد پرسش و بازخواست قرار دهند. این مؤلفه‌ها از طریق افزایش کارایی بازارها، کشف قیمت واقعی، تخصیص بهینه منابع سرمایه‌ای، حذف رانت‌های اطلاعاتی، انتقال دارایی‌های نقد به سمت فعالیت‌های تولیدی، ایجاد بازار مدیران حرفه‌ای، کاهش ریسک فعالیت‌های تولیدی و تسهیل ورود سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند محیطی به دور از هرگونه تهدیدی را برای فعالان اقتصادی در سطح خرد و هم‌اقتصاد ملی فراهم نموده که سطح اشتغال یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ثبات سیاسی و بیکاری: از آنجا که تولید عامل اصلی ایجاد اشتغال است، محدود نمودن آن عامل رشد بیکاری در کشورها به حساب می‌آید. ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی بخش مهمی از منابع و کارآفرینان اقتصادی را از فعالیت‌های مولد اقتصادی باز داشته و به جای بزرگ نمودن کیک اقتصادی (تولید)، درگیر خلق و توزیع رانت و در واقع تسهیم کیک اقتصادی موجود می‌نماید. نتیجه این امر، عدم افزایش فعالیت‌های تولیدی در راستای دستیابی به نرخ اشتغال بالا، ایجاد ثروت و گسترش رفاه در جامعه می‌باشد. (استیگلیتز، ۱۹۸۶)

اثربخشی دولت و بیکاری: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی

کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می باشد. انجام وظایف محول شده همچون تأمین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت های فیزیکی مورد نیاز در فرایند تولید همچون جاده ها، خطوط ریلی، سدها، آموزش همگانی، تأمین بهداشت شهروندان، تسهیل و انتقال فناوری و ... و از طریق کاهش هزینه های مبادلاتی برای بنگاه ها موجب افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود بهره وری عوامل تولید و در نهایت رشد اشتغال خواهد شد (کلاگو و همکاران، ۱۹۹۶).

کیفیت مقررات و بیکاری: بر سیاست های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست هایی از قبیل کنترل قیمت ها، عدم نظارت کافی بر اجرای صحیح و به موقع سیاست ها و همچنین مقرراتی برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی. عدم اجرای دقیق و تدوین نامناسب مقررات سبب می شود فعالان اقتصادی دچار نوعی سردرگمی حاصل از این مقررات شوند و در محیطی نامناسب از فضای کسب و کار قرار گیرند که می تواند کارفرمایان و شاغلان بسیاری را با مشکلاتی بیش از پیش مواجه سازد (برونتی و همکاران، ۱۹۹۸). همچنین، عدم تدوین مقررات باکیفیت و شفاف از طریق خروج سرمایه های داخلی باعث کاهش فعالیت های تولیدی و افزایش بیکاری در جامعه می شود (رضایی، ۱۳۸۶)

حاکمیت قانون و بیکاری: میزان احترام عملی که دولت مردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است. تأکید بر تأمین قضایی، حفظ و تقویت دادگاه ها و قضات عادل و با انصاف از یک سو با حمایت از حقوق دارایی های فیزیکی و فکری و ضمانت اجرای قراردادها انگیزه های سرمایه گذاری در فعالیت های نوآورانه و مبتکرانه را که عوامل مهمی در ایجاد اشتغال هستند، افزایش می دهد (بارو، ۱۹۹۶).

شایان ذکر است این دو مؤلفه از طریق ایجاد محصولات جدید، بهبود کیفیت آنها و بازاریابی و بازاریابی علاوه بر اینکه زمینه اشتغال افراد زیادی را فراهم می کند بر قدرت رقابت پذیری، رشد اقتصادی و ثبات آن می افزاید. از سوی دیگر، حاکمیت قانون از طریق ایجاد محیطی با اطمینان، آرام و باثبات برای کارآفرینان سبب پایه گذاری فعالیت های شغلی جدید می گردد که با کاهش هزینه ها، ضایعات، اتلاف منابع و افزایش بازده همراه می باشند.

کنترل فساد و بیکاری: فساد از راه های مختلفی پیامدهای منفی بر اشتغال می گذارد. افزایش فساد اداری با کاهش هزینه های سازنده و زیربنایی بودجه و در عوض افزایش هزینه های غیرضروری دولت سبب افزایش بیکاری در جامعه می شود (دباغ و نفری، ۱۳۸۸). به علاوه اینکه نیروی انسانی را به مشاغل کاذب سوق داده و از فعالیت های سازنده دور می سازد، همچنین فساد از طریق افزایش هزینه های تولید، افزایش درآمدهای نامشروع، ایجاد شکاف میان عرضه و تقاضا، به وجود آمدن فرصت های سودجویی برای دلالان و کاهش درآمدهای دولتی و انحراف این درآمدها از مسیر اصلی خود منجر به از بین رفتن فرصت های شغلی فراوان و به دنبال آن کاهش رشد اقتصادی در جامعه می گردد (علیزاده ثانی و فانی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، گسترش فساد سبب بالا رفتن ریسک در جامعه، پایمال شدن حقوق افراد، تخصیص نادرست منابع کمیاب و معاف شدن از مجازات می شود و سرمایه گذار مستقیم خارجی را تشویق به خروج می کند که در تمام این موارد امنیت شغلی افراد جامعه نیز در معرض خطر قرار می گیرد و رشد بیکاری نیز افزایش می یابد. (کوستا، ۱۹۸۵). در ادامه به برخی از مطالعات انجام شده در این حوزه اشاره می شود:

✓ سامانتا و روی (۲۰۰۹) به بررسی این پرسش می پردازند که آیا مؤلفه های حکمرانی بر

رشد بیکاری تأثیر داشته است یا خیر؟ این مطالعه با استفاده از داده های ۱۲۰ استان کشور

هند طی دوره زمانی (۲۰۰۸-۲۰۰۷) انجام شده است. متغیر وابسته در این مدل رشد بیکاری می باشد که تابعی از متغیرهای کنترل برون زا و متغیرهای حکمرانی (پایداری سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، تأمین قضایی و کمیت قانون، حق اظهارنظر، شفافیت و پاسخگویی و کنترل فساد) می باشد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که هر یک از مؤلفه های حکمرانی تأثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری داشته اند، همچنین آنها وجود شواهدی مبنی بر اهمیت حکمرانی خوب برای توسعه اقتصادی این استان ها را تأیید می کنند.

✓ پورته (۲۰۰۷) در مقاله ای به بررسی این موضوع می پردازد که آیا حکمرانی خوب رشد اشتغال را تحت تأثیر خود قرار داده است یا خیر؟ این مطالعه با استفاده از داده های ۱۴ کشور منتخب توسعه یافته طی دوره زمانی (۲۰۰۴-۱۹۹۹) انجام شده است. متغیر وابسته در این مدل رشد هزینه های دولت برای ایجاد اشتغال می باشد که تابعی از متغیرهای کنترل برون زا و متغیرهای حکمرانی در نظر گرفته شده است. متغیرهای حکمرانی شامل کیفیت قوانین، ثبات سیاسی و کیفیت مقررات می باشد. نتایج این تحقیق نشان می دهد هزینه های ایجاد اشتغال در کشورهای که مؤلفه های حکمرانی در آنها تقویت شده است به مراتب بیشتر از کشورهای است که در بهبود مؤلفه های حکمرانی ضعیف عمل نموده اند.

✓ بادون (۲۰۰۵) در مقاله ای به بررسی این پرسش می پردازد که آیا تضمین کیفیت حکمرانی در کاهش بیکاری و رشد اقتصادی کرواسی حائز اهمیت بوده است؟ این

مطالعه با استفاده از آمار و اطلاعات ۲۵ کشور (شامل دو گروه ۱۴ کشور اتحادیه اروپا^۱ و ۱۱ کشور درحال گذار اروپای شرقی) و برای چهار دوره زمانی (۱۹۹۶-۱۹۹۵)، (۱۹۹۸-۱۹۹۷)، (۲۰۰۰-۱۹۹۹) و (۲۰۰۲-۲۰۰۱) صورت گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پویایی و طبیعت اصلاحات در مدیریت عمومی و خدمات مدنی کرواسی ضروری است، زیرا قدرت کرواسی به کسانی واگذار شده است که بیش از متوسط دیگر کشورهای اتحادیه اروپا بر رانت جویی متمرکز شده اند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که نواقص نهادی از جمله فساد بر سطح تولید ناخالص داخلی (سرانه) و اشتغال کرواسی اثر گذاشته است.

۳-۲-۱۰) مبارزه با فساد

فساد یکی از شش مولفه ای است که با حکمرانی ارتباطی تنگاتنگ دارد. کنترل فساد که یکی از شاخص های حکمرانی خوب است، مستقیماً باعث حفاظت از حقوق مالکیت و آزادی های مدنی و استقلال قضایی شده، کیفیت زندگی مردم کشور را ارتقاء داده و در جهت تحقق حقوق بشر، پایداری سیاست های سالم اقتصادی و نهادی، توسعه سرمایه انسانی و ریشه کنی فقر پیش می رود (دقیقی اصلی و همکاران، ۱۳۹۲) مهم ترین علل فساد اقتصادی در بخش عمومی به تصدی های دولت در اقتصاد مربوط می شود و شامل محدودیت تجاری، یارانه های صنعتی، کنترل قیمت ها، نرخ های چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی، تجاری، و ذخایر منابع طبیعی

^۱ . اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هلند، ایرلند، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، سوئد و انگلستان

مانند نفت است. فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه گذاری و کندی رشد اقتصادی و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در کشور می شود و به دنبال آن درآمدهای مالیاتی کاهش می یابد و کیفیت زیرساخت های اقتصادی و خدمات عمومی تنزل پیدا می کند (جعفری صمیمی و کاویان تلوری، ۱۳۹۴)

همچنین فساد بر رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد و فقر، توسعه ی انسانی و برآورد سلامت و به طور کلی بر کیفیت حکومت اثرات منفی دارد و از طریق تضعیف زیرساخت های عمومی و خدمات اجتماعی و نیز کاهش درآمدهای مالیاتی، موجب کاهش آهنگ رشد اقتصادی می گردد (فاضلی و جلیلی کناری، ۱۳۹۱)

کنترل فساد، اثر مثبت بر اعتماد به نهادهای سیاسی دارد، در حالی که تجربه ی فساد اعتماد عمومی به نهادهای ملی را کاهش می دهد. فساد فقدان اعتماد را تقویت می کند و فقدان اعتماد، تلاش حکومت در بسیج جامعه برای مبارزه با فساد را بی اثر می کند و وعده مبارزه با فساد دولت را نزد مردم بی اعتبار می سازد. علیت قوی متقابلی بین کنترل فساد و اعتماد به نهادهای سیاسی وجود دارد (موریس و کلسنر^۱، ۲۰۱۰)

رسیدن به حکمرانی خوب موانع گسترده ای دارد و یکی از عمده ترین موانع آن فساد است. فساد، گذشته از آن که از نظر اخلاقی ناپسند است، به علت آنکه سبب بروز بسیاری از ناکارآمدی ها و دشواری ها برای تحول و توسعه ی اقتصادی می شود، به کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان تبدیل شده است (دقیقی اصل و همکاران، ۱۳۹۱) فساد تعریف محدودتر حکمرانی بد است، یعنی

^۱ . Morris & Klenser

سوء استفاده از قدرت یا امکانات عمومی در جهت منافع خصوصی، محیط با حکمرانی بد، انگیزه و فرصت های بیشتری برای وقوع فساد فراهم می سازد (بانک جهانی، ۲۰۰۲). از این رو، صندوق بین المللی پول در مبارزه با فساد، ترویج حکمرانی خوب را مهم می داند (صندوق بین المللی پول، ۲۰۰۵) حکمرانی خوب، شامل عدم وجود شیوه هایی نظیر قوم پرستی، حامی پروری، تبعیض و رشوه است که در ارتباط با فساد بوده و ذیل مفهوم فساد مورد بحث قرار می گیرند (سازمان ملل، ۲۰۰۴).

فساد، حکومت بد را از طریق فقدان حاکمیت قانون، عدم احترام به حقوق بشر، پاسخگو نبودن و فقدان شفافیت تقویت می کند و به ضعف ساختار و نهادها برای حکمرانی بهتر منجر می شود (کارگبو^۱، ۲۰۰۶).

در مقابل در حکمرانی خوب، فساد در حداقل میزان خود است، دیدگاه حداقلی ها به حساب آورده می شود و صدای اقشار آسیب پذیر در تصمیم گیری ها شنیده می شود و از این رو حکمرانی خوب پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه است (فاضلی و جلیلی کناری، ۱۳۹۱). امروزه در کنار بحث حکمرانی خوب، بحث کیفیت حکومت نیز مطرح است. در کیفیت حکومت، صحبت از قابلیت اعتماد، بی طرفی، فقدان فساد، شایستگی و عقلانیت در نهادهای حکومتی است. اثربخشی و پایداری دولت در رشد اقتصادی، حفاظت از محیط زیست، رفاه اجتماعی، پژوهش و آموزش، همه به وجود نهادهای دولتی با کیفیت بالا وابسته اند، چرا که حمایت های

^۱ . Kargbo

گسترده عمومی از سیاست ها، از درک شهروندان از کیفیت فعالیت اجرایی نهادهای مسئول

حاصل می شود (روستین و هولمبرگ^۱، ۲۰۰۶، ۳)

نتایج اکثر بررسی ها نشان می دهد یکی از سرچشمه های اصلی فساد به ویژه در سطوح مدیریت ارشد، انحصار و رانت و تمرکز قدرت در دست افرادی است که از نفوذ سیاسی خود در دولت برای کسب منافع اقتصادی شخصی استفاده می کنند.

فسادهایی مانند گریز مالیاتی، کسب مجوزها و امتیازات، حساب های غیر شفاف و قاچاق و نظایر این ها به دلیل ضعف و عدم سلامت نظام و ساختارهای اقتصادی است (بشیری و شفاقی شهری، ۱۳۹۰) لذا تجربیات جهانی نشان می دهد اقداماتی از قبیل تثبیت کلان اقتصادی، انحصارزدایی، مقررات زدایی، مقابله با پول شویی، تصفیه دارایی ها و ارتقای رقابت پذیری از جمله راهکارهای اقتصادی کاهش و مقابله با فساد است که با تلاش حکومت ها در پیاده سازی و ارتقای حکمرانی خوب عملی شده و متعاقباً موجب کاهش فساد نیز خواهد شد (بانک جهانی، ۲۰۰۲)

در مجموع، می توان گفت الگوی حکمرانی خوب به تعریف نقش دولت، ویژگی های دولت اثربخش و تعامل آن با سایر بخش ها می پردازد و در این راستا نظامی را تعریف می نماید که در راستای کاهش فساد و بهبود سلامت اداری موثر است (دولتی و همکاران، ۱۳۹۲)

حق اظهارنظر، پاسخگویی و فساد: پاسخگویی با این حقیقت مرتبط است که برای رعایت صحیح قوانین و مقررات، اجراکنندگان قوانین باید در برابر اعمالشان مسئولیت پذیر و پاسخگو باشند. سازمان شفافیت بین المللی پاسخگویی عمودی را که با استفاده از قدرت رای شهروندان است، در

^۱ . Rothstein & Holmberg

کنترل فساد رد می کند. در مقابل، پاسخگویی افقی را در کنترل فساد موفق تر می داند (وارن^۱،

(۲۰۰۵)

ثبات سیاسی و فساد: در خصوص ارتباط فساد و ثبات سیاسی، دو استدلال متفاوت و متضاد وجود دارد. برخی استدلال کرده اند که با دوره ی کوتاهی از قدرت، بی ثباتی سیاسی قدرتمندان را به کسب مال سریع به جای علاقه به کسب منافع در آینده سوق می دهد. جنگ داخلی، انقلاب و موارد دیگر که در آن حقوق و نظم اجتماعی تضعیف می شود، اغلب در زمان شیوع، باعث سوء استفاده از قدرت می شوند. بنابراین کوتاه شدن افق زمانی سیاستمداران بر سطح فساد موثر است (پلگرینی و ریور^۲، ۲۰۰۸) از طرق دیگر، برخی افراد استدلال متضادی را ارائه کردند: ثبات زیاد، کارمندان را برای رسیدن به معاملات نسبتاً امن و دراز مدت و فساد با شرکای خصوصی قادر می سازد. جنگ، تهاجم، تغییرات عمده ی سیاسی و تغییر دولت ممکن است معاملات (فساد) را متراکم کند (السن^۳، ۱۹۸۲).

اثر بخشی دولت و فساد: در دیدگاه مطلوب نهادگرایان، دولت عبارت از دولتی کارآمد و شفاف است که با نهاد سازی مناسب، توسعه را به سمت جلو هدایت می کند، حقوق مالکیت را پاس داشته، مانع فعالیت رانت خواران سودجو خواهد شد و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب، هزینه ی مبادلات افراد را کاهش می دهد، بنابراین، عملکرد بهتر دولت در جهت کاهش فساد و نیز افزایش سطح کارایی دولت موثر است (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰)

^۱. Warren

^۲. Pellegrini and Reyer

^۳. Olson

کیفیت مقررات و فساد: هنگامی که قوانین و مقررات بیش از حد نیاز وجود داشته باشد، شهروندان دچار وسوسه دور زدن آن‌ها خواهند شد و از سوی دیگر، کارکنان فاسد نیز به گونه‌ای رفتار می‌کنند که ارباب رجوع بپذیرد قوانین و مقررات موانعی هستند که روند انجام امور او را کند می‌کند و در اینجاست که در نتیجه توافقات ضمنی و سپس آشکار میان کارمندان و ارباب رجوع، فساد رخ می‌دهد. کیفیت و کمیت قوانین و مقررات تا حدی در تولید و تکثیر فساد اداری موثر است.^۱

حاکمیت قانون و فساد: این عامل مهم که در مطالعات از آن به عنوان عامل ایجاد کننده فساد یاد شده است، مربوط به بحث کیفیت بد قوانین و مقررات، دیوان سالاری ناکارآمد، ناکارایی نظام قضائی و فقدان حاکمیت قانون است که عمدتاً در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه شایع است و می‌تواند کارگزاران بخش خصوصی را ترغیب نماید تا برای کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری و فائق آمدن بر مشکلاتی نظیر دریافت مجوز و غیره به مظاهر فساد و پرداخت رشوه روی آورند، اساساً حاکمیت قانون در جامعه‌ای وجود دارد که در آن مجموعه‌ای شناخته شده از حقوق و حدود برای تمامی احاد جامعه، اعم از دولت مردان و مردم عادی وجود داشته باشد و مورد احترام واقع گردد. در حقیقت، حقوق متقابل حکومت و مردم و التزام هر دو طرف به رعایت این حقوق است که ویژگی حاکمیت قانون در جامعه را می‌سازد. متقابل بودن این حقوق بدان جهت است که حقوق هر یک از طرفین برای دیگری ایجاد محدودیت می‌کند (دقیقی اصلی و همکاران، ۱۳۹۱)

^۱. <http://old.shahrvand-newspaper.ir>

✓ قلی پور (۱۳۸۴) به تحلیل رابطه ی الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری پرداخته است. وی الگوی حکمرانی خوب را به عنوان الگویی نوین در جهت کاهش فساد و افزایش سلامت اداری معرفی می کند و به تبیین رابطه ی بین الگوی یادشده و فساد اداری می پردازد.

✓ بشیری و شقاقی شهری (۱۳۹۰) در مطالعه ای به بررسی حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکرد اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب) پرداختند. نتایج به دست آمده از الگوی رشد، تأکیدی بر ارتباط معنی دار و مستقیم بین اجزای مختلف شاخص حکمرانی خوب با رشد اقتصادی کشورهای منطقه است.

✓ دقیقی اصلی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه ای با استفاده از روش داده های ترکیبی به بررسی اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای دارای سطح توسعه یافتگی متوسط در بازه زمانی ۲۰۰۸ - ۱۹۹۶ پرداختند. نتایج تخمین ها نشان داد برای کشورهای با درجه ی توسعه یافتگی متوسط مایل به بالا، شاخص حاکمیت قانون بیشترین تاثیر را بر کاهش سطح فساد دارد.

✓ فاضلی و جلیلی کناری (۱۳۹۱) به تبیین سطح فساد، بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب پرداخته اند. بدین منظور پس از خوشه بندی کشورها به کشورهای فاسد و پاک، ۴ دسته عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عوامل فرآیند در ۱۷۹ کشور جهان مورد آزمون قرار گرفتند. یافته های تحقیق نشان می دهد که مهمترین تفاوت کشورهای فاسد و غیر فاسد در فقدان شاخص حکمرانی خوب و قابل توجه است. در جوامعی که درصد جمعیت مذهبی بیشتر است، میزان فساد کمتر است.

✓ دولتی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی حکمرانی خوب و کنترل فساد در ایران و سایر کشورها پرداختند؛ نتایج به دست آمده نشان دهنده ی جایگاه مطلوبی برای ایران در شاخص مذکور نبوده و با گذشت زمان نیز این شاخص بهبود نیافته است، این درحالی است که معیار کنترل فساد نیز برای ایران به شدت کاهش یافته و این موضوع ایران را در گروه کشورهای با کنترل فساد اندک قرار داده است.

۳-۲-۱۱) توسعه گردشگری

پاسخگویی، شفافیت و توسعه گردشگری: این شاخص از بازخواست کردن و مورد سوال قرار دادن دولت توسط مردم در برابر آنچه که بر آنان اثر می گذارد، دفاع می کند. وقتی چنین حقی برای مردمان یک کشور محفوظ باشد بازتاب بین المللی آن بسیار قابل ملاحظه خواهد بود به طوری که برای مردمان دیگر کشورها این تصور شکل می گیرد که اگر دولتی به مردمان خود احترام می گذارد و خود را در برابر سوالات آنان پاسخگو می داند، بنابراین دولتی است که در رفتار انعطاف پذیر و ملایم خواهد بود و همین امر می تواند انگیزه ی آنان را برای ورود به آن کشور تقویت کند.

ثبات سیاسی و توسعه گردشگری: این شاخص نشان دهنده ی عدم خشونت و وجود آرامش در یک جامعه است. زیرا خشونت در یک جامعه نه تنها به مرور زمان روحیه ی نشاط و فعالیت را در مردمان آن جامعه از بین می برد، بلکه به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل کاهش جذب گردشگر محسوب می شود چرا که حضور و وقوع خشونت در یک جامعه برای امنیت و سلامت افراد تهدیدی جدی خواهد بود (شاه آبادی و مهری تلیابی، ۱۳۹۵).

بر این اساس می توان گفت یکی از اصلی ترین پارامترهای اساسی در شکل گیری محیط گردشگری برای انتخاب آگاهانه مقصد گردشگری، وجود یک محیط با شاخص های نهادی مطلوب بویژه مولفه امنیت و ثبات سیاسی است. از این رو انتظار می رود شاخص حکمرانی و مولفه های نهادی آن به عنوان یک متغیر اثرگذار بر درآمد حاصل از ورود گردشگران بین المللی به شمار آید. همانطور که نوده^۱ و سایمان^۲ (۲۰۰۴) اعتقاد دارند ثبات سیاسی، امنیت شخصی، تلاش های بازاریابی و زیرساخت های در دسترس از عوامل مهم در جریان گردشگری است (کادارو^۳ و ستاناه^۴، ۲۰۰۷) همچنین ایلات^۵ و اینوا^۶ (۲۰۰۳) بیان می دارند خطر سیاسی تاثیر قابل توجهی در تقاضای گردشگری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دارد (ایلات و اینوا، ۲۰۰۳).

اثر بخشی دولت و توسعه گردشگری: برای بررسی اثرات این شاخص به مواردی چون کیفیت خدمات عمومی، عدم وابستگی خدمات اجتماعی به فشارهای سیاسی و میزان تعهد دولت به اجرای سیاست ها توجه می شود. افزایش کیفیت خدمات عمومی و تعهدات دولت به اجرای سیاست های پیش بینی شده و کاهش یا فقدان وابستگی خدمات اجتماعی به فشارهای سیاسی، می تواند انگیزه و تمایل گردشگران را برای ورود به کشور افزایش دهد زیرا آنان در مقابل وقت و هزینه ای که صرف می کنند خواستار آن هستند تا شاهد کیفیتی مطابق با استانداردهای بین المللی

^۱. Naudee
^۲. Saayman
^۳. Khadaroo
^۴. Seetannah
^۵. Eilat
^۶. Einv

برای خدمات عمومی باشند و به دور از فشارهای سیاسی و در پناه تعهدات دولت به اجرای سیاست های قابل از اقامت خود لذت ببرند.

کیفیت قوانین و مقررات و توسعه گردشگری: کیفیت قوانین و مقررات بسترساز گردشگری خواهد بود زیرا کشوری دارای کیفیت قوانین و مقررات بالاتر است که متکی به روح علم محوری و منطبق بر واقعیات جهت رفع موانع در تمامی فعالیت های اقتصادی از جمله گردشگری خواهد بود، عادلانه و فراگیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت تنظیم کنندگی است که از اصول اساسی حکمرانی خوب محسوب می شود این شاخص با تنظیم عوامل اختلال زا در بازار در ارتباط است، هرچه کیفیت قوانین و مقررات در یک کشور بالاتر باشد، آن کشور می تواند گردشگران بیشتری را به خود جذب کند.

حاکمیت قانون و توسعه گردشگری: آن گونه که سازمان ملل تعریف می کند این شاخص به اصول حاکمیت اشاره داشته به طوری که همه ی افراد و نهادهای خصوصی و دولتی در برابر قوانین سازگار با حقوق بشر بین المللی پاسخگو هستند، همانگونه که از تعریف این شاخص پدیداست پاسخگو بودن افراد و نهادها در برابر قوانین سازگار با حقوق بشر بین المللی به نوعی تداعی کننده ی احترام به ذات بشر و در نهایت احترام به فرهنگ های دیگر کشورها و موجب اطمینان خاطر گردشگر و جذب آنان است.

کنترل فساد و توسعه گردشگری: کنترل فساد به معنای مبارزه با مواردی چون رانت خواری، پرداخت رشوه، کسب ناعادلانه ی منافع خصوصی و بی توجهی به قوانین می باشد. به خوبی قابل فهم است جامعه ای که در آن به قوانین احترام گذاشته می شود و اثراتی از رانت خواری و پرداخت رشوه و کسب ناعادلانه ی منافع خصوصی نیست خود می تواند زمینه ساز جذب سرمایه

گذاری های خارجی و همچنین باعث ورود گردشگران و منابع ارزی به کشور شود (شاه آبادی و مهری تلیابی، ۱۳۹۵).

✓ پانیک^۱ (۲۰۱۵) به بررسی تاثیر حکمرانی بر توسعه گردشگری در مناطق روستایی مجارستان می پردازد. نتایج بیانگر نقش تعیین کننده برنامه ریزان محلی از کانال بسترسازی جهت مشارکت بیشتر روستائیان و حمایت های هدفمند از پروژه های گردشگری و ارائه آموزش های لازم بر ابعاد گردشگری روستایی است.

✓ شاه آبادی و مهری (۱۳۹۵) به بررسی تاثیر شاخص حکمرانی بر درآمد گردشگری کشورهای منتخب در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۲ - ۲۰۰۰ پرداخته اند. یافته های تحقیق بیانگر تاثیر مثبت و معنادار شاخص نهاد حکمرانی بر درآمد گردشگری کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه است. این مطلب بیان کننده لزوم حرکت جدی کشورهای در حال توسعه نسبت به بهبود اجزای شاخص حکمرانی است. علاوه بر این یافته های تحقیق نشان می دهد توسعه زیر ساخت فناوری ارتباطات و اطلاعات و سطح آموزش عمومی اثر مثبتی بر درآمد گردشگری بین المللی دارد. بر اساس نتایج ضریب تخمینی شاخص مخارج بهداشت بی معناست. همچنین نتایج نشان می دهد علاوه بر افزایش درآمد سرانه واقعی و جمعیت کشورها و نرخ ارز، زیرساخت های حمل و نقل از اهمیت بسزایی در جذب گردشگر برخوردارند.

^۱. Panyik

د) عوامل محیطی

۳-۲-۱۲) عملکرد زیست محیطی

در ارتباط با نقش نهادها و حکمرانی بر عملکرد محیط زیست نظریه های مختلفی وجود دارد. تعدادی از مطالعات بر نقش سطح دموکراسی (به عنوان یکی از بنیادی ترین اصول توسعه نهادی) بر کیفیت محیط زیست پرداخته اند. این دسته از محققان معتقدند وجود آزادی اطلاعات و در نتیجه افزایش آگاهی، لزوم پاسخگویی، احترام به حکومت قانون و زندگی مردم، کم بودن میزان تولید و مصرف به دلیل افزایش هزینه های تولید ناشی از قوانین زیست محیطی و کم بودن عمر در ساختارهای دموکراتیک، این نظام ها را در مقایسه با نظام های استبدادی، به نظام هایی حساس تر به نیازهای زیست محیطی مردم بدل ساخته است.

پاسخگویی و حق اعتراض و عملکرد زیست محیطی: وقتی دولت ها پاسخگو باشند، حساسیت بیشتری به مطالبه عامه مردم و کاهش کیفیت هوا خواهند داشت.

مشارکت مردم از مسیرهای مختلف از جمله مشارکت مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق مطالبه گری، برای داشتن محیط زندگی سالم تر موثر خواهد بود. بسیاری از سازمان های مردم نهاد در دنیا در جهت مطالبه گری های محیط زیست سالم شکل گرفته اند. کیفیت مقررات و عملکرد زیست محیطی: کیفیت مقررات به لحاظ شفافیت و ناممکن بودن دور زدن آن، رفتار افراد جامعه در قبال محیط زیست را بهتر می تواند هدایت کند.

حاکمیت قانون و اثربخشی دولت ها: این دو مولفه در راستای اجرای سیاست هایی که به حفظ منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب محیط زیست منجر می شود، تعیین کننده خواهد بود. برخی از تحقیقات بر نقش حاکمیت قانون در ارتباط با کیفیت محیط زیست اشاره دارند. بدین صورت

که با وجود حاکمیت قانون، اثرات شکست بازار می تواند به حداقل برسد. آسموگلو^۱ و همکارانش (۲۰۰۵) بر این عقیده اند که نهادهای خوب، نهادهایی هستند که از حقوق مالکیت حمایت می کنند. حفظ حقوق مالکیت، انگیزه ای برای استفاده از منابع توسط بنگاه های اقتصادی برای تولید کارآمد خواهد بود. از سویی دیگر، در صورت نبود یک سازوکار قانونی یا مکانیسم اعمال فشار، ممکن است بنگاه ها بر اجرای صحیح قراردادهای کسب و کار ملزم نباشند. بنابراین می توان فرض کرد که فشار بر اجرای دقیق قراردادها، می تواند به ایجاد بنگاه هایی کمک کند که نه تنها ملزم به رعایت و احترام به قرارداد باشند بلکه سیاست های ملی محیط زیستی را نیز بپذیرند.

امروزه در کشور، شاهد پدیده هایی با عناوین کوه خواری، جنگل خواری و ساحل خواری هستیم. اینکه افرادی بتوانند به محیط زیست که کالایی عمومی محسوب می شود، به راحتی آسیب برسانند نشانه ای از ناکارایی قوانین و گستردگی فساد در چنین زمینه هایی است. لذا بهبود شاخص های حکمرانی خوب، به طور مستقیم و غیرمستقیم می تواند عملکرد محیط زیست را تحت تاثیر قرار دهد.

در جوامعی که بخش عمومی دارای حکمرانی بهتری است، ثبات در اقتصاد کلان و کارایی در مخارج عمومی می تواند در نهایت منجر به افزایش رشد شود (پوشاک^۲ و دیگران، ۲۰۰۷). کشورهای که دولت موثری را دارا هستند (دارای بوروکراسی کمتر، خدمات عمومی کارآمد و

^۱ Acemoglu

^۲ Pushak & et al

مدیریت بهتر منابع عمومی) می توانند ضمن جلب اعتماد تولیدکننده، قوانین و مقررات دولتی در ارتباط با کیفیت محیط زیست را با قوت بیشتری به اجرا در آورند(گانی^۱، ۲۰۱۲).

کیفیت قوانین و مقررات و عملکرد زیست محیطی: یانکو^۲ و همکاران (۲۰۰۲) استدلال می کنند که مقررات سنگین برای ورود بنگاه ها به بازار، با فساد بالا و اقتصاد غیررسمی بزرگ همراه خواهد بود.

کشورهایی که دستورالعمل روشنی در زمینه صدور مجوز و اخذ مالیات دارند، می توانند انتظار این را داشته باشند که بنگاه ها از طریق فرآیند تولید، به چارچوب قانونی در زمینه تولیدات صنعتی و مدیریت صنعتی پایبند باشند(صفویان و دیگران، ۲۰۰۱). پایبندی به چارچوب قانونی در زمینه تولید، پایبندی به قوانین محیط زیستی را نیز به همراه خواهد داشت.

کنترل فساد و عملکرد زیست محیطی: کنترل فساد از دیگر ابعاد حکمرانی خوب به حساب می آید. فساد از دو طریق می تواند بر عملکرد محیط زیست تاثیر منفی داشته باشد: نخست این که در جوامع فاسد با پرداخت رشوه و اعمال نفوذ بر تصمیم گیرندگان و تدوین گران قوانین محیط زیستی، محدودیت های اساسی بر سیاست های محیط زیستی اعمال می کند(فردریکسون و سون^۳، ۲۰۰۳).

دو این که از طریق ایجاد رشوه برای مقامات دولتی می تواند مانع از اجرای قانون و یا کسب مجوز قانونی برای متخلفان در حوزه محیط زیست شود(میلر^۴، ۲۰۱۱؛ اسمیت و والپول^۵، ۲۰۰۵).

^۱ Gani

^۲ Djanko

^۳ Fredriksson & Seven

^۴ Miller

^۵ Smith & walpole

✓ شاه آبادی و صفایی (۱۳۹۳) در تحلیلی مقایسه ای فرضیه تاثیر گسترده حکمرانی بر عملکرد جوامع در جهت حفظ و ارتقاء کیفیت محیط زیست برای دو دسته کشورهای توسعه یافته عضو GV و منتخب عضو OPEC را بررسی کرده اند. نتیجه حاکی از این بود که بهبود شاخص های حکمرانی، با میزان کیفیت عملکرد دولت ها و ملت ها در جهت حفظ محیط زیست و سلامت اکوسیستم ارتباط مستقیم دارد.

✓ مطالعه باقرزاده و آهنگری (۱۳۹۳) نشان دهنده نقش موثر و معنی دار حکمرانی خوب بر کاهش انتشار گاز CO₂ به عنوان شاخصی از آلودگی محیط زیست در کشورهای منتخب است.

✓ لشکری زاده و علی اشرفی (۱۳۹۰) با استفاده از روش داده های پانلی، آثار ۶ شاخص حکمرانی خوب در کنار سایر متغیرها را بر میزان انتشار گاز دی اکسید کربن به عنوان شاخص کیفیت محیط زیستی مورد توجه قرار دادند. نتیجه بیانگر آن بود که بهبود شاخص های حکمرانی شامل قدرت پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات، مبارزه با فساد و اثربخشی دولت می تواند شکاف بین مردم و دولت را در زمینه مسائل محیط زیستی کاهش دهد.

✓ هالکوس^۱ و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی اثر حکمرانی بر شاخص عملکرد محیط زیست (EPI) در ۳۶ منطقه از کشور انگلستان، آلمان و فرانسه پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که حکمرانی بهتر همیشه EPI بهتر را نتیجه نمی دهد.

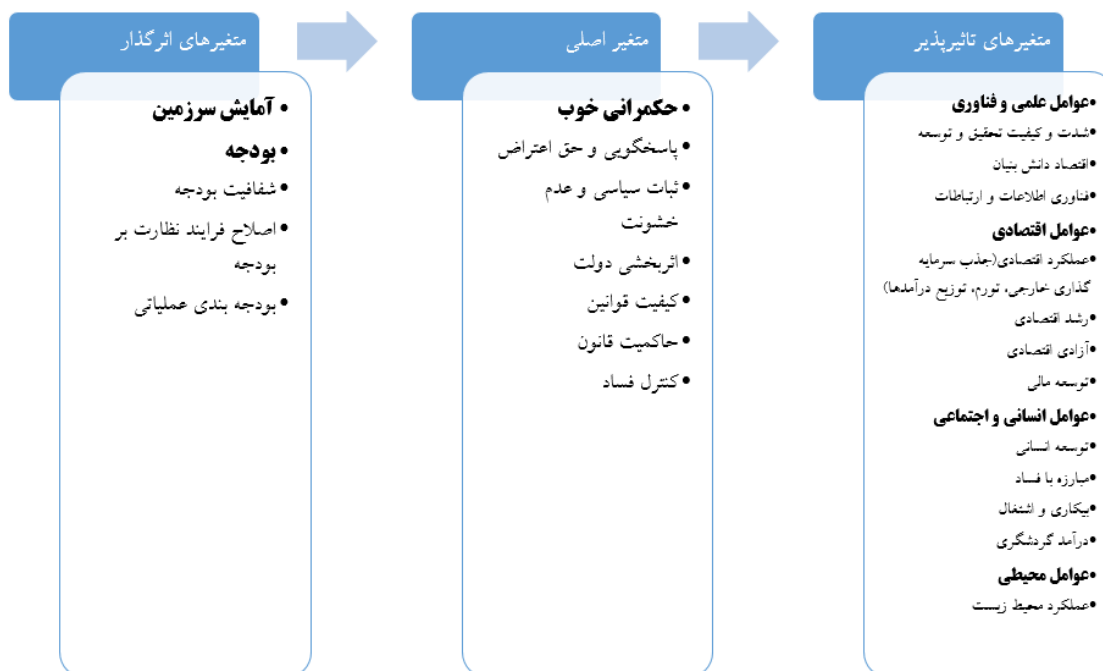
^۱ Halkos

✓ طی مطالعه گانتون و کالیک^۱ (۲۰۱۰) دو عامل قیمت انرژی و حکمرانی، علت اصلی

ایجاد تفاوت در شاخص عملکرد محیط زیست بین کشورها عنوان شده است که این دو

عامل ۴۲ درصد اختلاف در شاخص عملکرد محیط زیست را توضیح می دهند.

چکیده ادبیات تحقیق و متغیرهای بررسی شده در قالب شکل زیر ارائه شده است:



نمودار ۱: خلاصه ادبیات تحقیق و متغیرهای بررسی شده

^۱ Gunton and Calbick

فصل چهارم

تحلیل داده های گزارش

(۴) تحلیل داده های شاخص حکمرانی^۱ ۴-۱) بررسی رتبه بندی جهانی شاخص حکمرانی

(۱) پاسخگویی و حق اعتراض

جدول ۳: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض

جایگاه ایران			پایین ترین امتیازات			بالاترین امتیازات		
رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص
۱۷۷	سوازیلند	-۱/۳۲	۲۰۰	سودان جنوبی	-۱/۹۷	۱	نروژ	۱/۶۹
۱۷۸	کنگو	-۱/۳۷	۲۰۱	سوریه	-۱/۹۸	۲	سوئد	۱/۵۹
۱۷۹	ایران	-۱/۳۷	۲۰۲	ترکمنستان	-۲/۱۳	۳	فنلاند	۱/۵۹
۱۸۰	ویتنام	-۱/۳۸	۲۰۳	اریتره	-۲/۱۹	۴	دانمارک	۱/۵۸
۱۸۱	بلاروس	-۱/۴۰	۲۰۴	کره شمالی	-۲/۱۹	۵	نیوزیلند	۱/۵۷

^۱ داده های گزارش از سایت بانک جهانی به آدرس زیر اخذ شده است:

۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت

جدول ۴: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت

جایگاه ایران			پایین ترین امتیازات			بالاترین امتیازات		
رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص
۱۹۶	بوروندی	-۱/۶۵	۲۰۷	عراق	-۲/۵۶	۱	گرینلند	۱/۹۰
۱۹۷	سودان	-۱/۶۷	۲۰۸	لیبی	-۲/۵۷	۲	ایسلند	۱/۶۶
۱۹۸	ایران	-۱/۷۰	۲۰۹	افغانستان	-۲/۶۵	۳	لیختن اشتاین	۱/۶۳
۱۹۹	کنگو	-۱/۸۱	۲۱۰	سوریه	-۲/۷۳	۴	آندورا	۱/۶۲
۲۰۰	نیجریه	-۱/۹۳	۲۱۱	یمن	-۲/۷۷	۵	موناکو	۱/۵۹

۳) اثربخشی دولت

جدول ۵: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه اثربخشی دولت

جایگاه ایران			پایین ترین امتیازات			بالاترین امتیازات		
رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص
۱۴۰	پاراگوئه	-۰/۵۳	۲۰۵	لیبی	-۱/۹۲	۱	سنگاپور	۲/۲۲
۱۴۱	وانواتو	-۰/۵۵	۲۰۸	هائیتی	-۲/۰۲	۲	سوئیس	۱/۹۵
۱۴۲	ایران	-۰/۵۵	۲۰۷	سومالی	-۲/۲۴	۳	دانمارک	۱/۹۴
۱۴۳	کامبوج	-۰/۵۸	۲۰۸	یمن	-۲/۲۸	۴	فنلاند	۱/۹۳
۱۴۴	اوگاندا	-۰/۵۹	۲۰۹	سودان جنوبی	-۲/۴۵	۵	آندورا	۱/۹۱

۴) کیفیت مقررات

جدول ۶: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه کیفیت مقررات

جایگاه ایران			پایین ترین امتیازات			بالاترین امتیازات		
رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص
۱۹۳	الجزایر	-۱/۳۰	۲۰۵	سومالی	-۲/۲۰	۱	سنگاپور	۲/۱۶
۱۹۴	جمهوری آفریقای مرکزی	-۱/۳۷	۲۰۶	اریتره	-۲/۲۷	۲	هنگ کنگ	۱/۹۸
۱۹۵	ایران	-۱/۴۲	۲۰۷	لیبی	-۲/۳۵	۳	نیوزیلند	۱/۸۸
۱۹۶	زیمباوه	-۱/۴۶	۲۰۸	ونزوئلا	-۲/۳۶	۴	استرالیا	۱/۸۷
۱۹۷	کوبا	-۱/۴۹	۲۰۹	کره شمالی	-۲/۴۰	۵	هلند	۱/۸۶

۵) حاکمیت قانون

جدول ۷: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه حاکمیت قانون

جایگاه ایران			پایین ترین امتیازات			بالاترین امتیازات		
رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص
۱۵۷	روسیه	-۰/۷۲	۲۰۵	لیبی	-۱/۸۵	۱	فنلاند	۲/۰۲
۱۵۸	گابن	-۰/۷۳	۲۰۶	سودان جنوبی	-۱/۹۷	۲	نروژ	۱/۹۸
۱۵۹	ایران	-۰/۷۵	۲۰۷	سوریه	-۲/۰۸	۳	سوئیس	۱/۹۱
۱۶۰	السالوادور	-۰/۷۶	۲۰۸	ونزوئلا	-۲/۳۲	۴	سوئد	۱/۹۱
۱۶۱	ناتورو	-۰/۷۶	۲۰۹	سومالی	-۲/۳۵	۵	دانمارک	۱/۹۰

۶) کنترل فساد

جدول ۸: کشورهای دارای بالاترین و پایین ترین امتیاز و جایگاه ایران در مولفه کنترل فساد

جایگاه ایران			پایین ترین امتیازات			بالاترین امتیازات		
رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص	رتبه	کشور	امتیاز شاخص
۱۷۶/۰۰	ماداگاسکار	۱/۰۱-	۲۰۵	یمن	۱/۶۸-	۱	نیوزیلند	۲/۱۷
۱۷۷/۰۰	کومورو	۱/۰۲-	۲۰۶	سوریه	۱/۶۹-	۲	سنگاپور	۲/۱۶
۱۷۸/۰۰	ایران	۱/۰۵-	۲۰۷	سومالی	۱/۷۱-	۳	فنلاند	۲/۱۵
۱۷۹/۰۰	ازبکستان	۱/۰۵-	۲۰۸	گینه استوایی	۱/۷۲-	۴	سوئد	۲/۱۲
۱۸۰/۰۰	آنگولا	۱/۰۵-	۲۰۹	سودان جنوبی	۱/۷۷-	۵	لوکزامبورگ	۲/۱۱

همانطور که از جداول فوق مشخص است، در بیشتر شاخص ها کشورهای منطقه اسکاندیناوی به ویژه فنلاند، دانمارک و سوئیس (۳بار) و نیز سوئد و نروژ (۲بار) جزء رتبه های برتر جهانی هستند. از بین کشورهای آسیای سگاپور ۳بار و هنگ کنگ ۱ بار در بین کشورهای برتر قرار گرفته اند و از قاره اقیانوسیه نیوزیلند نیز ۳ بار در بین کشورهای برتر از لحاظ مولفه های شاخص حکمرانی جهانی واقع شده است. گرینلند و ایسلند دو کشور کوچک و کم جمعیتی هستند که توانسته اند در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت در رده های اول جهان قرار بگیرند. گرینلند یک ایالت خودمختار دانمارک با اکثریت بومی و اسکیمو واقع در قطب شمال است و ایسلند نیز شمالی ترین کشور اروپا و در دامنه مناطق قطبی شمال قرار دارد. از بین کشورهای افریقایی و امریکای جنوبی، منطقه غرب آسیا و آسیای میانه، و نیز کشورهای صنعتی و پر قدرت اروپا و اعضای دی هشت هیچ کشوری در بین کشورهای برتر مولفه های شش گانه قرار نگرفته است. در بین کشورهای قعر نشین رتبه بندی جهانی آسیا و افریقا بیشترین سهم را دارند. سوریه، یمن و کره شمالی از جمله کشورهای آسیای دارای پایین ترین نمرات هستند که به جز کره شمالی بقیه در سالهای اخیر درگیر جنگ های داخلی بوده اند و کره شمالی نیز به واسطه سبک حکومت خاص خود و تحریم های گسترده سالهای اخیر دوبار در جمع سه کشور پایینی قرار گرفته است. از قاره افریقا نیز

کشورهای سومالی، سودان جنوبی از ضعیف ترین نمرات در مولفه های شش گانه برخوردار بوده اند و هردو کشور از نبود یا ضعف دولت مرکزی و نیز درگیری های مداوم داخلی رنج می برند. لیبی استوایی کشور نفت خیز افریقایی نیز دو بار در بین کشورهای قعرنشین قرار گرفته اند که میراث حاکمیت استبدادی و نظام دیکتاتوری در گذشته و عدم تشکیل دولت متمرکز قوی و نیز جنگ های داخلی و تروریسم مهم ترین ویژگی این کشور نفت خیز است به ویژه اینکه لیبی پس از قذافی دچار درگیری های داخلی نیز بوده است. اریتره نیز دیگر کشور افریقایی است که از اتیوپی جداشده و سالها نیز درگیری های مرزی با این کشور داشته و در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض در رده های آخر جهانی قرار گرفته است. ونزوئلا و هائیتی نیز دو کشور منطقه امریکای لاتین هستند در فهرست پایین ترین نمرات قرار گرفته اند. بر خلاف ونزوئلا، نفت خیز که به خاطر حاکمیت طولانی مدت چپ گراها و تحریم های گسترده امریکا مدتی است دچار سقوط اقتصادی و هرج و مرج داخلی شده، هائیتی کشوری فقیر و فاقد منابع است و از خشونت داخلی نیز رنج می برد.

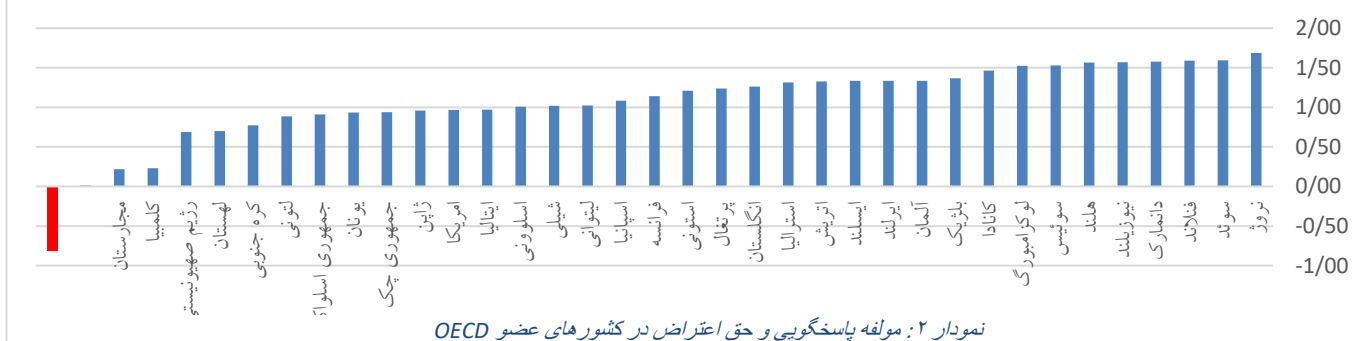
۴-۲) تحلیل داده های شاخص حکمرانی در بین کشورهای عضو OECD

۱) پاسخگویی و حق اعتراض

جدول ۹: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض

رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	نروژ	۱	۱/۶۹	۱۰۰/۰۰	۲۰	اسپانیا	۳۶	۱/۰۹	۸۲/۷۶
۲	سوئد	۲	۱/۵۹	۹۹/۵۱	۲۱	لیتوانی	۳۸	۱/۰۲	۸۱/۷۷
۳	فنلاند	۳	۱/۵۹	۹۹/۰۱	۲۲	شیلی	۳۹	۱/۰۲	۸۱/۲۸
۴	دانمارک	۴	۱/۵۸	۹۸/۵۲	۲۳	اسلونی	۴۰	۱/۰۱	۸۰/۷۹
۵	نیوزیلند	۵	۱/۵۷	۹۸/۰۳	۲۴	ایتالیا	۴۲	۰/۹۷	۷۹/۸۰
۶	هلند	۶	۱/۵۶	۹۷/۵۴	۲۵	امریکا	۴۴	۰/۹۷	۷۸/۸۲
۷	سوئیس	۷	۱/۵۳	۹۷/۰۴	۲۶	ژاپن	۴۵	۰/۹۶	۷۸/۳۳
۸	لوکزامبورگ	۸	۱/۵۲	۹۶/۵۵	۲۷	جمهوری چک	۴۶	۰/۹۴	۷۷/۸۳
۹	کانادا	۹	۱/۴۶	۹۶/۰۶	۲۸	یونان	۴۷	۰/۹۴	۷۷/۳۴
۱۰	بلژیک	۱۰	۱/۳۷	۹۵/۵۷	۲۹	جمهوری اسلواکی	۵۱	۰/۹۱	۷۵/۳۷
۱۱	آلمان	۱۱	۱/۳۴	۹۵/۰۷	۳۰	لتونی	۵۳	۰/۸۸	۷۴/۳۸
۱۲	ایرلند	۱۲	۱/۳۴	۹۴/۵۸	۳۱	کره جنوبی	۵۶	۰/۷۷	۷۲/۹۱
۱۳	ایسلند	۱۳	۱/۳۳	۹۴/۰۹	۳۲	لهستان	۶۰	۰/۷۰	۷۰/۹۴
۱۴	اتریش	۱۴	۱/۳۳	۹۳/۶۰	۳۳	رژیم صهیونیستی	۶۱	۰/۶۹	۷۰/۴۴
۱۵	استرالیا	۱۵	۱/۳۲	۹۳/۱۰	۳۴	کلمبیا	۹۲	۰/۲۳	۵۵/۱۷
۱۶	انگلستان	۲۰	۱/۲۶	۹۰/۶۴	۳۵	مجارستان	۹۳	۰/۲۲	۵۴/۶۸
۱۷	پرتغال	۲۳	۱/۲۴	۸۹/۱۶	۳۶	مکزیک	۱۱۲	۰/۰۲	۴۵/۳۲
۱۸	استونی	۲۴	۱/۲۱	۸۸/۶۷	۳۷	ترکیه	۱۵۴	-۰/۸۱	۲۴/۶۳
۱۹	فرانسه	۲۶	۱/۱۴	۸۷/۶۸	میانگین				

مولفه پاسخگویی و حق اعتراض در کشورهای عضو OECD

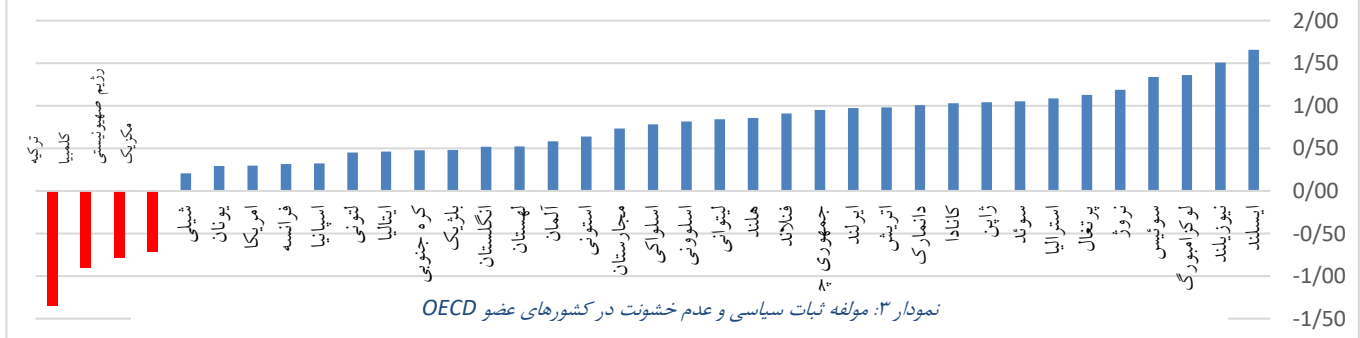


۲) مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت

جدول ۱۰: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت

رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	ایسلند	۲	۱/۶۶	۹۹/۵۲	۲۰	مجارستان	۶۱	۰/۷۳	۷۱/۴۳
۲	نیوزیلند	۷	۱/۵۱	۹۷/۱۴	۲۱	استونی	۶۸	۰/۶۴	۶۸/۱۰
۳	لوکزامبورگ	۱۰	۱/۳۶	۹۵/۷۱	۲۲	آلمان	۷۱	۰/۵۸	۶۶/۶۷
۴	سوئیس	۱۲	۱/۳۴	۹۴/۷۶	۲۳	لهستان	۷۶	۰/۵۲	۶۴/۲۹
۵	نروژ	۱۷	۱/۱۹	۹۲/۳۸	۲۴	انگلستان	۷۷	۰/۵۲	۶۳/۸۱
۶	پرتغال	۲۰	۱/۱۳	۹۰/۹۵	۲۵	بلژیک	۸۱	۰/۴۸	۶۱/۹۰
۷	استرالیا	۲۵	۱/۰۹	۸۸/۵۷	۲۶	کره جنوبی	۸۲	۰/۴۸	۶۱/۴۳
۸	سوئد	۲۹	۱/۰۵	۸۶/۶۷	۲۷	ایتالیا	۸۳	۰/۴۶	۶۰/۹۵
۹	ژاپن	۳۱	۱/۰۴	۸۵/۷۱	۲۸	لتونی	۸۵	۰/۴۵	۶۰/۰۰
۱۰	کانادا	۳۲	۱/۰۳	۸۵/۲۴	۲۹	اسپانیا	۸۷	۰/۳۲	۵۹/۰۵
۱۱	دانمارک	۳۵	۱/۰۱	۸۳/۸۱	۳۰	فرانسه	۸۸	۰/۳۱	۵۸/۵۷
۱۲	اتریش	۳۷	۰/۹۸	۸۲/۸۶	۳۱	امریکا	۹۰	۰/۳۰	۵۷/۶۲
۱۳	ایرلند	۳۸	۰/۹۷	۸۲/۳۸	۳۲	یونان	۹۱	۰/۲۹	۵۷/۱۴
۱۴	جمهوری چک	۴۲	۰/۹۵	۸۰/۴۸	۳۳	شیلی	۹۶	۰/۲۱	۵۴/۷۶
۱۵	فنلاند	۴۵	۰/۹۱	۷۹/۰۵	۳۴	مکزیک	۱۶۷	-۰/۷۱	۲۰/۹۵
۱۶	هلند	۵۲	۰/۸۶	۷۵/۷۱	۳۵	رژیم صهیونیستی	۱۷۱	-۰/۷۸	۱۹/۰۵
۱۷	لیتوانی	۵۳	۰/۸۴	۷۵/۲۴	۳۶	کلمبیا	۱۷۸	-۰/۹۰	۱۵/۷۱
۱۸	اسلونی	۵۶	۰/۸۲	۷۳/۸۱	۳۷	ترکیه	۱۹۰	-۱/۳۴	۱۰/۰۰
۱۹	اسلواکی	۵۹	۰/۷۸	۷۲/۳۸	میانگین		۶۶	۰/۶۸	۶۹/۰۲

مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت در کشورهای عضو OECD

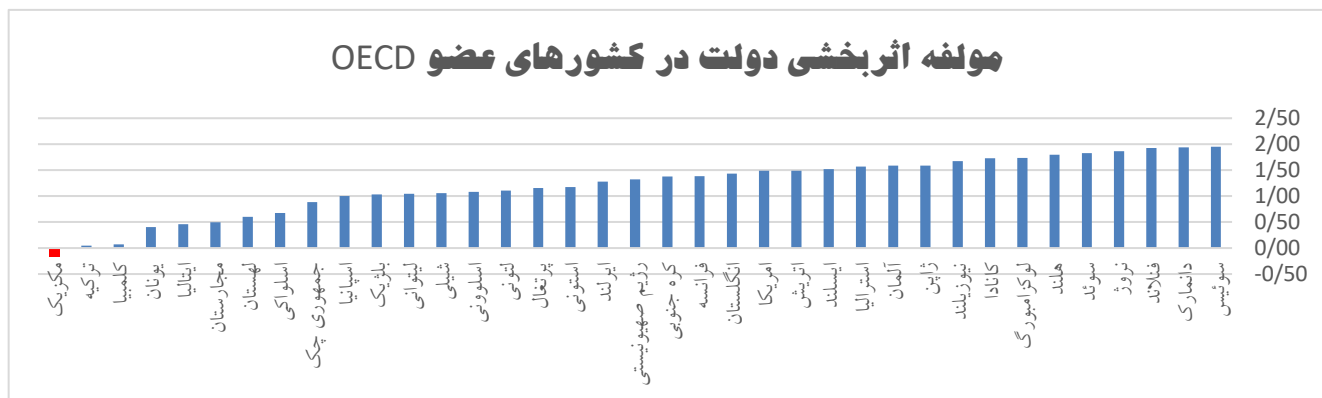


۳) مولفه اثربخشی دولت

جدول ۱۱: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه اثربخشی دولت

رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	سوئیس	۲	۱/۹۵	۹۹/۵۲	۱۹	رژیم صهیونیستی	۲۷	۱/۳۳	۸۷/۵۰
۲	دانمارک	۳	۱/۹۴	۹۹/۰۴	۱۸	اتریش	۱۸	۱/۴۹	۹۱/۸۳
۳	فنلاند	۴	۱/۹۳	۹۸/۵۶	۱۷	ایسلند	۱۷	۱/۵۲	۹۲/۳۱
۴	نروژ	۶	۱/۸۶	۹۷/۶۰	۱۶	استرالیا	۱۶	۱/۵۷	۹۲/۷۹
۵	سوئد	۷	۱/۸۳	۹۷/۱۲	۱۵	آلمان	۱۵	۱/۵۹	۹۳/۲۷
۶	هلند	۸	۱/۸۰	۹۶/۶۳	۱۴	ژاپن	۱۴	۱/۵۹	۹۳/۷۵
۷	لوکزامبورگ	۱۰	۱/۷۳	۹۵/۶۷	۱۳	نیوزیلند	۱۳	۱/۶۷	۹۴/۲۳
۸	کانادا	۱۱	۱/۷۳	۹۵/۱۹	۱۲	اسرائیل	۱۲	۱/۵۷	۹۲/۷۹
۹	نیوزیلند	۱۳	۱/۶۷	۹۴/۲۳	۱۱	امریکا	۱۱	۱/۷۳	۹۵/۱۹
۱۰	ژاپن	۱۴	۱/۵۹	۹۳/۷۵	۱۰	لوکزامبورگ	۱۰	۱/۷۳	۹۵/۶۷
۱۱	آلمان	۱۵	۱/۵۹	۹۳/۲۷	۹	نیوزیلند	۹	۱/۶۷	۹۴/۲۳
۱۲	استرالیا	۱۶	۱/۵۷	۹۲/۷۹	۸	هلند	۸	۱/۸۰	۹۶/۶۳
۱۳	ایسلند	۱۷	۱/۵۲	۹۲/۳۱	۷	سوئد	۷	۱/۸۳	۹۷/۱۲
۱۴	اتریش	۱۸	۱/۴۹	۹۱/۸۳	۶	هلند	۶	۱/۸۰	۹۶/۶۳
۱۵	امریکا	۱۹	۱/۴۹	۹۱/۳۵	۵	سوئد	۵	۱/۸۳	۹۷/۱۲
۱۶	انگلستان	۲۱	۱/۴۴	۹۰/۳۸	۴	فنلاند	۴	۱/۹۳	۹۸/۵۶
۱۷	فرانسه	۲۳	۱/۳۸	۸۹/۴۲	۳	دانمارک	۳	۱/۹۴	۹۹/۰۴
۱۸	کره جنوبی	۲۵	۱/۳۸	۸۸/۴۶	۲	سوئیس	۲	۱/۹۵	۹۹/۵۲
۱۹	میانگین	۲۷	۱/۳۳	۸۷/۵۰	۱	سوئیس	۱	۱/۹۵	۹۹/۵۲
۲۰	ایرلند	۲۰	۱/۲۸	۸۶/۵۴	۲۹	جمهوری چک	۲۹	۰/۸۹	۷۸/۳۷
۲۱	استونی	۲۱	۱/۱۷	۸۵/۵۸	۲۸	اسپانیا	۲۸	۱/۰۰	۷۹/۸۱
۲۲	پرتغال	۲۲	۱/۱۵	۸۴/۱۳	۲۷	بلژیک	۲۷	۱/۰۳	۸۰/۷۷
۲۳	لتونی	۲۳	۱/۱۱	۸۳/۶۵	۲۶	لیتوانی	۲۶	۱/۰۴	۸۱/۲۵
۲۴	اسلونی	۲۴	۱/۰۸	۸۲/۲۱	۲۵	شیلی	۲۵	۱/۰۶	۸۱/۷۳
۲۵	شیلی	۲۵	۱/۰۶	۸۱/۷۳	۳۰	اسلواکی	۳۰	۰/۶۷	۷۴/۰۴
۲۶	لیتوانی	۲۶	۱/۰۴	۸۱/۲۵	۳۱	لهستان	۳۱	۰/۶۰	۷۳/۰۸
۲۷	بلژیک	۲۷	۱/۰۳	۸۰/۷۷	۳۲	مجارستان	۳۲	۰/۵۰	۷۰/۱۹
۲۸	اسپانیا	۲۸	۱/۰۰	۷۹/۸۱	۳۳	ایتالیا	۳۳	۰/۴۶	۶۹/۲۳
۲۹	جمهوری چک	۲۹	۰/۸۹	۷۸/۳۷	۳۴	یونان	۳۴	۰/۴۱	۶۶/۸۳
۳۰	اسلواکی	۳۰	۰/۶۷	۷۴/۰۴	۳۵	کلمبیا	۳۵	۰/۰۷	۵۵/۷۷
۳۱	لهستان	۳۱	۰/۶۰	۷۳/۰۸	۳۶	ترکیه	۳۶	۰/۰۵	۵۴/۳۳
۳۲	مجارستان	۳۲	۰/۵۰	۷۰/۱۹	۳۷	مکزیک	۳۷	۰/۱۶	۴۵/۶۷
۳۳	ایتالیا	۳۳	۰/۴۶	۶۹/۲۳	۳۳	میانگین	۳۳	۱/۲۴	۸۴/۲۱

مولفه اثربخشی دولت در کشورهای عضو OECD



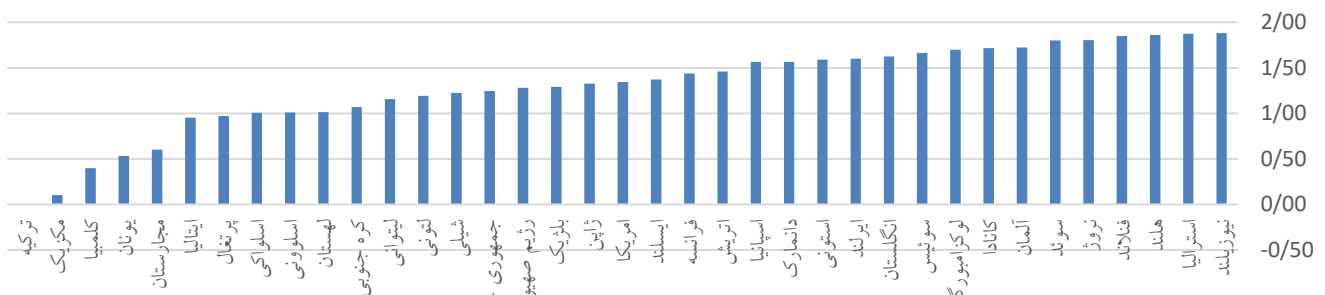
نمودار ۴: مولفه اثربخشی دولت در کشورهای عضو OECD

۴) مولفه کیفیت مقررات

جدول ۱۲: رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه کیفیت مقررات

رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	نیوزیلند	۳	۱/۸۸	۹۹/۰۴	۲۰	ژاپن	۲۶	۱/۳۳	۸۸/۴۶
۲	استرالیا	۴	۱/۸۷	۹۸/۵۶	۲۱	بلژیک	۲۸	۱/۲۹	۸۷/۵۰
۳	هلند	۵	۱/۸۶	۹۸/۰۸	۲۲	رژیم صهیونیستی	۲۹	۱/۲۸	۸۷/۰۲
۴	فنلاند	۶	۱/۸۵	۹۷/۶۰	۲۳	جمهوری چک	۳۰	۱/۲۵	۸۶/۵۴
۵	نروژ	۷	۱/۸۰	۹۷/۱۲	۲۴	شیلی	۳۵	۱/۲۲	۸۴/۱۳
۶	سوئد	۸	۱/۸۰	۹۶/۶۳	۲۵	لتونی	۳۶	۱/۱۹	۸۳/۶۵
۷	آلمان	۹	۱/۷۲	۹۶/۱۵	۲۶	لیتوانی	۳۷	۱/۱۶	۸۳/۱۷
۸	کانادا	۱۰	۱/۷۲	۹۵/۶۷	۲۷	کره جنوبی	۳۹	۱/۰۷	۸۲/۲۱
۹	لوکزامبورگ	۱۱	۱/۷۰	۹۵/۱۹	۲۸	لهستان	۴۰	۱/۰۱	۸۱/۲۵
۱۰	سوئیس	۱۲	۱/۶۶	۹۴/۷۱	۲۹	اسلونی	۴۲	۱/۰۱	۸۰/۲۹
۱۱	انگلستان	۱۴	۱/۶۳	۹۳/۷۵	۳۰	اسلواکی	۴۳	۱/۰۱	۷۹/۸۱
۱۲	ایرلند	۱۵	۱/۶۰	۹۳/۲۷	۳۱	پرتغال	۴۷	۰/۹۷	۷۷/۸۸
۱۳	استونی	۱۶	۱/۵۹	۹۲/۷۹	۳۲	ایتالیا	۴۹	۰/۹۵	۷۶/۹۲
۱۴	دانمارک	۱۷	۱/۵۷	۹۲/۳۱	۳۳	مجارستان	۵۸	۰/۶۰	۷۲/۶۰
۱۵	اسپانیا	۱۸	۱/۵۷	۹۲/۳۱	۳۴	یونان	۶۲	۰/۵۳	۷۰/۶۷
۱۶	اتریش	۲۰	۱/۴۶	۹۱/۳۵	۳۵	کلمبیا	۷۱	۰/۴۰	۶۶/۳۵
۱۷	فرانسه	۲۱	۱/۴۴	۹۰/۸۷	۳۶	مکزیک	۸۵	۰/۱۰	۵۹/۶۲
۱۸	ایسلند	۲۳	۱/۳۷	۸۹/۹۰	۳۷	ترکیه	۹۵	۰/۰۱	۵۴/۸۱
۱۹	امریکا	۲۵	۱/۳۵	۸۸/۹۴	میانگین		۲۹	۱/۳۳	۸۶/۴۱

مولفه کیفیت مقررات در کشورهای عضو OECD

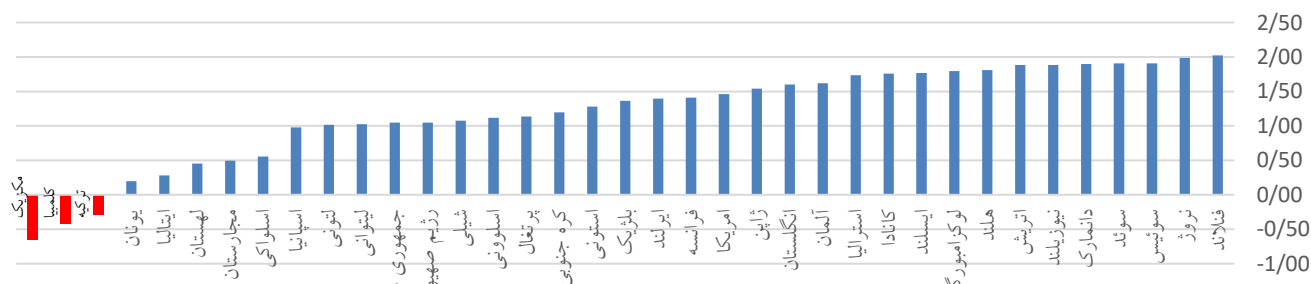


۵) حاکمیت قانون

جدول ۱۳ رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه حاکمیت قانون

رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	فنلاند	۱	۲/۰۲	۱۰۰/۰۰	۱۹	بلژیک	۲۵	۱/۳۶	۸۸/۴۶
۲	نروژ	۲	۱/۹۸	۹۹/۵۲	۱۸	ایرلند	۲۴	۱/۳۹	۸۸/۹۴
۳	سوئیس	۳	۱/۹۱	۹۹/۰۴	۱۷	فرانسه	۲۳	۱/۴۱	۸۹/۴۲
۴	سوئد	۴	۱/۹۱	۹۸/۵۶	۱۶	امریکا	۲۲	۱/۴۶	۸۹/۹۰
۵	دانمارک	۵	۱/۹۰	۹۸/۰۸	۱۵	ژاپن	۲۱	۱/۵۴	۹۰/۳۸
۶	نیوزیلند	۶	۱/۸۸	۹۷/۶۰	۱۴	انگلستان	۱۹	۱/۶۰	۹۱/۳۵
۷	اتریش	۷	۱/۸۸	۹۷/۱۲	۱۳	آلمان	۱۷	۱/۶۲	۹۲/۳۱
۸	هلند	۹	۱/۸۱	۹۶/۱۵	۱۲	استرالیا	۱۵	۱/۷۳	۹۳/۲۷
۹	لوکزامبورگ	۱۰	۱/۷۹	۹۵/۶۷	۱۱	ایسلند	۱۱	۱/۷۷	۹۵/۱۹
۱۰	ایسلند	۱۱	۱/۷۷	۹۵/۱۹	۱۰	کانادا	۱۲	۱/۷۶	۹۴/۷۱
۱۱	کانادا	۱۲	۱/۷۶	۹۴/۷۱	۹	لوکزامبورگ	۱۰	۱/۷۹	۹۵/۶۷
۱۲	استرالیا	۱۵	۱/۷۳	۹۳/۲۷	۸	هلند	۹	۱/۸۱	۹۶/۱۵
۱۳	آلمان	۱۷	۱/۶۲	۹۲/۳۱	۷	اتریش	۷	۱/۸۸	۹۷/۱۲
۱۴	انگلستان	۱۹	۱/۶۰	۹۱/۳۵	۶	نیوزیلند	۶	۱/۸۸	۹۷/۶۰
۱۵	ژاپن	۲۱	۱/۵۴	۹۰/۳۸	۵	دانمارک	۵	۱/۹۰	۹۸/۰۸
۱۶	امریکا	۲۲	۱/۴۶	۸۹/۹۰	۴	سوئد	۴	۱/۹۱	۹۸/۵۶
۱۷	فرانسه	۲۳	۱/۴۱	۸۹/۴۲	۳	سوئیس	۳	۱/۹۱	۹۹/۰۴
۱۸	ایرلند	۲۴	۱/۳۹	۸۸/۹۴	۲	نروژ	۲	۱/۹۸	۹۹/۵۲
۱۹	بلژیک	۲۵	۱/۳۶	۸۸/۴۶	۱	فنلاند	۱	۲/۰۲	۱۰۰/۰۰
	میانگین								
		۳۶	۱/۲۵	۸۲/۸۴					
		۳۷	۲۷/۴۰	-۰/۷۶					
		۳۶	۳۸/۴۶	-۰/۴۲					
		۱۱۶	۴۴/۷۱	-۰/۲۸					
		۸۳	۶۰/۵۸	-۰/۲۰					
		۸۱	۶۱/۵۴	-۰/۲۸					
		۷۱	۶۶/۳۵	-۰/۴۵					
		۶۷	۶۸/۲۷	-۰/۴۹					
		۶۱	۷۱/۱۵	-۰/۵۶					
		۴۲	۸۰/۲۹	-۰/۹۸					
		۴۱	۸۰/۷۷	۱/۰۱					
		۴۰	۸۱/۲۵	۱/۰۲					
		۳۹	۸۱/۷۳	۱/۰۵					
		۳۸	۸۲/۲۱	۱/۰۵					
		۳۷	۸۲/۶۹	۱/۰۷					
		۳۴	۸۴/۱۳	۱/۱۲					
		۳۳	۸۴/۶۲	۱/۱۴					
		۳۰	۸۶/۰۶	۱/۱۹					
		۲۸	۸۷/۰۲	۱/۲۸					
		۲۰	۸۷/۰۲	۱/۲۸					

مولفه حاکمیت قانون در کشورهای عضو OECD

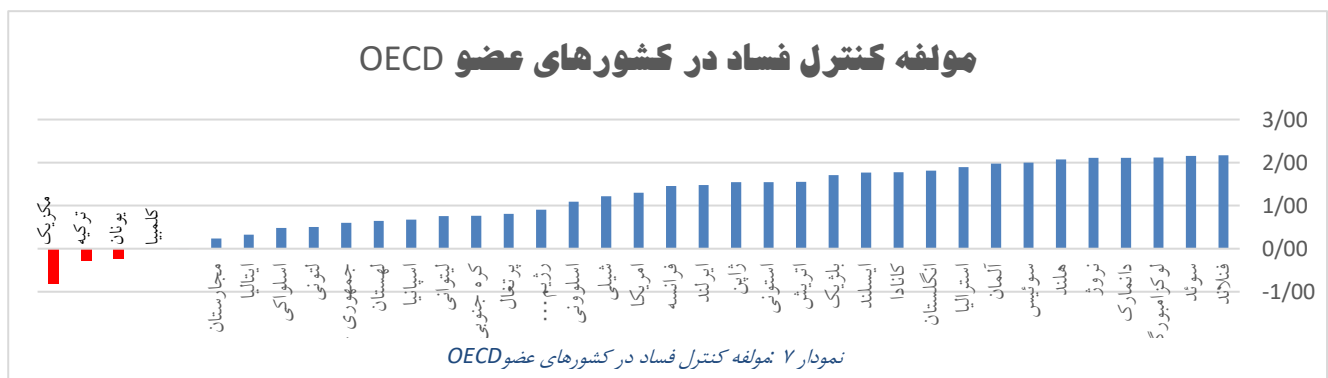


۶) مولفه کنترل فساد

جدول ۱۴ رتبه بندی کشورهای عضو OECD در مولفه کنترل فساد

رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای OECD	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۲۰	امریکا	۳۳	۱/۲۲	۸۴/۶۲	۱	نیوزیلند	۱	۲/۱۷	۱۰۰/۰۰
۲۱	شیلی	۳۶	۱/۰۹	۸۳/۱۷	۲	فنلاند	۳	۲/۱۵	۹۹/۰۴
۲۲	اسلونی	۴۲	۰/۹۱	۸۰/۲۹	۳	سوئد	۴	۲/۱۲	۹۸/۵۶
۲۳	رژیم صهیونیستی	۴۵	۰/۸۱	۷۸/۸۵	۴	لوکزامبورگ	۵	۲/۱۱	۹۸/۰۸
۲۴	پرتغال	۴۸	۰/۷۶	۷۷/۴۰	۵	دانمارک	۶	۲/۱۱	۹۷/۶۰
۲۵	کره جنوبی	۴۹	۰/۷۶	۷۶/۹۲	۶	نروژ	۷	۲/۰۷	۹۷/۱۲
۲۶	لیتوانی	۵۴	۰/۶۸	۷۴/۵۲	۷	هلند	۸	۲/۰۰	۹۶/۶۳
۲۷	اسپانیا	۵۶	۰/۶۵	۷۳/۵۶	۸	سوئیس	۹	۱/۹۸	۹۶/۱۵
۲۸	لهستان	۶۱	۰/۶۰	۷۱/۱۵	۹	آلمان	۱۱	۱/۹۰	۹۵/۱۹
۲۹	جمهوری چک	۶۶	۰/۵۱	۶۸/۷۵	۱۰	استرالیا	۱۳	۱/۸۱	۹۴/۲۳
۳۰	لتونی	۶۷	۰/۴۸	۶۸/۲۷	۱۱	انگلستان	۱۴	۱/۷۷	۹۳/۷۵
۳۱	اسلواکی	۷۵	۰/۳۳	۶۴/۴۲	۱۲	کانادا	۱۵	۱/۷۷	۹۳/۲۷
۳۲	ایتالیا	۸۰	۰/۲۴	۶۲/۰۲	۱۳	ایسلند	۱۶	۱/۷۱	۹۲/۷۹
۳۳	مجارستان	۸۹	۰/۰۰	۵۷/۶۹	۱۴	بلژیک	۱۹	۱/۵۵	۹۱/۳۵
۳۴	یونان	۹۲	--/۰۱	۵۶/۲۵	۱۵	اتریش	۲۰	۱/۵۵	۹۰/۸۷
۳۵	کلمبیا	۱۰۹/۰۰	--/۲۳	۴۸/۰۸	۱۶	استونی	۲۱	۱/۵۴	۹۰/۳۸
۳۶	ترکیه	۱۱۶	--/۲۹	۴۴/۷۱	۱۷	ژاپن	۲۲	۱/۴۸	۸۹/۹۰
۳۷	مکزیک	۱۶۲	--/۸۲	۲۲/۶۰	۱۸	ایرلند	۲۳	۱/۴۶	۸۹/۴۲
میانگین		۴۱	۱/۱۴	۸۰/۷۲	۱۹	فرانسه	۲۴	۱/۳۰	۸۸/۹۴

مولفه کنترل فساد در کشورهای عضو OECD



تفسیر داده ها در کشورهای عضو OECD

کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه شامل ۲۷ کشور اروپایی، ۳ کشور آسیایی، پنج کشور از قاره آمریکا و دو کشور از قاره اقیانوسیه است. تحلیل داده های شاخص جهانی حکمرانی در خصوص کشورهای عضو این سازمان نشان می دهد در بیشتر مولفه های شش گانه کشورهای منطقه اسکاندیناوی دارای بالاترین امتیازها هستند. چنانکه در تحلیل داده های جهانی نیز عنوان شد نروژ و فنلاند از بالاترین نمرات در شاخص های حکمرانی برخوردارند. سوئد، سوئیس، لوکزامبورگ و دانمارک نیز جزء کشورهای این منطقه و شمال اروپا هستند که در چندی از مولفه ها در زمره کشورهای برتر این سازمان قرار گرفته اند. از بین کشورهای اروپایی ایسلند نیز در مولفه ثبات سیاسی توانسته است در زمره کشورهای برتر OECD قرار بگیرد. از بین کشورهای غیر اروپایی نیوزلند در بیشتر مولفه ها جزء کشورهای برتر OECD و کشورهای برتر جهان است. استرالیا نیز در مولفه کیفیت مقررات جزء کشورهای برتر OECD است. رتبه های پایین رده بندی کشورهای OECD در شاخص حکمرانی خوب عمدتاً متعلق به یونان، ترکیه و مکزیک و کلمبیا است که در دو مورد مجارستان و رژیم صهیونیستی نیز در سه کشور آخر اعضای سازمان شده اند. به طور کلی به نظر می رسد در قاره اروپا هرچی از منطقه اسکاندیناوی و اروپای شمالی و غربی به سمت منطقه اروپای شرقی و جنوبی حرکت می کنیم از کیفیت حکمرانی کشورها بر اساس این رتبه بندی کاسته می شود به طوری که در قریب به اتفاق مولفه ها، کشورهای اروپای شمالی و غربی در نیمه اول جدول و کشورهای اروپای جنوبی و شرقی در نیمه دوم جدول قرار می گیرند. در بین کشورهای آسیایی به جز ترکیه که در مورد جایگاه آن اشاره شد، ژاپن و کره جنوبی نیز در سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه حضور دارند که در مجموع وضعیت ژاپن از کره جنوبی مناسب تر است و این کشور در بیشتر مولفه در نیمه اول جدول قرار می گیرد حال آنکه کره جنوبی در بیشتر مولفه ها رتبه ای بین ۲۰ تا ۳۰ در بین کشورهای عضو OECD دارد. در بین کشورهای قاره اقیانوسیه به جز نیوزلند که در بیشتر مولفه ها دارای رتبه برتر جهانی است استرالیا نیز در همه مولفه ها جزء ۱۵ کشور برتر OECD محسوب می شود. دو کشور دیگر قاره آمریکا یعنی ایالات

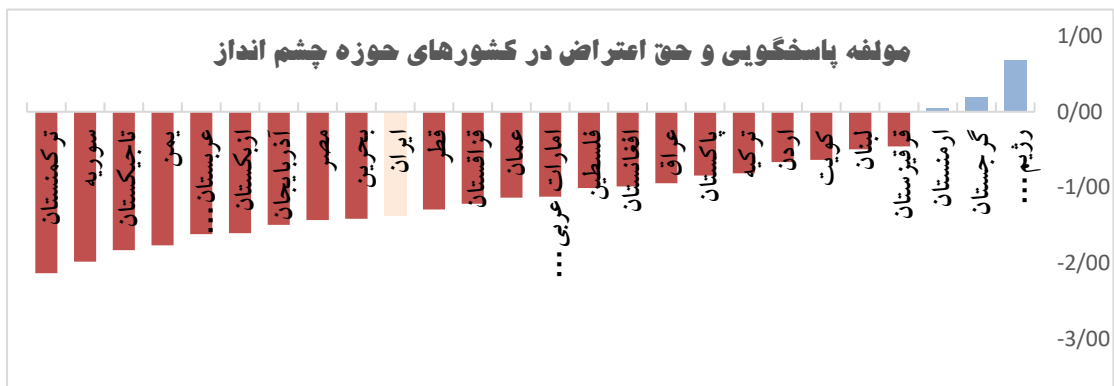
متحده و شیلی نیز در بیشتر شاخص ها جزء کشورهای میانه جدول رده بندی اعضای OECD به شمار می روند. نکته مهم در خصوص این کشورها بالا بودن میانگین امتیاز و میانگین رنک جهانی آنها در مقایسه با میانگین جهانی است و عموماً جزء کشورهای متوسط و رو به بالای جهان در شاخص حکمرانی قرار گرفته اند.

۴-۳) تحلیل داده های شاخص حکمرانی در بین کشورهای حوزه سند چشم انداز

۱) پاسخگویی و حق اعتراض

جدول ۱۵: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض

رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	رژیم صهیونیستی	۶۱	۰/۶۹	۷۰/۴۴	۲۶	ترکمنستان	۲۰۲	-۲/۱۳	۰/۹۹
۲	گرجستان	۹۶	۰/۲۰	۵۳/۲۰	۲۵	سوریه	۲۰۱	-۱/۹۸	۱/۴۸
۳	ارمنستان	۱۰۷	۰/۰۵	۴۷/۷۸	۲۴	تاجیکستان	۱۹۷	-۱/۸۳	۳/۴۵
۴	قرقیزستان	۱۳۶	-۰/۴۶	۳۳/۵۰	۲۳	یمن	۱۹۵	-۱/۷۷	۴/۴۳
۵	لبنان	۱۳۸	-۰/۴۹	۳۲/۵۱	۲۲	عربستان سعودی	۱۹۲	-۱/۶۲	۵/۹۱
۶	کویت	۱۴۵	-۰/۶۳	۲۹/۰۶	۲۱	ازبکستان	۱۹۰	-۱/۶۱	۶/۹۰
۷	اردن	۱۴۶	-۰/۶۷	۲۸/۵۷	۲۰	آذربایجان	۱۸۹	-۱/۴۹	۷/۳۹
۸	ترکیه	۱۵۴	-۰/۸۱	۲۴/۶۳	۱۹	مصر	۱۸۷	-۱/۴۳	۸/۳۷
۹	پاکستان	۱۵۷	-۰/۸۴	۲۳/۱۵	۱۸	بحرین	۱۸۴	-۱/۴۱	۹/۸۵
۱۰	عراق	۱۵۸	-۰/۹۵	۲۲/۶۶	۱۷	ایران	۱۷۹	-۱/۳۷	۱۲/۳۲
۱۱	افغانستان	۱۶۰	-۰/۹۹	۲۱/۶۷	۱۶	قطر	۱۷۶	-۱/۲۹	۱۳/۷۹
۱۲	فلسطین	۱۶۱	-۱/۰۱	۲۱/۱۸	۱۵	فراقستان	۱۷۴	-۱/۲۱	۱۴/۷۸
۱۳	امارات عربی متحده	۱۶۸	-۱/۱۲	۱۷/۷۳	۱۴	عمان	۱۶۹	-۱/۱۴	۱۷/۲۴
میانگین				۱۶۲/۴۸	-۱/۰۵	۲۰/۵۰			



نمودار ۸: مولفه پاسخگویی و حق اعتراض در کشورهای منطقه

۲) مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت

جدول ۱۶: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت

رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	قطر	۶۴	۰/۷۰	۷۰/۰۰	۱۴	بحرین	۱۶۴	-۰/۶۶	۲۲/۳۸
۲	امارات متحده عربی	۶۵	۰/۷۰	۶۹/۵۲	۱۵	آذربایجان	۱۶۵	-۰/۶۸	۲۱/۹۰
۳	عمان	۷۰	۰/۵۹	۶۷/۱۴	۱۶	رژیم صهیونیستی	۱۷۱	-۰/۷۸	۱۹/۰۵
۴	کویت	۹۷	۰/۲۰	۵۴/۲۹	۱۷	مصر	۱۸۴	-۱/۰۷	۱۲/۸۶
۵	قزاقستان	۱۱۵	-۰/۰۸	۴۵/۷۱	۱۸	ترکیه	۱۹۰	-۱/۳۴	۱۰/۰۰
۶	ترکمنستان	۱۱۷	-۰/۰۹	۴۴/۷۶	۱۹	لبنان	۱۹۵	-۱/۶۴	۷/۶۲
۷	ازبکستان	۱۳۵	-۰/۲۷	۳۶/۱۹	۲۰	ایران	۱۹۸	-۱/۷۰	۶/۱۹
۸	اردن	۱۴۱	-۰/۳۶	۳۳/۳۳	۲۱	فلسطین	۲۰۱	-۱/۹۴	۴/۷۶
۹	قرقیزستان	۱۴۸	-۰/۴۱	۳۰/۰۰	۲۲	پاکستان	۲۰۴	-۲/۲۵	۳/۳۳
۱۰	عربستان سعودی	۱۴۹	-۰/۴۳	۲۹/۵۲	۲۳	عراق	۲۰۷	-۲/۵۶	۱/۹۰
۱۱	گرجستان	۱۵۰	-۰/۴۵	۲۹/۰۵	۲۴	افغانستان	۲۱۰	-۲/۶۵	۰/۹۵
۱۲	ارمنستان	۱۵۳	-۰/۵۱	۲۷/۶۲	۲۵	سوریه	۲۰۹	-۲/۷۳	۰/۴۸
۱۳	تاجیکستان	۱۶۱	-۰/۵۸	۲۳/۸۱	۲۶	یمن	۲۱۱	-۲/۷۷	۰/۰۰
میانگین		۱۵۶/۶۹	-۰/۹۱	۱۷/۵۵					

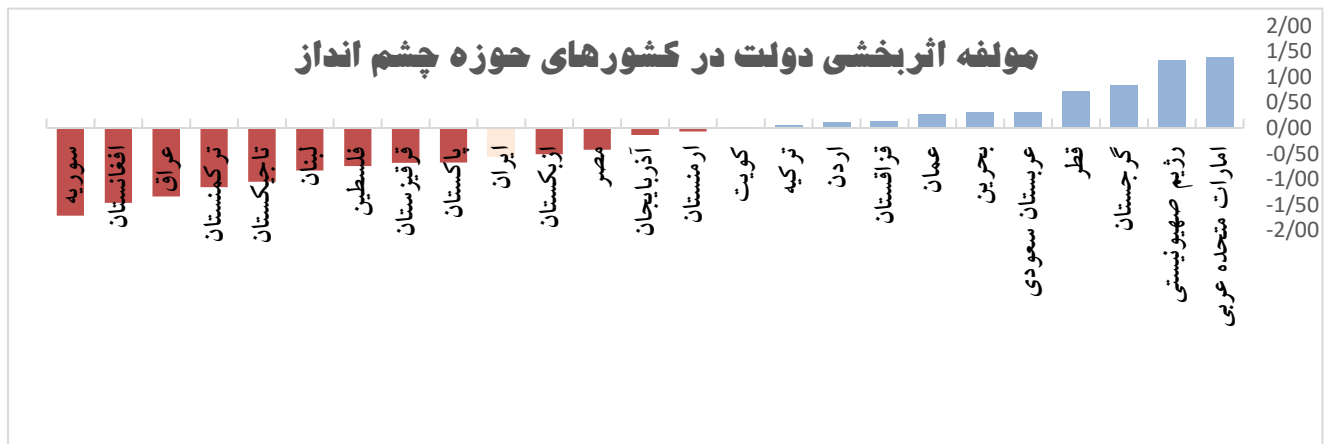


نمودار ۹: مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت در کشورهای منطقه

۳) مولفه اثربخشی دولت

جدول ۱۷: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه اثربخشی دولت

رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	امارات متحده عربی	۲۴	۱/۳۸	۸۸/۹۴	۱۴	مصر	۱۳۳	-۰/۴۲	۳۶/۵۴
۲	رژیم صهیونیستی	۲۷	۱/۳۳	۸۷/۵۰	۱۵	ازبکستان	۱۳۸	-۰/۵۱	۳۴/۱۳
۳	گرجستان	۴۹	۰/۸۳	۷۶/۹۲	۱۶	ایران	۱۴۲	-۰/۵۵	۳۲/۲۱
۴	قطر	۵۳	۰/۷۱	۷۵/۰۰	۱۷	پاکستان	۱۵۵	-۰/۶۸	۲۵/۹۶
۵	عربستان سعودی	۷۵	۰/۳۱	۶۴/۴۲	۱۸	قرقیزستان	۱۵۷	-۰/۶۸	۲۵/۰۰
۶	بحرین	۷۶	۰/۳۰	۶۳/۹۴	۱۹	فلسطین	۱۶۱	-۰/۷۴	۲۳/۰۸
۷	عمان	۷۹	۰/۲۶	۶۲/۵۰	۲۰	لبنان	۱۷۲	-۰/۸۳	۱۷/۷۹
۸	قزاقستان	۸۹	۰/۱۲	۵۷/۶۹	۲۱	تاجیکستان	۱۷۹	-۱/۰۵	۱۴/۴۲
۹	اردن	۹۱	۰/۱۰	۵۶/۷۳	۲۲	ترکمنستان	۱۸۶	-۱/۱۶	۱۱/۰۶
۱۰	ترکیه	۹۶	۰/۰۵	۵۴/۳۳	۲۳	عراق	۱۸۹	-۱/۳۴	۹/۶۲
۱۱	کویت	۹۹	۰/۰۲	۵۲/۸۸	۲۴	افغانستان	۱۹۴	-۱/۴۶	۷/۲۱
۱۲	ارمنستان	۱۰۵	-۰/۰۷	۵۰/۰۰	۲۵	سوریه	۲۰۲	-۱/۷۱	۳/۳۷
۱۳	آذربایجان	۱۱۳	-۰/۱۴	۴۶/۱۵	۲۶	یمن	۲۰۸	-۲/۲۸	۰/۴۸
میانگین				۱۲۱/۷۷	-۰/۳۲	۴۱/۴۶			



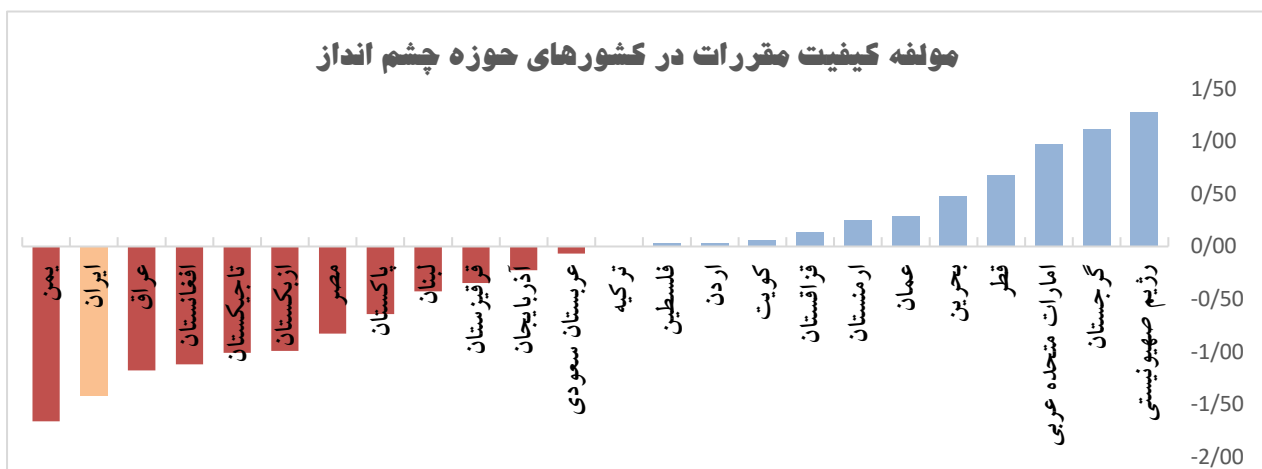
نمودار ۱۰: مولفه اثربخشی دولت در کشورهای منطقه

۴) مولفه کیفیت مقررات

جدول ۱۸: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه کیفیت مقررات

رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدمه جهانی	رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدمه جهانی
۱	رژیم صهیونیستی	۲۹	۱/۲۸	۸۷/۰۲	۱۴	آذربایجان	۱۱۸	-۰/۲۳	۴۳/۷۵
۲	گرجستان	۳۸	۱/۱۲	۸۲/۶۹	۱۵	قرقیزستان	۱۲۹	-۰/۳۵	۳۸/۴۶
۳	امارات متحده عربی	۴۶	۰/۹۸	۷۸/۳۷	۱۶	لبنان	۱۳۳	-۰/۴۳	۳۶/۵۴
۴	قطر	۵۵	۰/۶۸	۷۴/۰۴	۱۷	پاکستان	۱۵۲	-۰/۶۴	۲۷/۴۰
۵	بحرین	۶۸	۰/۴۹	۶۷/۷۹	۱۸	مصر	۱۷۰	-۰/۸۳	۱۸/۷۵
۶	عمان	۷۵	۰/۲۹	۶۴/۴۲	۱۹	ازبکستان	۱۸۲	-۰/۹۹	۱۲/۹۸
۷	ارمنستان	۷۷	۰/۲۵	۶۳/۴۶	۲۰	تاجیکستان	۱۸۴	-۱/۰۱	۱۲/۰۲
۸	قزاقستان	۸۲	۰/۱۴	۶۱/۰۶	۲۱	افغانستان	۱۸۸	-۱/۱۲	۱۰/۱۰
۹	کویت	۸۹	۰/۰۶	۵۷/۶۹	۲۲	عراق	۱۸۹	-۱/۱۸	۹/۶۲
۱۰	اردن	۹۰	۰/۰۳	۵۷/۲۱	۲۳	ایران	۱۹۵	-۱/۴۲	۶/۷۳
۱۱	فلسطین	۹۱	۰/۰۳	۵۶/۷۳	۲۴	یمن	۲۰۰	-۱/۶۶	۴/۳۳
۱۲	ترکیه	۹۵	-۰/۰۱	۵۴/۸۱	۲۵	سوریه	۲۰۲	-۱/۷۶	۳/۳۷
۱۳	عربستان سعودی	۱۰۱	-۰/۰۷	۵۱/۹۲	۲۶	ترکمنستان	۲۰۳	-۱/۹۶	۲/۸۸
میانگین			۱۲۲/۳۵	-۰/۳۲	۴۱/۷۰				

مولفه کیفیت مقررات در کشورهای حوزه چشم انداز



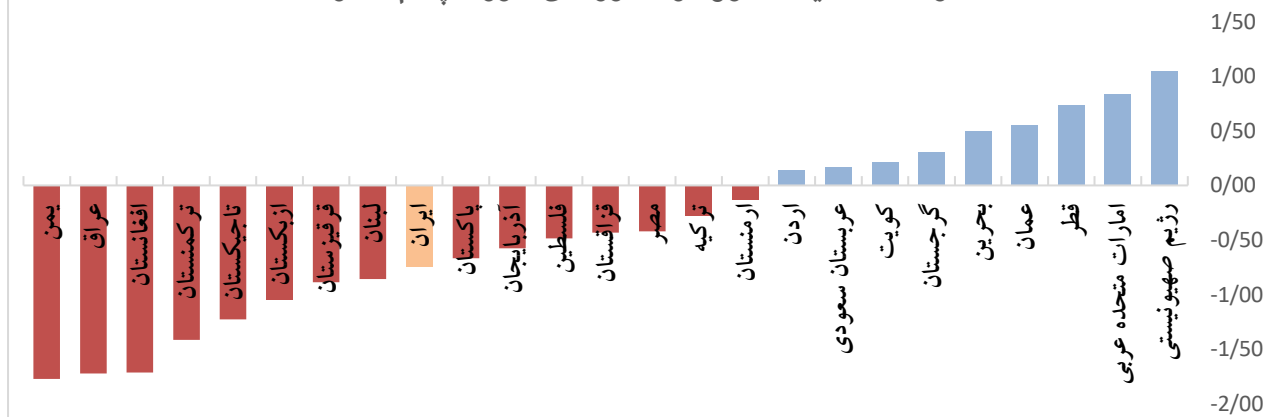
نمودار ۱۱: مولفه کیفیت مقررات در کشورهای منطقه

۵) مولفه حاکمیت قانون

جدول ۱۹: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه حاکمیت قانون

رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی	رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدک جهانی
۱	رژیم صهیونیستی	۳۸	۱/۰۵	۸۲/۲۱	۱۴	فلسطین	۱۳۹	-۰/۴۹	۳۳/۶۵
۲	امارات متحده عربی	۴۷	۰/۸۴	۷۷/۸۸	۱۵	آذربایجان	۱۴۶	-۰/۵۸	۳۰/۲۹
۳	قطر	۵۲	۰/۷۳	۷۵/۴۸	۱۶	پاکستان	۱۵۴	-۰/۶۷	۲۶/۴۴
۴	عمان	۶۲	۰/۵۵	۷۰/۶۷	۱۷	ایران	۱۵۹	-۰/۷۵	۲۴/۰۴
۵	بحرین	۶۶	۰/۴۹	۶۸/۷۵	۱۸	لبنان	۱۶۵	-۰/۸۶	۱۹/۷۱
۶	گرجستان	۸۰	۰/۳۱	۶۲/۰۲	۱۹	قرقیزستان	۱۶۹	-۰/۸۹	۱۹/۲۳
۷	کویت	۸۲	۰/۲۲	۶۱/۰۶	۲۰	ازبکستان	۱۷۹	-۱/۰۵	۱۴/۴۲
۸	عربستان سعودی	۸۷	۰/۱۷	۵۸/۶۵	۲۱	تاجیکستان	۱۹۱	-۱/۲۳	۸/۶۵
۹	اردن	۸۸	۰/۱۴	۵۸/۱۷	۲۲	ترکمنستان	۱۹۵	-۱/۴۱	۶/۷۳
۱۰	ارمنستان	۱۰۷	-۰/۱۳	۴۹/۰۴	۲۳	افغانستان	۲۰۰	-۱/۷۱	۴/۳۳
۱۱	ترکیه	۱۱۶	-۰/۲۸	۴۴/۷۱	۲۴	عراق	۲۰۱	-۱/۷۲	۳/۸۵
۱۲	مصر	۱۳۰	-۰/۴۲	۳۷/۹۸	۲۵	یمن	۲۰۳	-۱/۷۷	۲/۸۸
۱۳	قزاقستان	۱۳۴	-۰/۴۳	۳۶/۰۶	۲۶	سوریه	۲۰۷	-۲/۰۸	۰/۹۶
میانگین					۱۳۰/۶۵	-۰/۴۶	۳۷/۶۱		

مولفه حاکمیت قانون در کشورهای حوزه چشم انداز



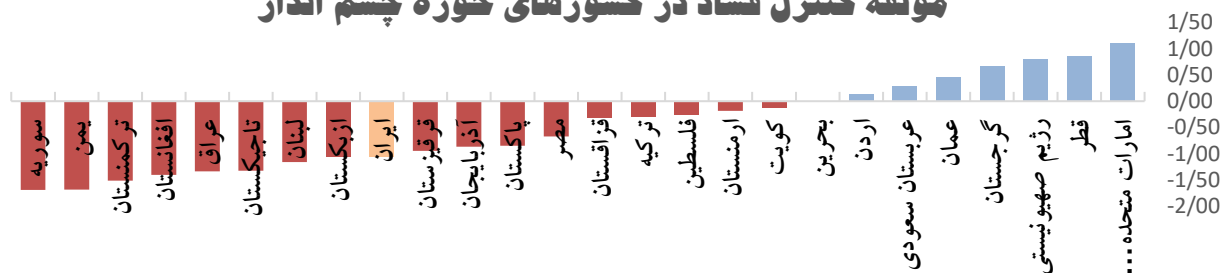
نمودار ۱۲: مولفه حاکمیت قانون در کشورهای منطقه

۶) مولفه کنترل فساد

جدول ۲۰: رتبه بندی و امتیاز کشورهای منطقه در مولفه کنترل فساد

رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدمه جهانی	رتبه در بین کشورهای منطقه	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز شاخص	صدمه جهانی
۱	امارات متحده عربی	۳۵	۱/۱۱	۸۳/۶۵	۱۴	مصر	۱۵۱	-۰/۶۷	۲۷/۸۸
۲	قطر	۴۴	۰/۸۵	۷۹/۳۳	۱۵	پاکستان	۱۶۵	-۰/۸۵	۲۱/۱۵
۳	رژیم صهیونیستی	۴۵	۰/۸۱	۷۸/۸۵	۱۶	آذربایجان	۱۶۸	-۰/۸۷	۱۹/۷۱
۴	گرجستان	۵۵	۰/۶۷	۷۴/۰۴	۱۷	قرقیزستان	۱۷۳	-۰/۹۵	۱۷/۳۱
۵	عمان	۶۹	۰/۴۵	۶۷/۳۱	۱۸	ایران	۱۷۸	-۱/۰۵	۱۴/۹۰
۶	عربستان سعودی	۷۸	۰/۲۷	۶۲/۹۸	۱۹	ازبکستان	۱۷۹	-۱/۰۵	۱۴/۴۲
۷	اردن	۸۳	۰/۱۳	۶۰/۵۸	۲۰	لبنان	۱۸۴	-۱/۱۶	۱۲/۰۲
۸	بحرین	۹۱	-۰/۰۱	۵۶/۷۳	۲۱	تاجیکستان	۱۹۰	-۱/۳۲	۹/۱۳
۹	کویت	۱۰۳	-۰/۱۳	۵۰/۹۶	۲۲	عراق	۱۹۱	-۱/۳۴	۸/۶۵
۱۰	ارمنستان	۱۰۵	-۰/۱۸	۵۰/۰۰	۲۳	افغانستان	۱۹۵	-۱/۴۰	۶/۷۳
۱۱	فلسطین	۱۱۲	-۰/۲۶	۴۶/۶۳	۲۴	ترکمنستان	۲۰۱	-۱/۵۱	۳/۸۵
۱۲	ترکیه	۱۱۶	-۰/۲۹	۴۴/۷۱	۲۵	یمن	۲۰۵	-۱/۶۸	۱/۹۲
۱۳	قزاقستان	۱۱۸	-۰/۳۲	۴۳/۷۵	۲۶	سوریه	۲۰۶	-۱/۶۹	۱/۴۴
میانگین				۱۳۲	-۰/۴۸	۳۶/۸۷			

مولفه کنترل فساد در کشورهای حوزه چشم انداز



نمودار ۱۳: مولفه کنترل فساد در کشورهای منطقه

تحلیل داده ها در کشورهای حوزه سند چشم انداز

در این گزارش، کشورهای منطقه غرب آسیا و حاشیه خلیج فارس (۱۷ کشور)، آسیای میانه (۸ کشور) و کشور مصر از قاره آفریقا در مجموع ۲۶ کشور به عنوان کشورهای مدنظر در سند چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۴ منظور شده اند و داده های مولفه های شش گانه حکمرانی در خصوص آنها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در بین کشورهای برتر این حوزه نام امارات متحده عربی، قطر و عمان از حاشیه خلیج فارس، گرجستان در آسیای میانه و رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا و حاشیه دریای مدیترانه بیشتر تکرار شده است. البته رژیم صهیونیستی در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت جایگاه منطقه ای و جهانی مناسبی ندارد ولی در سایر مولفه ها جزء کشورهای برتر منطقه محسوب می شود. قطر و امارات نیز علیرغم برخی مسائل سیاسی در منطقه از امتیازات نسبتا مطلوبی در بین کشورهای منطقه برخوردارند. گرجستان و عمان کشورهایی هستند که توانسته اند با احتراز از چنین مسائلی نمرات مناسبی در شاخص حکمرانی خوب در سطح منطقه کسب کنند. کشورهای سوریه، یمن، ترکمنستان، افغانستان و عراق کشورهایی هستند که در بیشتر مولفه های شاخص حکمرانی خوب در پایین ترین سطح کشورهای منطقه بوده و چنانکه در بخش های قبلی نیز اشاره شد بعضا در رده های انتهایی جهانی نیز قرار دارند. ویژگی مشترک بیشتر این کشورها درگیری های چندین ساله در جنگ های داخلی و خارجی، درگیری در مسائل تروریستی و ناامنی داخلی، ضعف حکومت مرکزی با سابقه خودکامگی و عدم ثبات سیاسی می باشد. در این میان کشور ترکمنستان علیرغم برخورداری از منابع نفت و گاز و رشد اقتصادی بالا و عدم درگیری در جنگ های داخلی و خارجی از نمرات مطلوبی در شاخص حکمرانی برخوردار نشده است. در بین همسایگان ایران در این رده بندی، ترکیه و پاکستان در دو مولفه پاسخگویی و حق اعتراض و ثبات سیاسی و عدم خشونت تقریبا در وضعیت و جایگاه مشابهی هستند اما در چهار مولفه بعدی علیرغم اختلاف کم ترکیه در نیمه بالایی و پاکستان در نیمه پایینی است. در بین همسایگان شمالی نیز ارمنستان در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض جزء کشورهای برتر منطقه است اما در سایر مولفه ها به همراه آذربایجان در نیمه این رده بندی ها قرار دارد. در بیشتر مولفه ها نیز ارمنستان در نیمه بالایی و آذربایجان در نیمه پایینی جدول هستند. دیگر رقیب منطقه ای ایران یعنی عربستان سعودی نیز به جز مولفه

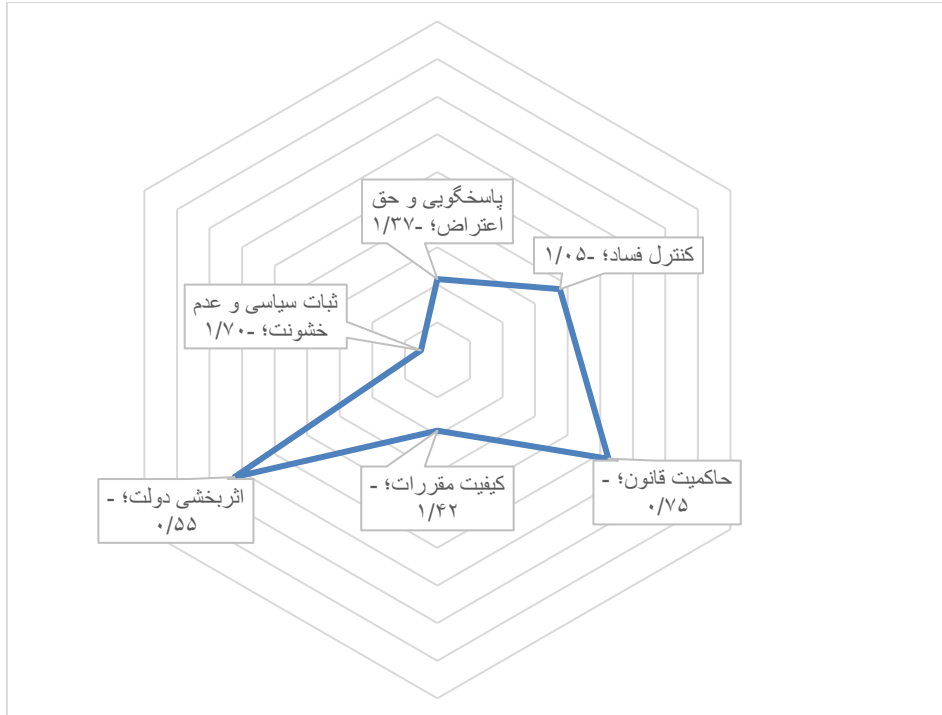
پاسخگویی و حق اعتراض که در رده های پایینی منطقه است در سایر مولفه ها در نیمه بالایی جدول بوده و در برخی نیز جزء پنج کشور برتر منطقه محسوب می شود..

در مورد جایگاه و وضعیت ایران در بخش بعد به تفصیل توضیح داده خواهد شد لیکن در مقایسه با دیگر کشورهای حوزه سند چشم انداز ایران در مجموع از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست و بیشتر در نیمه دوم این جدول قرار می گیرد. بهترین جایگاه ایران در شاخص اثربخشی دولت است که ۱۶ منطقه و ۱۴۲ جهان است و بدترین جایگاه در منطقه در مولفه کیفیت مقررات بوده که در جایگاه ۲۳ منطقه و بدترین جایگاه جهانی در مولفه ثبات سیاسیو عدم خشونت است که در رتبه ۱۹۸ جهانی قرار گرفته است.

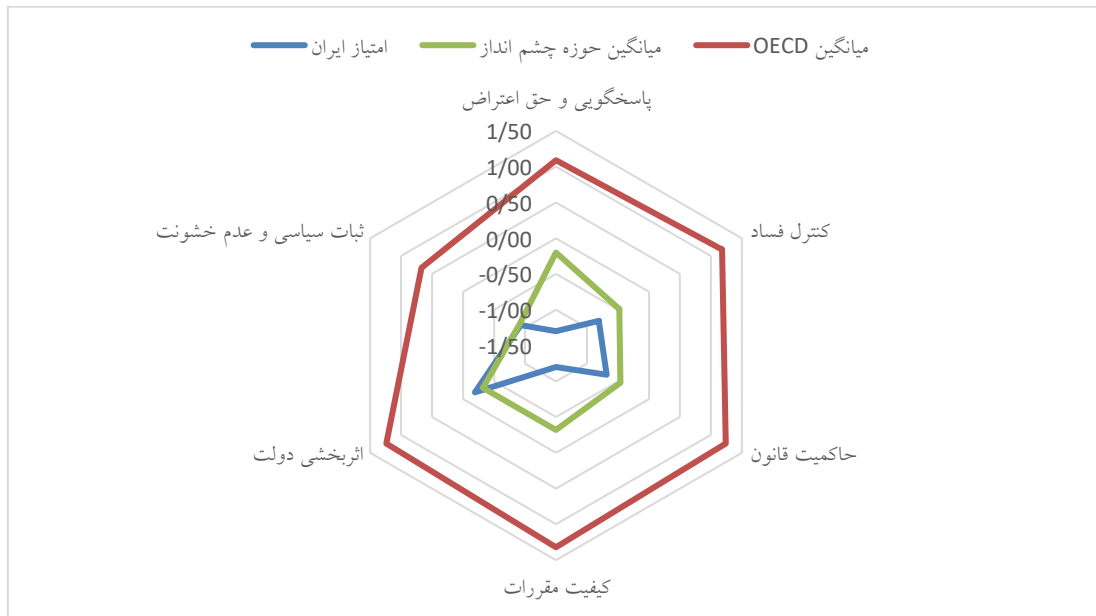
۴-۴) وضعیت کشور جمهوری اسلامی ایران در شاخص جهانی حکمرانی و مقایسه با

کشورهای حوزه سند چشم انداز

۱) وضعیت کلی و جایگاه جهانی و منطقه ای

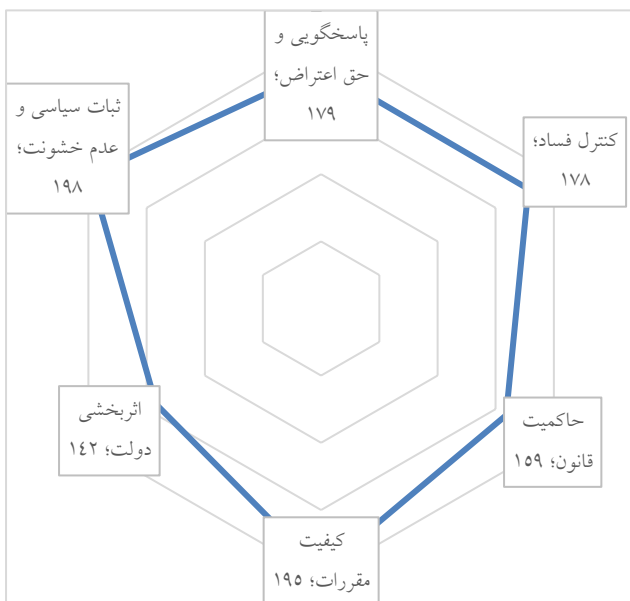


نمودار ۱۴: امتیاز مولفه های شاخص در سال ۲۰۱۹

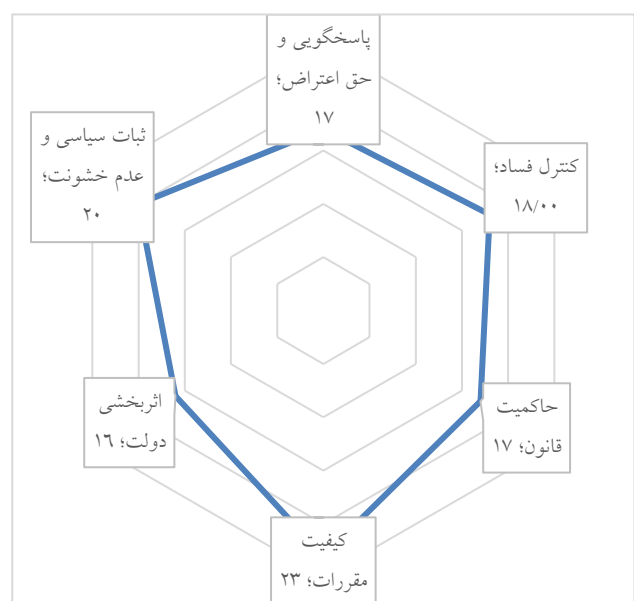


نمودار ۱۵: امتیاز ایران در مقایسه با میانگین OECD و میانگین منطقه

نمودار فوق، امتیازات ایران در مولفه های شش گانه شاخص حکمرانی را در سال ۲۰۱۹ نشان می دهد. در بین این شش مولفه بالاترین امتیاز مربوط به مولفه اثربخشی دولت و پایین ترین امتیاز مربوط به مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت است. ضمن اینکه کلیه امتیازات ایران در این شاخص منفی است. لازم به ذکر است بازه این امتیازات از ۲/۵ تا -۲/۵ درجه بندی شده است. نمودار ۱۵ امتیاز ایران در هریک از مولفه ها را با میانگین امتیاز کشورهای عضو OECD و کشورهای منطقه نشان می دهد. روشن است که امتیازات ایران اختلاف قابل ملاحظه ای با میانگین OECD دارد چنانکه بالاترین امتیاز ایران مربوط به مولفه اثربخشی دولت و زیر صفر است و کمترین میانگین OECD مربوط به ثبات سیاسی و بالاتر از ۰/۵ برآورد شده است. در مقایسه با میانگین کشورهای منطقه نیز امتیاز ایران در شاخص اثربخشی دولت و ثبات سیاسی بالاتر از میانگین منطقه است لیکن در چهار مولفه دیگر پایین تر از میانگین منطقه قرار می گیرد.



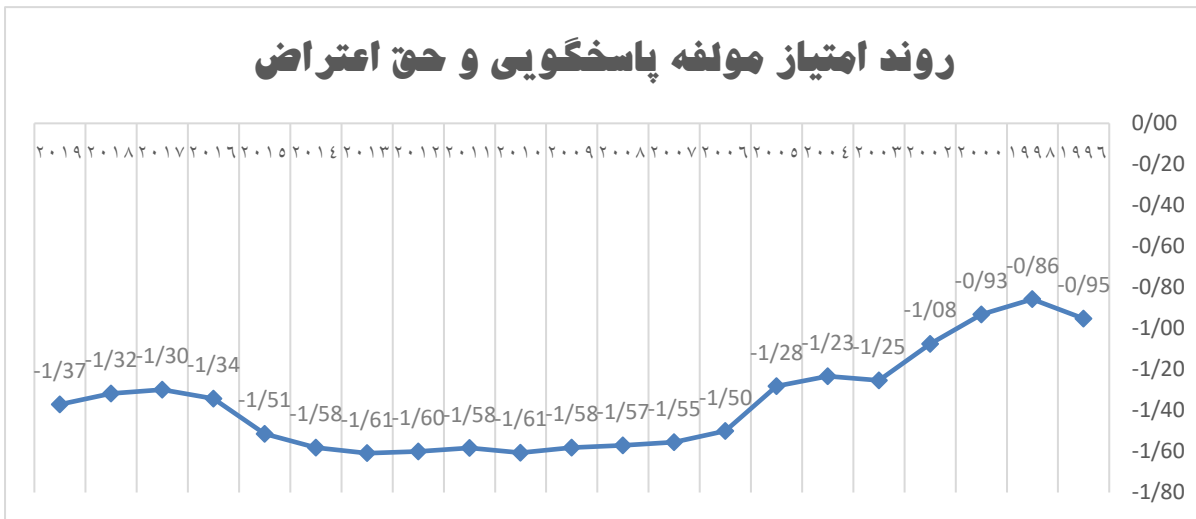
نمودار ۱۶: رتبه جهانی ایران در مولفه های شش گانه



نمودار ۱۷: رتبه منطقه ای ایران در مولفه های شش گانه

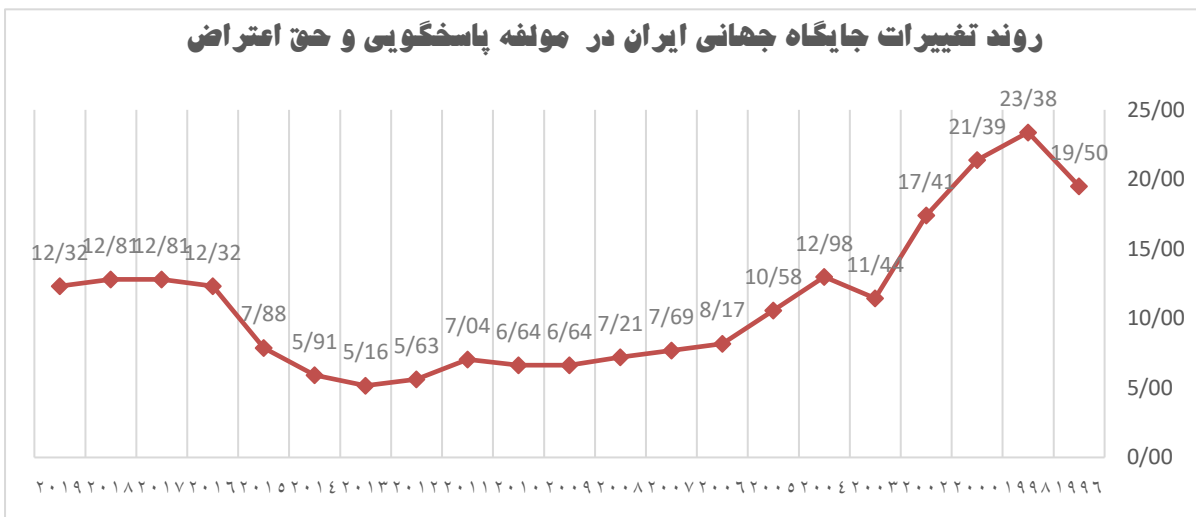
دو نمودار فوق نیز به ترتیب رتبه جهانی و رتبه منطقه ای ایران را در مولفه های شش گانه نمایش می دهد. همانطور که پیشتر هم گفته شد بالاترین رتبه منطقه ای و جهانی ایران مربوط به مولفه اثربخشی دولت و پایین ترین رتبه منطقه ای مربوط به مولفه کیفیت مقررات و پایین ترین رتبه جهانی مربوط به مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت است.

رشد امتیاز مولفه پاسخگویی و حق اعتراض



نمودار ۱۸: روند امتیاز ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض

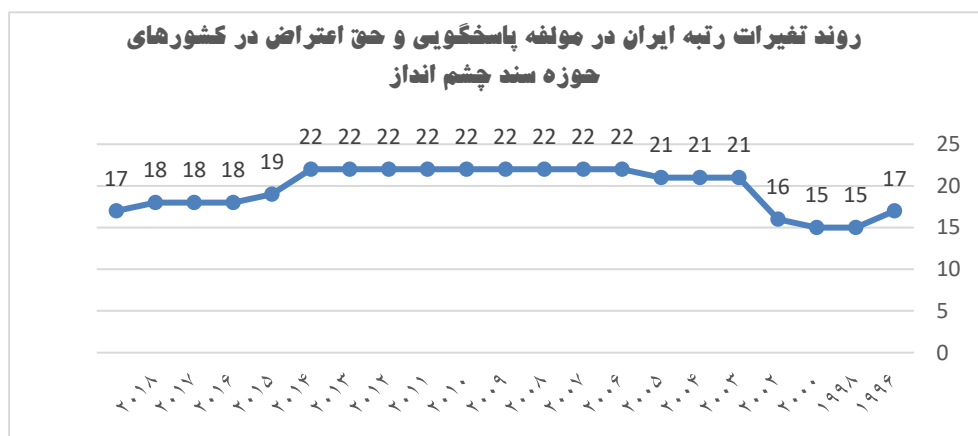
رشد تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض



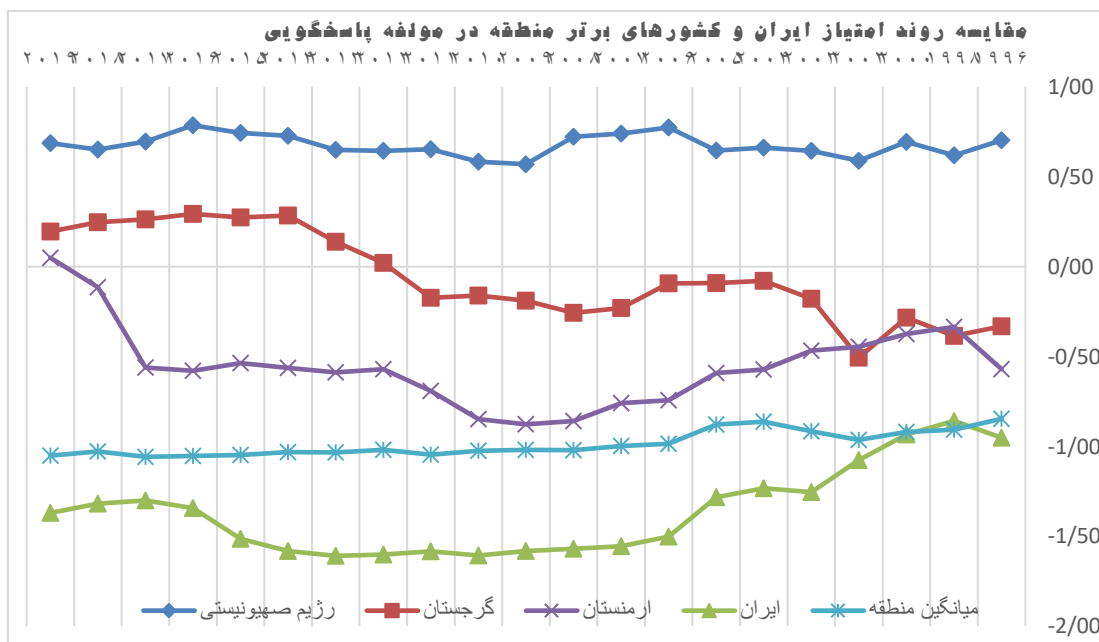
نمودار ۱۹: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض

در نمودار فوق نشان می دهد بهترین وضعیت ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض مربوط به سال ۱۹۹۸ و اوایل دولت هفتم بوده و تا سال ۲۰۰۳ و دولت هشتم سیر نزولی طی می کند و روند تا سال ۲۰۰۵ تقریباً نرخ باثبات و یکنواختی دارد. و امتیازاتی که ایران در این شاخص در سالهای بعد کسب کرده همگی پایین تر این حد است. سپس در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵ شمسی) و تقریباً همزمان با آغاز دولت نهم امتیاز ایران با مقداری نزول در کانال -۱,۵ قرار گرفته و تا سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) همزمان با دولت یازدهم در همین حدود با نوسان اندک باقی مانده است. سیر

صعودی امتیاز ایران در این مولفه از سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳ شمسی) و در دولت یازدهم آغاز شده و تا سال ۲۰۱۷ ادامه یافته و مجدداً در مسیر نزولی قرار گرفته است لیکن ایران هنوز به امتیاز و جایگاهی که تا سال ۲۰۰۵ داشته بازنگشته است. جایگاه جهانی ایران نیز چنین روندی را با شیب متفاوت نشان می‌دهد. بهترین جایگاه ایران مربوط به سال ۱۹۹۸ بوده و سپس با شیب تندی به سال ۲۰۰۳ رسیده و از آنجا با شیب ملایمی تا سال ۲۰۱۳ افت می‌کند که در این سال ایران پایین‌ترین جایگاه را در این دوره کسب کرده است. از سال ۲۰۱۳ روند صعودی آغاز شده و از سال ۲۰۱۵ به ۲۰۱۶ رشد قابل ملاحظه‌تری را نشان می‌دهد.



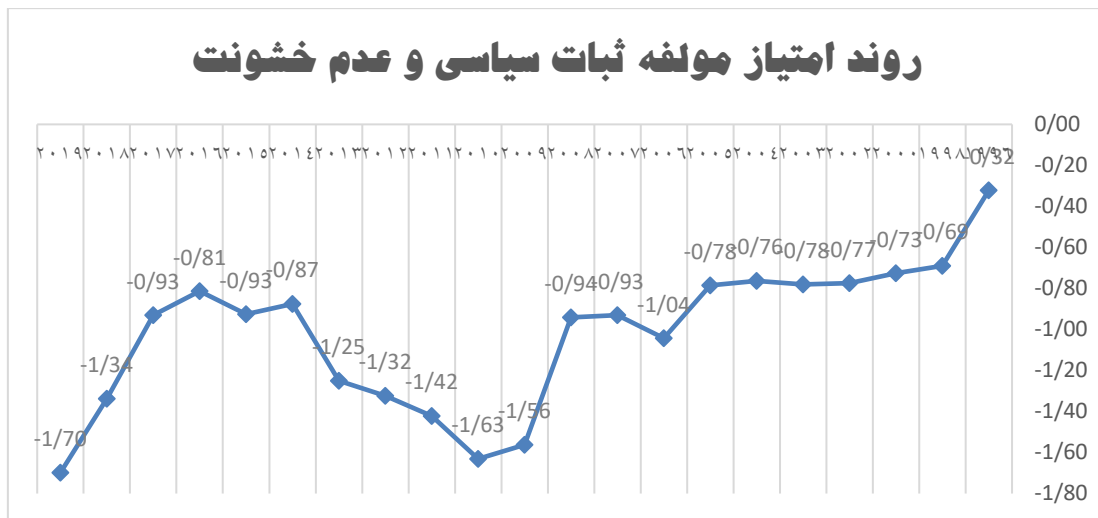
نمودار ۲۰: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض در کشورهای حوزه سند چشم انداز



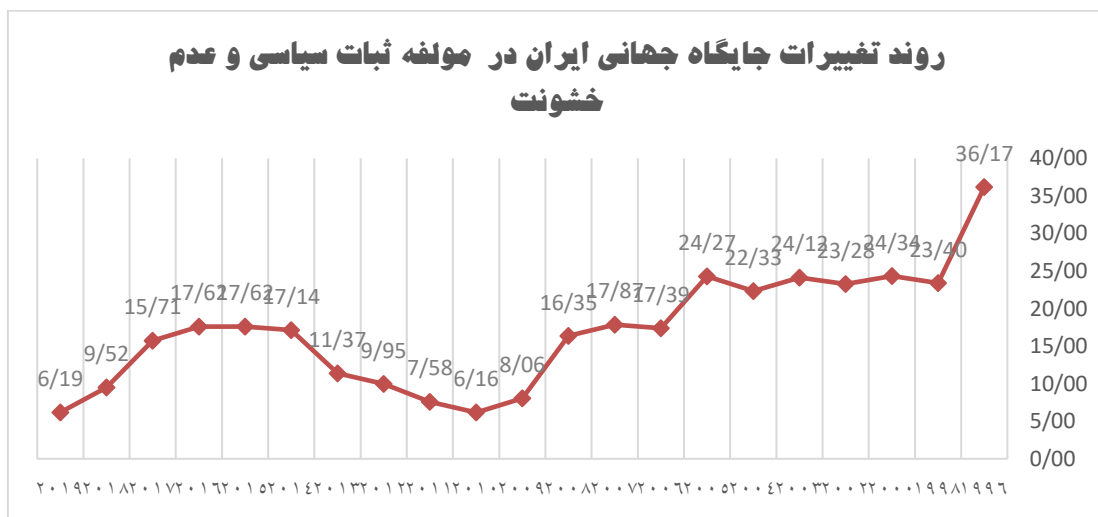
نمودار ۲۱: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه پاسخگویی و حق اعتراض

نمودار بالا نشان می دهد رتبه ایران در این مولفه در منطقه تا سال ۲۰۰۲ (دولت هشتم) زیر ۲۰ بوده و در سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ با روندی ثابت در جایگاه ۲۱ و ۲۲ منطقه قرار گرفته است. از سال ۲۰۱۴ رتبه منطقه ای ایران روندی نزولی با شیب کم در پیش گرفته و در سال ۲۰۱۹ به ۱۷ رسیده است.. مقایسه روند امتیاز ایران با کشورهای برتر منطقه نشان می دهد به جز رژیم صهیونیستی که با وضعیتی کم نوسان امتیازاتی بین ۰,۵ تا ۱ در این سالها کسب نموده، گرجستان سیر صعودی خود را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده و ارمنستان علیرغم روند نزولی تا سال ۲۰۰۹ با سیر صعودی قابل ملاحظه از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ جایگاه سوم منطقه را از آن خود کرده است. امتیاز ایران نیز با آنکه در سال ۲۰۰۰ بالاتر از میانگین منطقه بوده است با سیر نزولی ذکر شده به تدریج فاصله خود را از میانگین منطقه افزایش داده و اگرچه از سال ۲۰۱۴ با سیر صعودی مجدد در حال نزدیک شدن به میانگین منطقه بوده اما به نظر می رسد از سال ۲۰۱۷ روند واگرایی آن از میانگین منطقه مجددا تشدید شده است..

۳) مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت



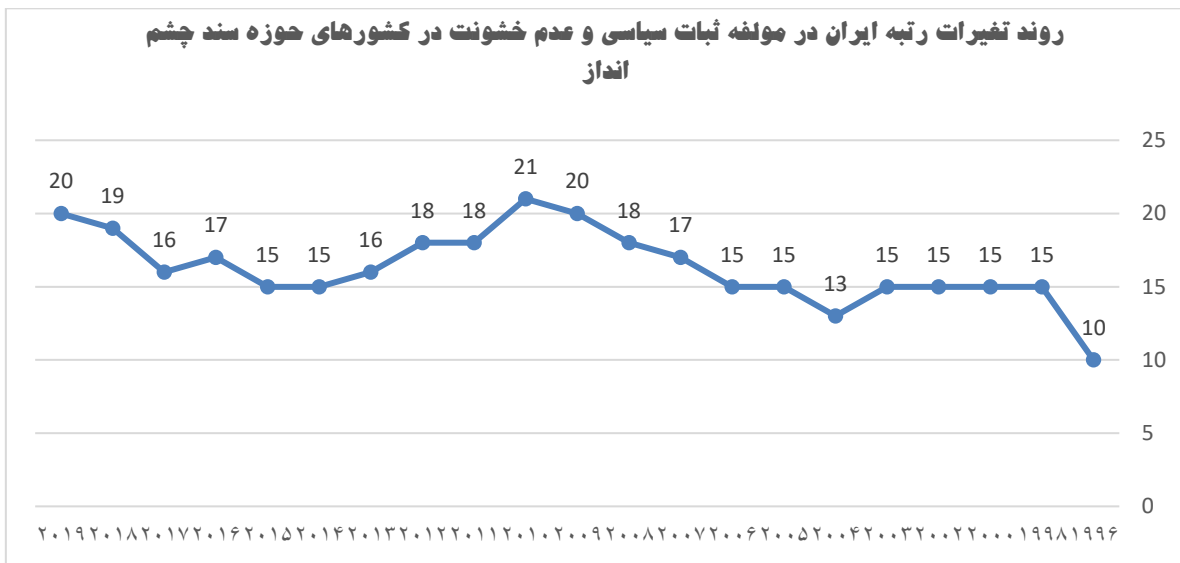
نمودار ۲۲: روند امتیاز ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت



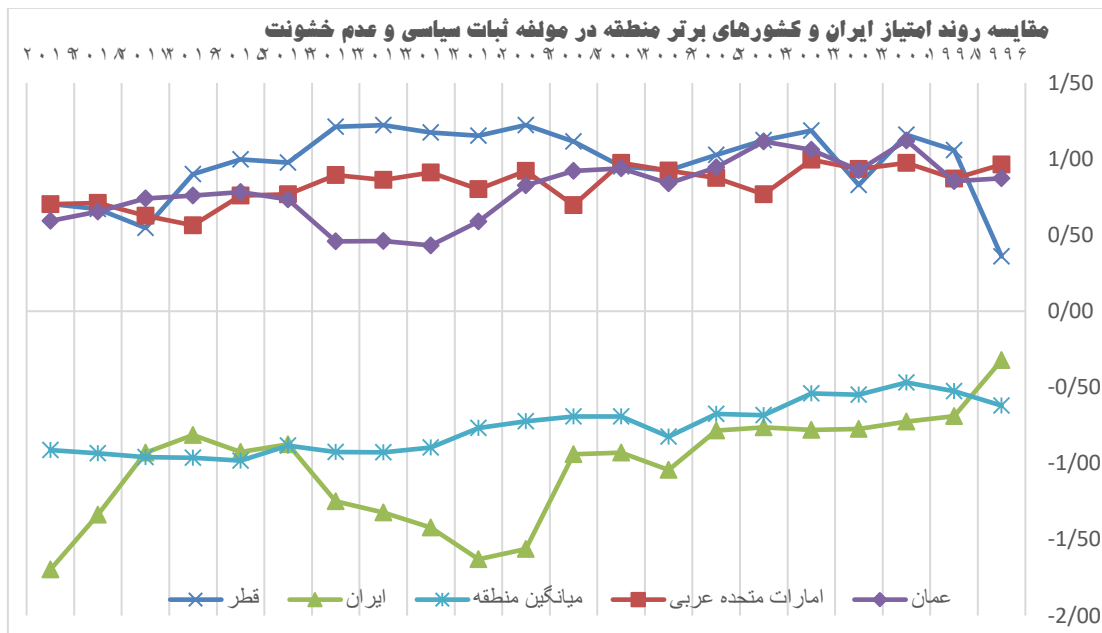
نمودار ۲۳: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت

نمودارهای فوق نشان می دهد بالاترین امتیاز ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت مربوط به سال ۱۹۹۶ (سال ۱۳۷۵ و انتهای دولت ششم) است. و پایین ترین آن به سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) و ابتدای دولت دهم) باز می گردد. ایران از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ (۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷) و از ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ (۱۳۸۷ تا ۱۳۸۸) دو افت مشهود در مولفه ثبات سیاسی را تجربه کرده است. در سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ (به غیر از سال ۲۰۰۶) با نرخ کم شیبی امتیاز ایران در این مولفه روندی کاهشی طی کرده است و از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ روندی افزایشی داشته است. از سال ۲۰۱۶ تاکنون نیز این امتیاز

روندی کاهشی یافته است. در مورد جایگاه جهانی ایران در این مولفه نیز پس از افت قابل ملاحظه از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ و روند ثابت سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵، از این سال تا سال ۲۰۱۰ (مقارن با دولت نهم و اوایل دولت دهم) جایگاه ایران سیر نزولی داشته و به پایین ترین وضعیت خود می رسد. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ این جایگاه روند بهبود در پیش گرفته و از ۲۰۱۶ نیز روبه نزول بوده است.



نمودار ۲۴: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت در کشورهای حوزه سند چشم انداز

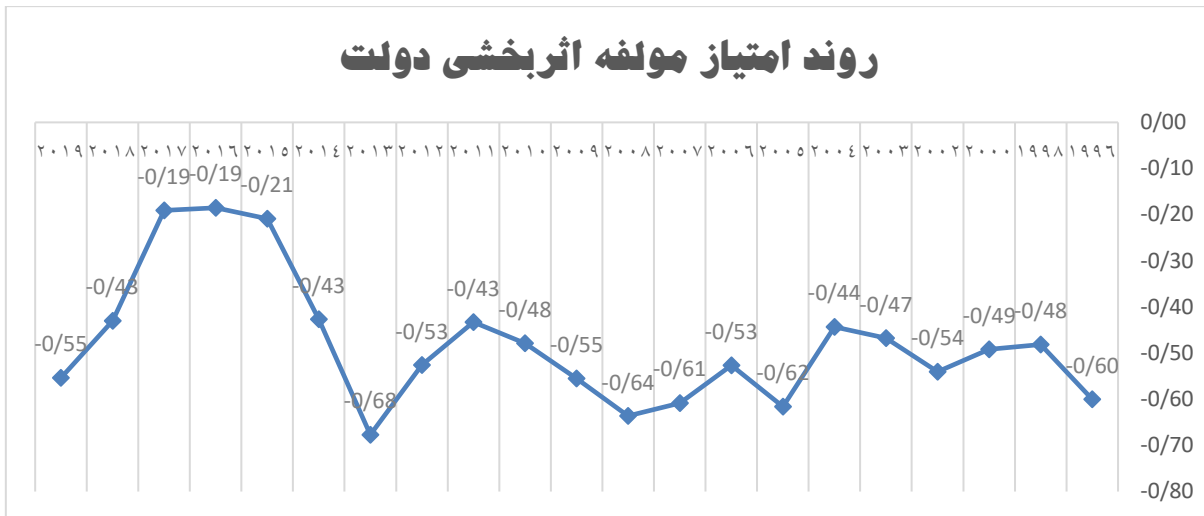


نمودار ۲۵: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت

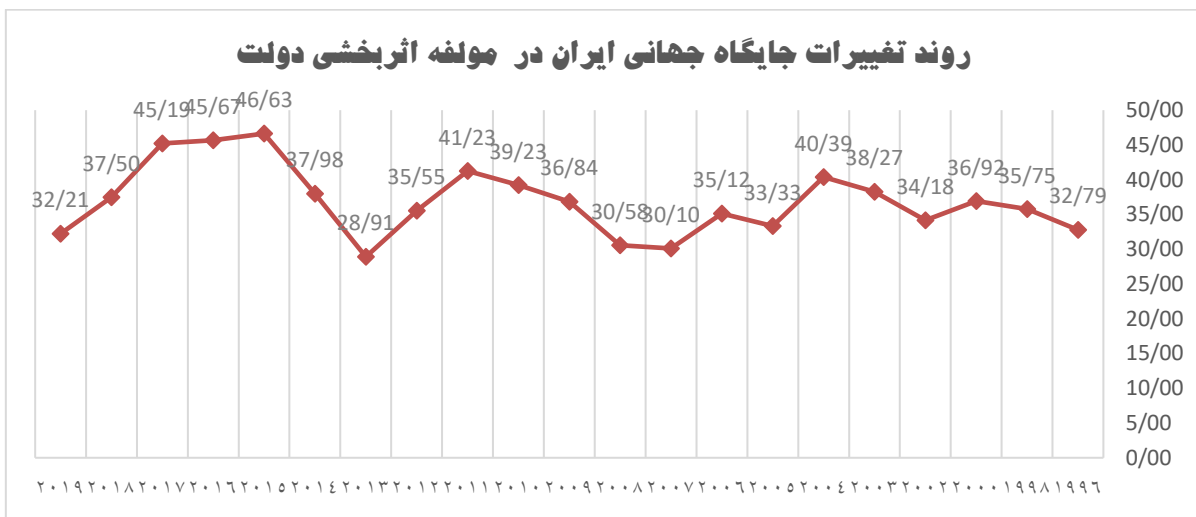
نمودار مربوط به جایگاه منطقه ای ایران نشان می دهد بهترین جایگاه منطقه ایران در سال ۱۹۹۶ به دست آمده و از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ (به جز سال ۲۰۰۴) رتبه ۱۵ را بدون تغییر کسب نموده است. نزول جایگاه و رتبه منطقه ای ایران از سال ۲۰۰۶ آغاز شده و تا سال ۲۰۱۰ ادامه می یابد که در این سال ایران نازل ترین جایگاه منطقه ای خود (۲۱) را در این مولفه کسب می کند. این جایگاه تا سال ۲۰۱۵ روند بهبود طی کرده و مجددا در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به رتبه ۱۵ بازمی گردد و مجددا روند افزایشی می یابد.

بررسی مقایسه ای روند ایران با کشورهای برتر و میانگین منطقه نشان می دهد ایران از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ فاصله زیادی با میانگین منطقه نداشته و از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ این فاصله افزایش می یابد. با توجه به ثبات نسبی میانگین منطقه در این سالها این اختلاف ناشی از افت وضعیت این شاخص در ایران بوده است. روند افزایشی امتیاز ایران از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ باعث شده ایران در این سال با میانگین منطقه برابر شده و تا سال ۲۰۱۷ از این میانگین با اختلاف کم بالاتر باشد اما از سال ۲۰۱۷ مجددا روند کاهشی امتیاز ایران آغاز شده است. سه کشور برتر منطقه در این مولفه نیز در سالهای مورد بررسی فراز و نشیب زیادی را نشان می دهند. با اینکه در سال ۲۰۰۷ امتیاز این سه کشور تقریبا با هم برابر است قطر از این سال نرخ افزایشی در پیش می گیرد اما از سال ۲۰۱۳ در روند کاهشی سیر می کند تا اینکه در سال ۲۰۱۹ با اختلاف کم در رتبه اول منطقه قرار گرفته است. امارات نیز روندی کم فراز و نشیب داشته و از جایگاه سوم در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به جایگاه اول در سال ۲۰۱۹ رسیده است. عمان از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در روند کاهشی بوده ولی از این سال با نرخ افزایشی تا ۲۰۱۴ و سپس یکنواخت در جایگاه سوم منطقه قرار گرفته است.

۴) مولفه اثربخشی دولت



نمودار ۲۶: روند امتیاز ایران در مولفه اثربخشی دولت

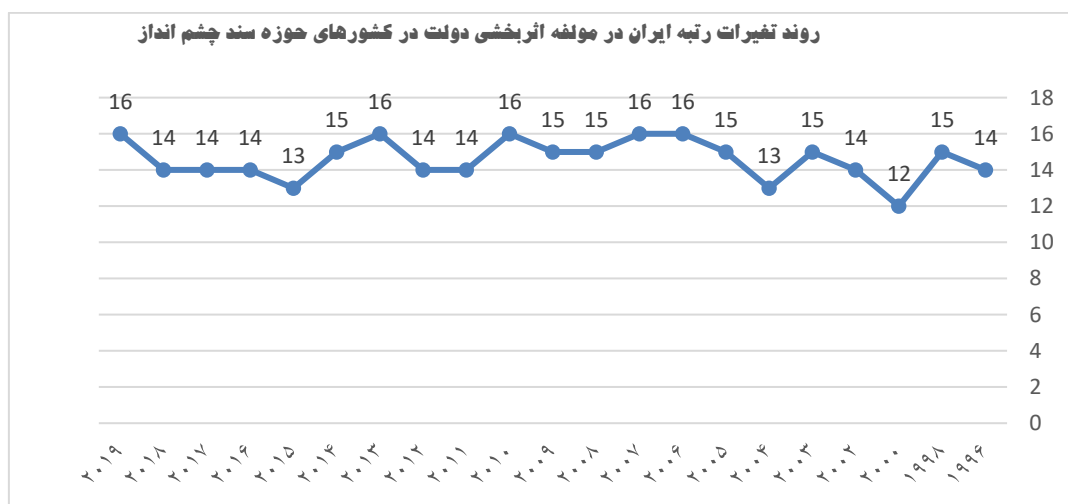


نمودار ۲۷: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه اثربخشی دولت

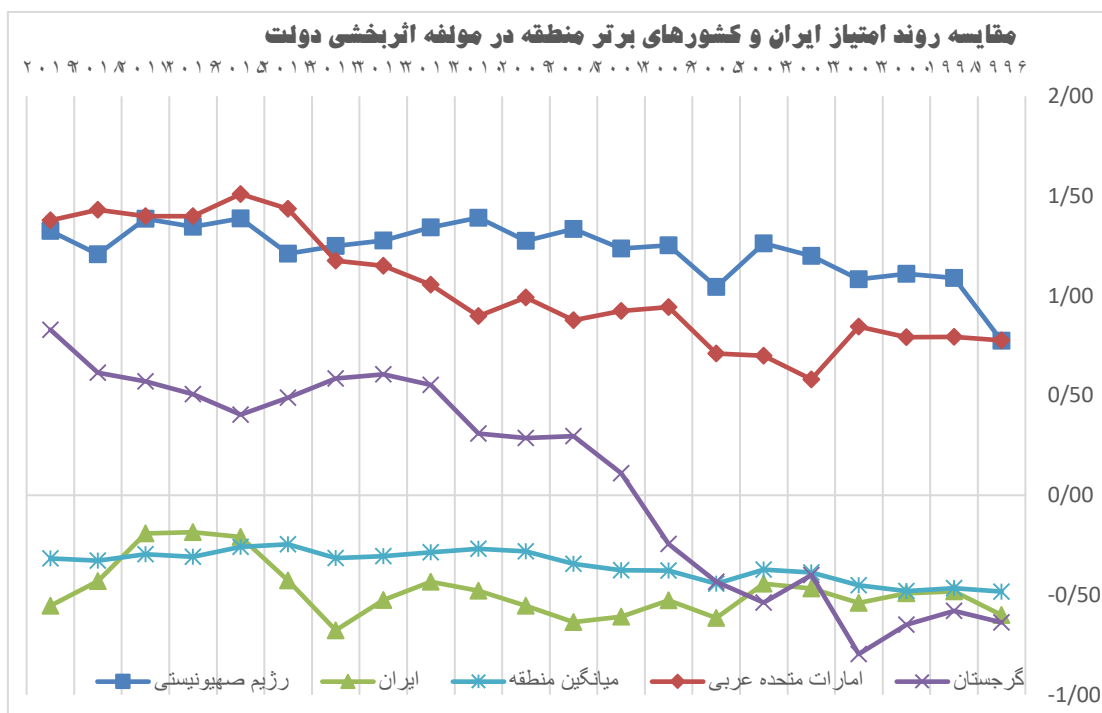
روند امتیاز ایران در مولفه اثربخشی دولت، روند پرتغییر و پرنوسانی بوده است. در این مولفه ایران در سال ۲۰۱۳ (ابتدای دولت یازدهم) پایین ترین امتیاز را کسب نموده اما در سالهای ۱۹۹۶، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نیز امتیازاتی در همین محدوده داشته است. از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴) مقارن با دولت یازدهم) ایران رشد قابل ملاحظه ای را در امتیاز این مولفه داشته و از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ با شیبی کم روند افزایشی خود را حفظ کرده و در این سالها به بالاترین امتیاز خود دست یافته است

اما از سال ۲۰۱۷ روند کاهشی تندی را تجربه کرده است. با این حال چنانکه گفته شد ایران در این مولفه بالاترین امتیاز و بهترین جایگاه منطقه ای و جهانی را در اختیار دارد.

به لحاظ جایگاه جهانی نیز بهترین موقعیت ایران مربوط به سال ۲۰۱۵ و بدترین مربوط به سال ۲۰۱۳ است اگرچه با روند نزولی کنونی مجدداً در حال نزدیک شدن به همان جایگاه هستیم. در واقع جهش سال ۲۰۱۳ به ۲۰۱۵ ایران را ظرف دو سال از بدترین به بهترین جایگاه جهانی خود رسانده است. به غیر از این دوره جایگاه ایران دوبار دیگر یکی از سال ۱۹۹۶ تا (دولت هفتم و هشتم) ۲۰۰۴ و یک بار از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ (دولت نهم) روند روبه بهبود دارد. نکته قابل ذکر آن است که از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ علیرغم روند افزایشی امتیاز ایران جایگاه جهانی ایران تنزل مختصری داشته است.



نمودار ۲۸: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه اثربخشی دولت در کشورهای حوزه سند چشم انداز

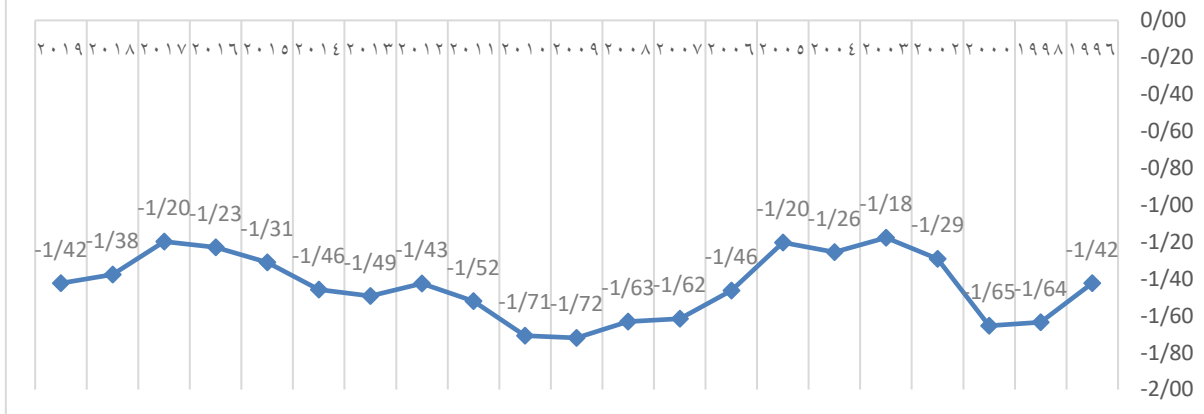


نمودار ۲۹: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه اثربخشی دولت

رتبه منطقه ای ایران در مولفه اثربخشی دولت علیرغم نوسان زیاد در بیشتر سالهای موردبررسی در محدوده ۱۴ تا ۱۶ قرار داشته علیرغم آنکه در سال ۱۹۹۸ رتبه ۱۲ و در سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ رتبه ۱۳ را در اختیار داشته است.

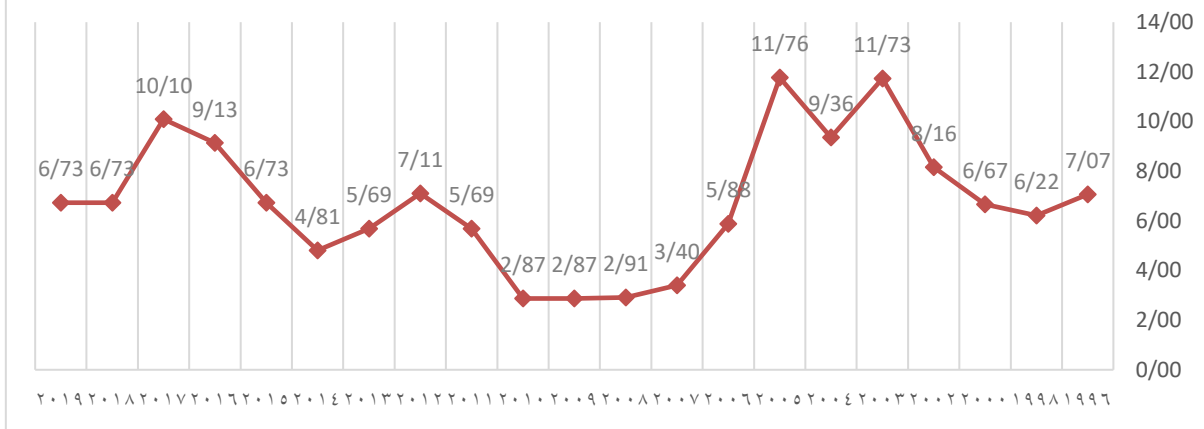
مقایسه روند ایران با میانگین منطقه نشان دهنده فاصله اندک بین این دو از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ است و این فاصله از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ به تدریج افزایش می یابد. روند صعودی ایران از سال ۲۰۱۳ باعث می شود امتیاز ایران از سال ۲۰۱۵ از میانگین منطقه پیشی بگیرد اما مجدداً با روند نزولی شکل گرفته از سال ۲۰۱۷ از میانگین منطقه پایین تر رفته ایم. در میان کشورهای منطقه نیز روند رشد گرجستان از سال ۲۰۰۲ تاکنون بسیار چشمگیر است. امارات نیز اگرچه تا سال ۲۰۱۳ امتیازات پایین تری نسبت به رژیم صهیونیستی کسب کرده است اما از این سال به بعد توانسته بالاتر از این رژیم قرار گیرد و در سال ۲۰۱۹ نیز با اختلاف کم، کشور برتر منطقه در این شاخص است.

روند امتیاز مولفه کیفیت مقررات



نمودار ۳۰: روند امتیاز ایران در مولفه کیفیت مقررات

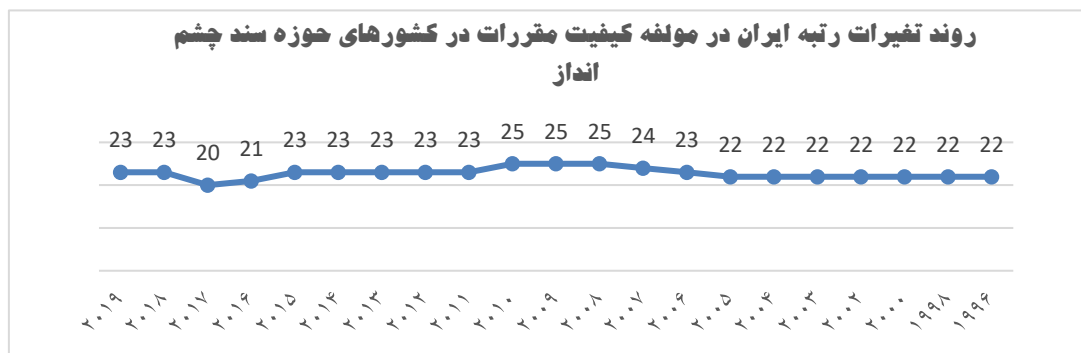
روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه کیفیت مقررات



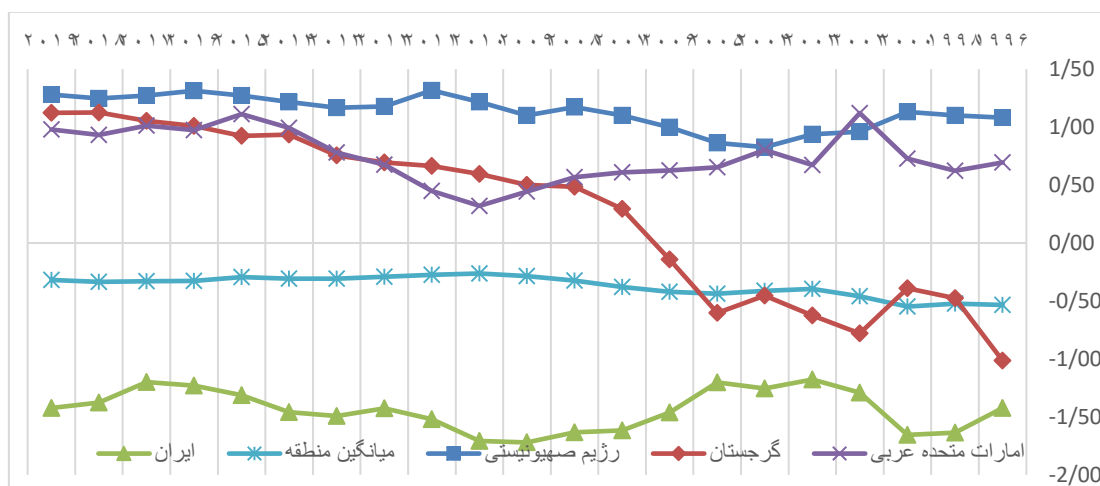
نمودار ۳۱: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه کیفیت مقررات

ایران در مولفه کیفیت مقررات بالاترین امتیاز را در سال ۲۰۰۳ و پایین ترین امتیاز را در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ کسب کرده است. بررسی روند امتیاز ایران در این مولفه نشانگر سه دوره زمانی نزولی و دو دوره زمانی صعودی است. سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ (۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ تقریباً مقارن با دولت هفتم) اولین دوره نزولی امتیاز ایران در این مولفه است که به دنبال آن از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ (مقارن با دولت هفتم و هشتم) اولین دوره صعودی امتیاز ایران اتفاق می افتد. مجدداً از سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) روند نزولی آغاز می شود و از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ مقارن با دولت نهم) تداوم

می یابد و ایران پایین ترین امتیاز را در انتهای این دوره کسب می کند. مجدداً از ۲۰۱۰ تاکنون روند افزایشی (با توقف جزئی از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳) وجود داشته که در ۲۰۱۷ نیز ایران به یکی از بالاترین امتیازات خود در دوره مورد بررسی دست یافته است اما از آن سال مجدداً روند نزولی واقع شده است. با این حال چنانکه گفته شد این مولفه یکی از ضعیف ترین مولفه های ایران در شاخص حکمرانی است و پایین ترین رتبه منطقه ای و رتبه بسیار نازل جهانی نیز در همین مولفه به دست آمده است که وضعیت رنکینگ جهانی نیز موید آن است. ایران بهترین جایگاه جهانی خود را در این مولفه در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ به دست آورده و از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹) مقارن با دولت نهم) با سقوطی قابل ملاحظه مواجه شده است. روند ارتقایی ایران ابتدا از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ و سپس در سطحی بالاتر از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ مشاهده می گردد اما مجدداً از سال ۲۰۱۷ در سیر نزولی قرار گرفته است..



نمودار ۳۲: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه کیفیت مقررات در کشورهای حوزه سند چشم انداز

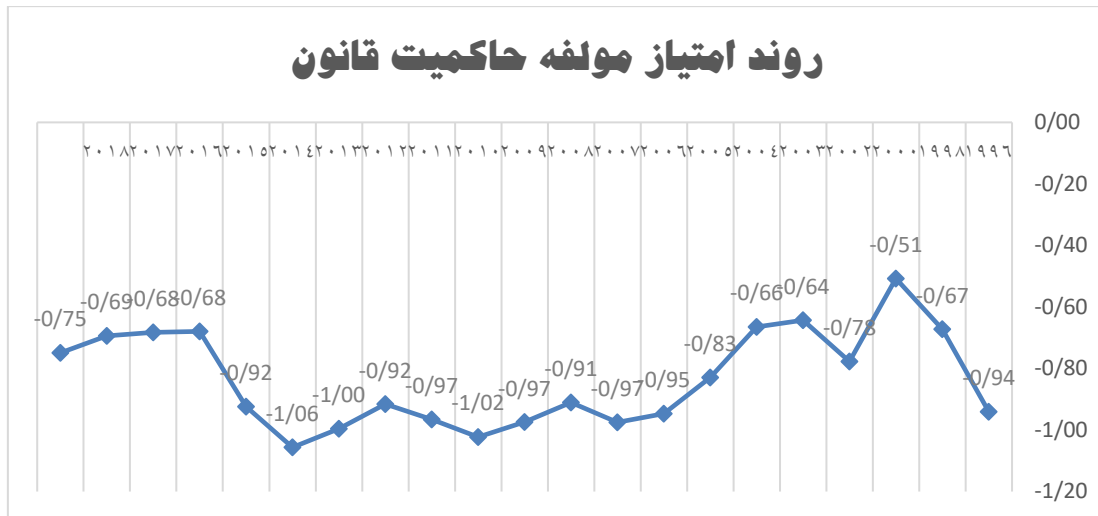


نمودار ۳۳: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه کیفیت مقررات

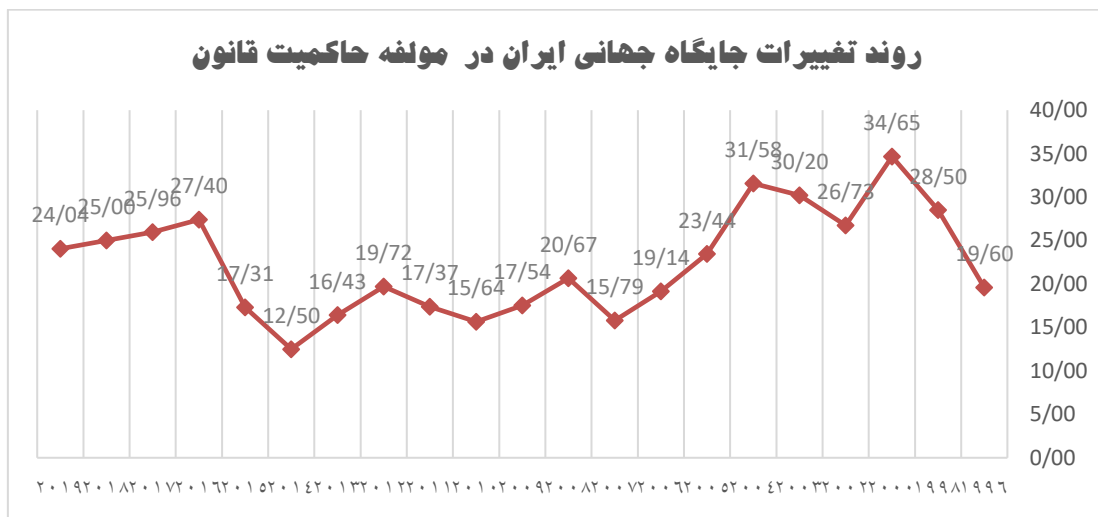
در خصوص جایگاه منطقه ای ایران روند نسبتاً یکنواختی را طی کرده است. از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ ایران در رتبه ثابت ۲۲ قرار داشته و روند نزولی ایران رتبه ۲۵ (یکی به آخر منطقه) را در سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ رقم می زند. با بهبود نسبی شرایط ایران در سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به طور ثابت در رتبه ۲۳ منطقه قرار گرفته و در سال ۲۰۱۷ به رتبه ۲۰ ارتقا یافته است اما مجدداً به رتبه ۲۳ تنزل کرده است و کماکان جایگاه مناسبی در منطقه نیز در این مولفه ندارد.

نمودار پایینی نیز نشان دهنده فاصله زیاد امتیاز ایران با میانگین منطقه و کشورهای برتر است که در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ این فاصله به اوج رسیده و در سالهای اخیر رو به کاهش است با این حال شیب نمودار نشان می دهد ایران با روند فعلی حتی تا رسیدن به میانگین منطقه نیز فاصله زمانی زیادی دارد. در بین کشورهای برتر روند صعودی گرجستان از سال ۲۰۰۲ تاکنون مشهود و برجسته است. این کشور که تا سال ۲۰۰۵ پایین تر از میانگین منطقه قرار داشته است در سالهای ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ با اختلاف اندک بالاتر از امارات و در جایگاه دوم منطقه قرار گرفته است. امارات نیز روند پرنوسانی را گذرانده و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ روند نزولی و از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ روندی صعودی داشته و در جایگاه دوم منطقه جایگزین گرجستان شده است لیکن در چهارسال اخیر مجدداً با کاهش امتیاز به مرتبه سوم رسیده است. رژیم صهیونیستی نیز از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ با شیب اندک در مسیر نزولی بوده اما از آن سال تا ۲۰۱۹ روندی باثبات داشته و در جایگاه اول منطقه ایستاده است.

۶) مولفه حاکمیت قانون



نمودار ۳۴: روند امتیاز ایران در مولفه حاکمیت قانون



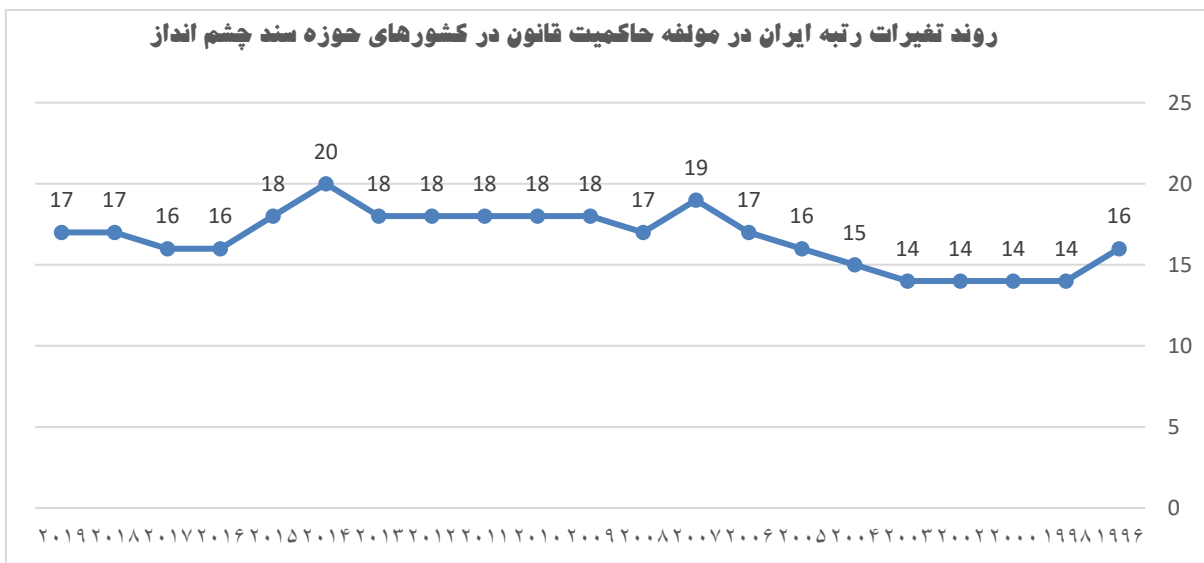
نمودار ۳۵: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه حاکمیت قانون

در مولفه حاکمیت قانون، ایران در دو مقطع زمانی روند افزایشی با شیب تند و در یک مقطع زمانی طولانی روند کاهشی پلکانی داشته است. روند افزایشی اول از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ (مقارن با دولت هفتم) بوده و در سال ۲۰۰۰ بالاترین امتیاز این مولفه برای ایران حاصل شده است. سپس روند کاهشی طولانی مدتی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ (مقارن با دولت های هشتم تا اوایل دولت یازدهم) شکل می گیرد که در انتهای این دوره و سال ۲۰۱۴ ایران به پایین ترین امتیاز خود در دوره مورد بررسی می رسد. مجدداً روند افزایشی دیگری تا سال ۲۰۱۶ طی می شود (۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵) که در سال ۲۰۱۷

نیز امتیاز ایران بدون تغییر باقی می ماند اما از سال ۲۰۱۷ مجدداً روند کاهشی کم شیبی آغاز شده است.

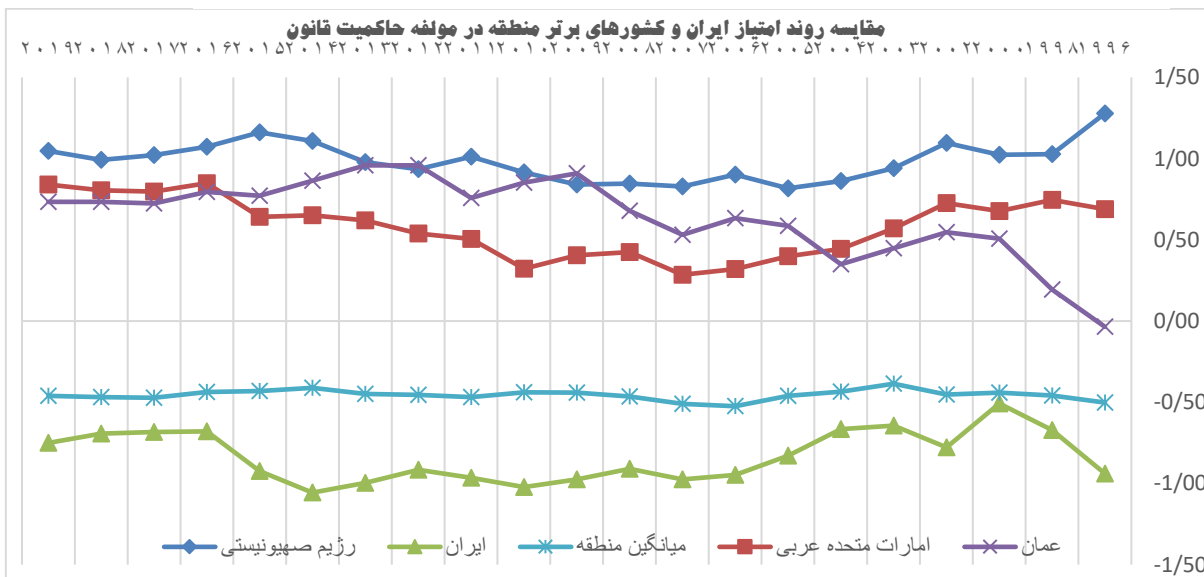
بررسی روند تغییرات جایگاه جهانی ایران نیز روند مشابهی را نشان می دهد. ایران بهترین جایگاه جهانی خود را در این مولفه در سال ۲۰۰۰ و در نتیجه روند صعودی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ و بدترین جایگاه خود را در سال ۲۰۱۴ و در نتیجه روند نزولی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ به دست می آورد.

روند تغییرات رتبه ایران در مولفه حاکمیت قانون در کشورهای حوزه سند چشم انداز



نمودار ۳۶: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه حاکمیت قانون در کشورهای حوزه سند چشم انداز

مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه حاکمیت قانون

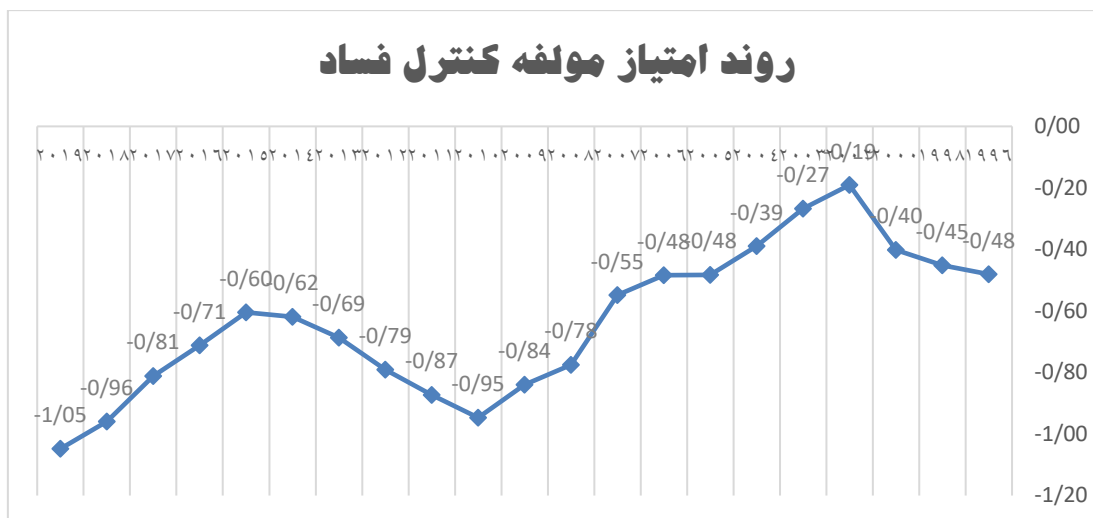


نمودار ۳۷: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه حاکمیت قانون

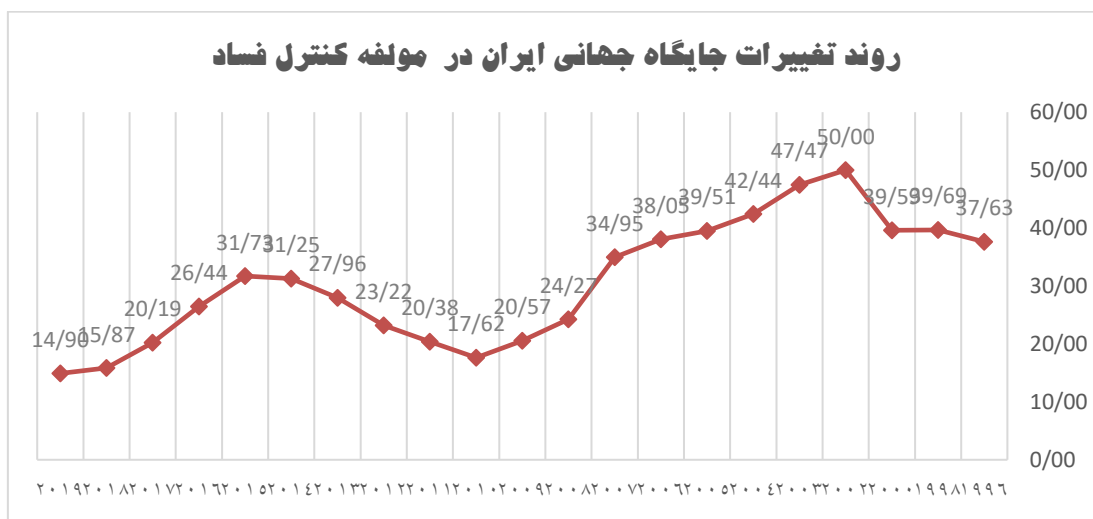
از نظر جایگاه منطقه ای بهترین جایگاه ایران رتبه ۱۴ منطقه است که طی سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ بدون تغییر باقی مانده و از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ با روندی نزولی به رتبه ۱۹ منطقه رسیده است و این جایگاه در سال ۲۰۱۴ نیز مجدداً تکرار شده. با این حال در فاصله سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ ایران بین رتبه های ۱۷ تا ۱۹ منطقه در نوسان بوده و از سال ۲۰۱۴ با روند صعودی به رتبه ۱۶ در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رسیده است که در دو سال بعد نیز یک رتبه تنزل یافته است.

مقایسه روند ایران با میانگین منطقه نیز نشان می دهد ایران در سال ۲۰۰۰ امتیازی معادل میانگین منطقه به دست آورده اما سیر نزولی ایران تا سال ۲۰۱۴ این فاصله را افزایش داده و مجدداً در سالهای ۲۰۱۶ به بعد این اختلاف کم شده است.

در بین کشورهای برتر منطقه نیز امارات در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ روندی نزولی داشته و مجدداً از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ این نزول را جبران کرده و با اختلاف کم در جایگاهی بالاتر از عمان قرار گرفته است. حال آنکه عمان با روندی پلکانی علیرغم آنکه در برخی سالها (۲۰۰۹ و ۲۰۱۲) کشور اول منطقه بوده ولی با سیر نزولی از ۲۰۱۲ تاکنون به جایگاه سوم منطقه رسیده است. رژیم صهیونیستی نیز تا سال ۲۰۰۷ روندی نزولی نشان می دهد در حالیکه از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ با روندی صعودی به جایگاه برتر منطقه دست یافته و کاهش امتیاز سالهای اخیر نیز در این جایگاه خللی وارد نکرده است. نکته جالب در خصوص این مولفه آن است که هر سه کشور برتر و میانگین منطقه در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ روندی کاهشی داشته اند...



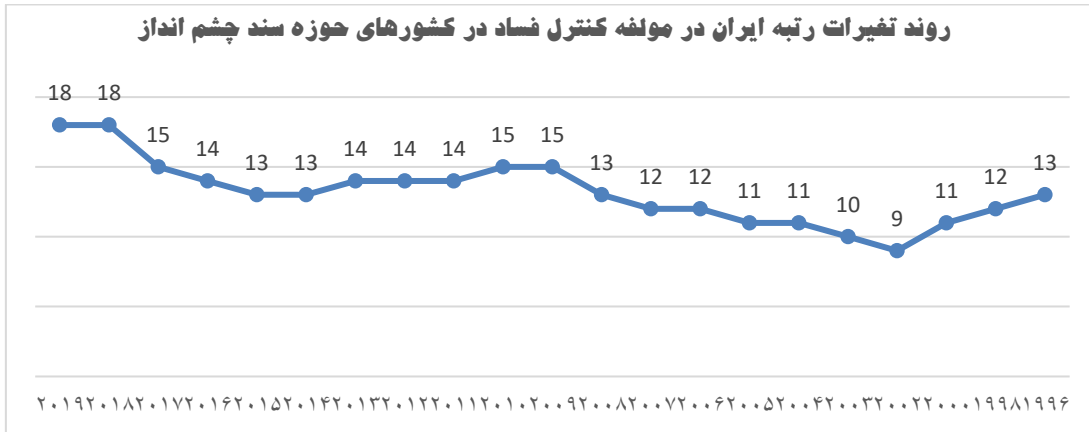
نمودار ۳۸: روند امتیاز ایران در مولفه کنترل فساد



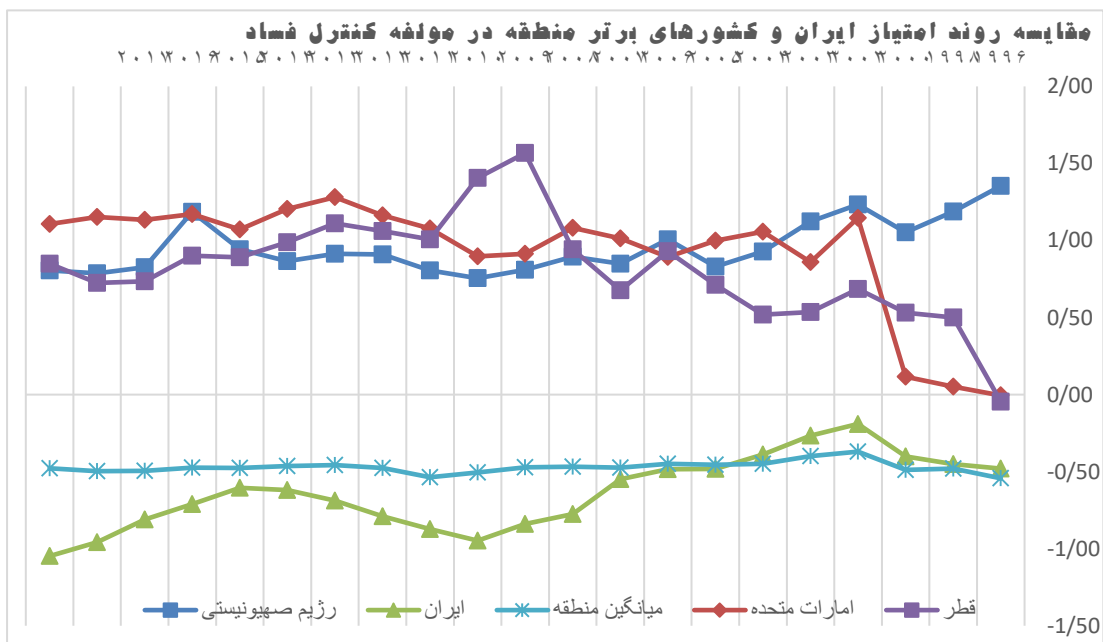
نمودار ۳۹: روند تغییرات جایگاه جهانی ایران در مولفه کنترل فساد

در مولفه کنترل فساد بهترین شاخص های ایران مربوط به دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ (اواخر دولت ششم تا اوایل دولت نهم) است و ایران بهترین امتیاز و جایگاه جهانی خود را در این مولفه در سال ۲۰۰۲ به دست آورده است. با این حال از سال ۲۰۰۲ روند نزولی ایران در این مولفه آغاز شده و در سال ۲۰۱۰ کمترین امتیاز ایران در آن مقطع زمانی به دست آمده است. ایران توانست است با اتخاذ سیاست های مبارزه با فساد مجدداً روند امتیاز خود را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵

۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴) افزایشی نماید اما مجدداً از سال ۲۰۱۵ این روند رو به نزول است و در دو سال اخیر رکورد سال ۲۰۱۰ از حیث کسب پایین‌ترین امتیاز جابجا شده است.



نمودار ۴۱: روند تغییرات رتبه ایران در مولفه کنترل فساد در کشورهای حوزه سند چشم انداز



نمودار ۴۰: مقایسه روند امتیاز ایران و کشورهای برتر منطقه در مولفه کنترل فساد

روند تغییرات جایگاه منطقه ای ایران نیز نشان دهنده آن است که در سال ۲۰۰۲ ایران با کسب رتبه نهم منطقه بهترین جایگاه خود را در سالهای مورد بررسی به دست آورده‌اما با روند نزولی ایران، این جایگاه در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به ۱۵ منطقه تنزل یافته است و علیرغم وجود روند بهبود اندک و کسب جایگاه ۱۳ در سال ۲۰۱۵، در سال ۲۰۱۹ به جایگاه ۱۸ تنزل یافته است.

تحلیل روند امتیاز ایران و کشورهای منطقه نیز نکات جالبی را آشکار می کند. ایران تا سال ۲۰۰۴ امتیازی بالاتر از میانگین منطقه و تا سال ۲۰۰۷ نزدیک به میانگین منطقه داشته است اما نزول امتیاز ایران باعث افزایش این اختلاف به ویژه در سال ۲۰۱۰ شده و روند افزایشی بعد از آن مجدداً ایران را در سال ۲۰۱۵ به میانگین منطقه نزدیک کرده است اما از این سال مجدداً در روندی کاهشی نسبت به میانگین منطقه واگرایی دارد. امارات با جهشی قابل ملاحظه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ و روند افزایشی مجدد از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ علیرغم روند کاهشی پس از آن کماکان در جایگاه اول منطقه است. قطر نیز روندی پرنوسان را نشان می دهد و اگرچه در ابتدا وضعیت مناسبی نداشته اما در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در جایگاه اول منطقه قرار می گیرد اما مجدداً چندین سال به رتبه سوم تنزل می کند. رژیم صهیونیستی نیز در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۱ روندی کاهشی داشته و به ویژه از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ جهش معکوسی را نشان می دهد و امسال با اختلاف اندکی نسبت به قطر در رتبه سوم منطقه است.

فصل پنجم

پیشنهادها

۵) پیشنهادهای سیاست گذاری و اجرایی

جهت بهبود مولفه پاسخگویی و حق اعتراض موارد زیر پیشنهاد می گردد:

- شناسایی موانع موجود بر سر راه پاسخگویی و ایجاد سازوکارهایی از طریق افزایش مشارکت شهروندان، انتخابات آزاد، آزادی بیان و فعالیت گسترده رسانه ها و انجمن ها
- حمایت از رسانه های جمعی به منظور دسترسی منظم عموم مردم به اطلاعات و اسناد مرتبط با وظایف و فعالیت های دولت و فرآیند بودجه ریزی و گسترش شفافیت در جامعه و افزایش پاسخگویی مسئولین در مورد سیاست هایی که اجرا شده یا در حال اجرا می باشد.
- افزایش تحمل و پذیرش در قبال اعتراضات صنفی ، سیاسی و اجتماعی و تسهیل صدور مجوز برای تجمعات صنفی و مدنی
- افزایش تعامل اجزاء حاکمیت در برابر نهادهای مدنی و رسانه های آزاد و پرهیز از برخوردهای قهری و قضایی در برابر اعتراضات
- ایجاد سامانه های نظارت و همگانی و دریافت، پذیرش و تحلیل اعتراضات و شکایات شهروندان و پاسخگویی و پیگیری موثر در خصوص آنها
- افزایش شفافیت فعالیت های دولتی از طریق پیاده سازی مکانیزم های دولت الکترونیک

جهت بهبود مولفه ثبات سیاسی و عدم خشونت موارد زیر پیشنهاد می گردد:

- ایجاد ثبات سیاسی در کشور با توجه بیشتر به نظرات و عقاید قومیت های سیاسی و مذهبی، گروه های اقلیت و کاهش شکاف ها و گسل های اجتماعی، قومی و بین نسلی
- پرهیز از ایجاد تنش های سیاسی و تقویت ساختارهای تثبیت کننده سیاسی به منظور تامین امنیت سرمایه گذاری

جهت بهبود مولفه اثربخشی دولت موارد زیر پیشنهاد می گردد:

- استفاده مناسب از نیروی انسانی مجرب و متخصص جهت ارائه مشاوره به بخش دولتی به ویژه در خصوص اتخاذ سیاست های کلان اقتصادی

- ارتقای قدرت و حوزه عمل دولت در چارچوب قانون اساسی و کاهش حوزه اقتدار نهادهای موازی در راستای تحقق اهداف برنامه ریزی شده و جلب اعتماد مردم
- تأمین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت های فیزیکی مورد نیاز به منظور کاهش هزینه های مبادلاتی برای بنگاه ها، افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود شرایط اشتغال
- تدوین معیارهای دقیق و عینی سنجش عملکرد کارکنان و دستگاه های دولتی در جهت افزایش برآیند اثربخشی دولت
- تشویق دولت به مداخله کنترل شده و موثر در امور به منظور ۱- کارآمدتر کردن فعالیت های بازار آزاد و تصحیح نارسایی های بازار، ۲- فراهم کردن فرصت های بیش تر برای رسیدن فقرا به خوداتکایی و رفع موانع برای ایجاد موفقیت در بازار به عبارت دیگر تامین شرایط دسترسی فقرا و گروه های کمتر برخوردار به منابع تولیدی و قدرت سیاسی، زمین، مواد غذایی، خدمات بهداشتی، آموزش، تربیت، اشتغال عمومی
- تشکیل میز خدمت مشترک (پنجره مشترک) دستگاه های ذیربط در موضوعات تخصصی به منظور ارائه خدمات یکپارچه به متقاضیان

جهت بهبود مولفه کیفیت مقررات موارد زیر پیشنهاد می گردد:

- اتخاذ سیاست های کلان اقتصادی باثبات به منظور کاهش حوادث غیرقابل پیش بینی که اموال و اهداف اقتصادی کارفرمایان را متزلزل می نماید؛
- اتخاذ مقرراتی جهت رفع موانع ورود و خروج سرمایه گذاری های مستقیم خارجی همانند کاهش بوروکراسی زائد و ارائه تسهیلات به سرمایه گذران خارجی؛
- بهبود کیفیت مقررات از طریق حذف مقررات زائد و اصلاح قوانین بازدارنده یا کند کننده فعالیت ها در راستای توسعه کسب و کارها
- ایجاد قوانین و مقررات با کیفیت و شفاف، به طوری که این تنظیم گری و سیاست گذاری اقتصادی در جهت رفع نقایص و کاستی های مکانیزم بازار باشد.

جهت بهبود مولفه حاکمیت قانون موارد زیر پیشنهاد می گردد:

- بررسی دقیق و ممیزی مأموریت، عملکرد و ساختار سازمان هایی که بطور مداوم بر عملکرد دستگاه های قضایی و اجرایی نظارت داشته باشند؛ رفع موازی کاری ها در این حوزه (در صورت وجود) و حاکمیت نگاه حرفه ای و قانونی به جای سیاسی
- مبنا قرار دادن قانون به عنوان مرجع اصلی حل مسائل کلان کشورها
- تأمین قضایی، حمایت از حقوق دارایی های فیزیکی و معنوی و ضمانت اجرای قراردادها به منظور ایجاد و تحریک انگیزه فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در فعالیت های مولد، نوآورانه و مبتکرانه که بازدهی های خصوصی و اجتماعی آن قابل توجه است.
- عدم مستثنا شدن افراد و دستگاه ها از قوانین به منظور افزایش ادراک عمومی از عدالت اجتماعی به ویژه قانون مدیریت خدمات کشوری

جهت بهبود مولفه کنترل فساد موارد زیر پیشنهاد می گردد:

- تدوین سیاست های اثبات ضد فساد اداری و تلاش برای کاهش فساد مرتبط با فعالیت های کسب و کار
- تثبیت قوانین شفاف و روشن در زمینه تضاد منافع بخش عمومی
- فرهنگ سازی مبارزه با فساد در کشور از طریق رسانه های عمومی، فضای مجازی و آموزش و پرورش.
- شفاف سازی مدارک و مستندات مالی جهت جلوگیری از هرگونه فساد توسط سازمان های دولتی و خصوصی
- تقویت نهادهای بازرسی و نظارت بر چگونگی اعمال قانون در کشور و حمایت ملی از آنها جهت کاهش فساد در حکومت، نهادهای وابسته دولتی و خصوصی
- توسعه سازوکارهای دولت الکترونیک در راستای افزایش شفافیت، کاهش فساد و بهبود خدمات رسانی عمومی

۶) فهرست منابع

آذر، عادل؛ امیرخانی، طیبه (۱۳۹۰). بودجه ریزی عمومی: نهادهای بودجه ای و بودجه محلی، تهران:

سمت

آشوری، داریوش (۱۳۷۰). دانشنامه سیاسی & چاپ دوم، تهران: نشر مروارید

ابراهیم پور، حبیب؛ روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷). بررسی جایگاه رسانه ملی در الگوی حکمرانی

پایداری در ایران، مدیریت دولتی، شماره ۱: ص ص ۳-۱۸

الوانی، سیدمهدی؛ عزیزاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران، فصلنامه

مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۵۳: ص ص ۱-۲۴

امیدیان، محسن و همکاران (۱۳۹۴). تحلیل نقش حکمرانی خوب در ارتقای توسعه انسانی: بررسی

بین المللی، فصلنامه مدیریت دولتی، ۷(۱۳): ص ص ۴۱۳-۴۳۶

باقرزاده، علی و آهنگری، لادن (۱۳۹۳)، تحلیل رابطه ی حکمرانی خوب و آلودگی های محیط

زیستی در کشورهای منتخب، کنفرانس بین المللی و آنلاین اقتصاد سبز، بابلسر، شرکت پژوهشی

طرود شمال

برادران شرکاء، حمیدرضا؛ ملک الساداتی، سعید (۱۳۸۷). تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در

کشورهای منتخب، راهبرد، شماره ۴۹: ص ص ۲۷-۵۲

بشیری، عباس؛ شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی، دو ماهنامه

بررسی های بازرگانی، ۹(۴۸): ص ص ۶۹-۸۱

بیگی نیا، عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب، چشم

انداز مدیریت دولتی، شماره ۱۲: ص ص ۶۵-۸۶

پاداش زیوه، حمید؛ خداپناه، بهمن (۱۳۹۴). برآورد تاثیر شاخص های حکمرانی خوب بر اقتصاد

دانش بنیان در کشورهای منتخب، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۲۰(۳): ص ص ۱۶۵-۱۸۷

پوررستمی، ناهید (۱۳۹۰). نقش نهادهای قانونی و تنظیمی در توسعه مالی با تاکید بر بخش بانکی، پژوهش های اقتصادی ایران، ۱۶ (۴۸): ص ص ۵۵-۸۶

پورعزت، علی اصغر؛ سیدرضایی، میریعقوب (۱۳۹۵). بودجه بندی عدالت محور برای پیشرفت فرامنطقه ای، تهران: انتشارات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پورعزت، علی اصغر؛ طاهری عطار، غزاله (۱۳۸۹). کاربست حکمرانی خوب برای ملت سازی در پرتو مطالعات بین رشته ای، مطالعات بین رشته ای در علوم انسانی، شماره ۹: ص ص ۱۷۴-۱۹۲

جعفری صمیمی، احمد؛ کاویان تلوری، حامد (۱۳۹۴). نقش حکمرانی خوب و فساد در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران، گذشته، حال، آینده

حسینی، سیدیعقوب؛ حسینی، سیدمصیب (۱۳۹۶). بررسی تاثیر ثبات سیاسی و کنترل فساد بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی - مورد مطالعه: کشورهای منطقه منا، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، ۵ (۱۷): ص ص ۱۴۵-۱۶۸

حیدری، پروین؛ افشاری، زهرا (۱۳۹۱). عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی با تاکید بر شاخص های حکمرانی در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۷، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، ۱۲ (۱): ص ص ۱۴۱-۱۷۰

خسروآبادی، محمد؛ زاینده رودی، محسن؛ شکیبایی، علیرضا (۱۳۹۵). رابطه حکمرانی خوب با نابرابری درآمدی در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۶ (۶۱): ص ص ۱۸۱-۲۱۲

دباغ، سروش؛ نفری، ندا (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳: ص ص ۳-۱۸

دقیقی اصل، علیرضا؛ گرایبی نژاد، غلامرضا؛ آقابیگیان، سلین (۱۳۹۲). اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه یافتگی متوسط، فرایند مدیریت و توسعه، ۲۶ (۴): ص ۲۳-۳

دلالی اصفهانی، رحیم؛ دل انگیزان، سهراب (۱۳۸۳). تحلیلی بر جریان معکوس سرمایه بین کشورهای فقیر و غنی، جستارهای اقتصادی، ۲ (۱): ص ۱۸۹-۲۰۸

دولتی، علی؛ درویشی، فرزاد؛ لطفی، عزت الله (۱۳۹۲). حکمرانی خوب و کنترل فساد در ایران و سایر کشورها، فصلنامه دانش انتظامی ایلام، ۲ (۷): ص ۴۷-۶۸

رنانی، محسن (۱۳۸۲). نقش دولت در اصلاحات نهادی از طریق قانونگذاری، مجلس و راهبرد، شماره ۳۹: ص ۱۱-۳۰

رهنورد، فرج اله؛ عباسپور، باقر (۱۳۸۶). حاکمیت خوب و امکان پیاده سازی آن در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵۵: ص ۲۵-۳۸

سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون؛ محسنی، فضیلت (۱۳۹۰). تحلیل تاثیر شاخص حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی، مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرق آسیا، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۴: ص ۱۸۳-۲۲۳

سحابی، بهرام؛ اعتصامی، منصور؛ امین پور، خالد (۱۳۹۲). بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی کشورهای منتخب، فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی، ۳ (۱۲): ص ۱۰۵-۱۱۸

شاه آبادی، ابوالفضل؛ صفایی، مریم؛ کریمی مهر، مجتبی، (۱۳۹۳)، مقایسه تاثیر شاخص حکمرانی بر عملکرد زیست محیطی کشورهای توسعه یافته عضو G7 و کشورهای منتخب عضو OPEC در بازه زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۲)، کنفرانس بین المللی و آنلاین اقتصاد سبز، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال

شاه آبادی، ابوالفضل؛ نیلفروشان، نیما و خالقی، مریم (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه تاثیر رشد اقتصادی بر آلودگیهای زیست محیطی در کشورهای OPEC و منتخب OECD، اولین همایش بین المللی بحران های زیست محیطی ایران و راهکارهای بهبود آن، جزیره کیش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اهواز

شاه آبادی، ابوالفضل؛ پورجوان، عبدالله (۱۳۸۹). حکمرانی، رقابت پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب، راهبرد توسعه، شماره ۲۲: صص ۱۲۹-۱۶۸

شاه آبادی، ابوالفضل؛ ثمری، هانیه (۱۳۹۶). حکمرانی و صادرات مبتنی بر فناوری برتر: مطالعه موردی کشورهای عضو G۱۵، نشریه کاوش های مدیریت بازرگانی، ۹(۱۸): صص ۱-۱۹

شاه آبادی، ابوالفضل؛ ساری گل، سارا؛ تنهایی، حمید (۱۳۹۴). حکمرانی و آزادی اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای گروه D۸ و G۷)، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، ۳(۱۲): صص ۱۲۳-۱۴۸

شاه آبادی، ابوالفضل؛ سلیمی، صبا (۱۳۹۴). تاثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه، سیاست علم و فناوری، ۷(۲): صص ۳۵-۴۶

شاه آبادی، ابوالفضل؛ مهری تلیابی، فریبا (۱۳۹۵). تاثیر نهاد حکمرانی کشور میزبان بر درآمد گردشگری کشورهای در حال توسعه منتخب، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، ۵(۱۶): صص ۸-۳۰

شاه آبادی، ابوالفضل؛ نیلفروشان، نیما؛ خالقی، مریم (۱۳۹۲). فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۲۱(۶۵): صص ۱۴۷-۱۶۴

شریف زاده، فتاح؛ قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳). حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، شماره ۴: صص ۹۳-۱۰۹

صباغ کرمانی، مجید؛ باسنا، مهدی (۱۳۸۸). نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۶: ص ص ۳-۱۸

فاضلی، محمد؛ جلیلی کناری، محدثه (۱۳۹۱). تعیین سطح فساد، بررسی تطبیقی اثر حاکمیت و حکمرانی خوب، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، ۲(۵): ص ص ۷-۴۰

قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، دفتر گسترش و تولید علم

قلی پور، رحمت اله (۱۳۸۳). نقش دولت در حکمرانی خوب، رساله دکتری دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی

لشکری زاده، مریم و علی اشرفی، محمد (۱۳۹۰). بررسی اثر حکمرانی خوب بر کیفیت زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه، اولین همایش بین المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت،

مته کایر، آنه (۱۳۸۶). حاکمیت (مفاهیم کلیدی)، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، چاپ اول، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

محمدزاده، یوسف؛ حکمتی فرید، صمد؛ شریفی، المیرا (۱۳۹۶). تاثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب، فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۷(۲۶): ص ص ۹۷-۱۱۲

محمدزاده، یوسف؛ قهرمانی، هادی (۱۳۹۶). نقش حکمرانی خوب و اندازه دولت بر روی عملکرد محیط زیست در کشورهای منتخب جهان، محیط شناسی، ۳(۳): ص ص ۴۷۷-۴۹۶

مرادی، ابراهیم؛ رهنما، علی؛ حیدریان، سمیرا(۱۳۹۶). تاثیر شاخص های حکمرانی خوب بر کنترل فساد(مطالعه موردی: کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا)، فصلنامه اقتصاد مقداری، ۱۴(۴): ص ص ۱۵۱-۱۸۲

مقیمی، سیدمحمد و همکاران(۱۳۹۵). طراحی و تبیین مدل بودجه بندی بر اساس شاخص های حکمرانی خوب در ایران، فصلنامه مدیریت دولتی، ۸(۱۴): ص ص ۶۴۵-۶۶۵

مقیمی، سیدمحمد؛ اعلائی اردکانی، مصطفی(۱۳۹۰). سنجش شاخص های حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن، فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، شماره ۸: ص ص ۱۷۱-۱۸۸

مکیان، سیدنظام الدین؛ بی باک، مژده(۱۳۹۴). تاثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی: یک تحلیل بین کشوری، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، ۹(۲): ص ص ۱۳۱-۱۴۷

مهرآرا، محسن؛ اسدیان، زینب(۱۳۸۸). تاثیر حکمرانی خوب بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط، مطالعات اقتصاد بین الملل، ۲۴(۱۵): ص ص ۸۵-۱۰۲

میدری، احمد(۱۳۸۵). مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۲: ص ص ۲۶۱-۲۸۷

میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر(۱۳۸۳). حکمرانی خوب، CD صوتی و تصویری، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

نادری، محمدمهدی(۱۳۹۰). حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، شماره ۱: ص ص ۶۹-۹

نورث، سی داگلاس(۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه

Acemoglu, D., Simon, J. and Robinson, J. A. (2000). Institutions as the -Fundamental Cause of Long-run Growth, in P. Aghion and S. Durlauf, eds. Handbook of Economics Growth, North Holland.

Allen, R. & Tommasi, D. (2001). Community governance Community governance. paris: OECD Publication.

Asiama, J. and Mobolaji, H. (2011), "Trade and Financial Openness, Institutional Quality, and Financial Development in Sub-Sahara Africa (SSA)", International Conference on International Trade and Investment (ICITI).

Ayrikyan, Azatuhi & Muhammad, Zaman H. (2012). Creating an Innovation Ecosystem: Governance and the Growth of Knowledge Economies, Boston University. Pardee Center Research Report.

Badun, M. (2000), "The Quality of Governance and Economic Growth in Croatia", Financial Theory and Practice, Vol. 29, No. 4, PP. 279-308.

Baro, R. (1996), "Democracy and Growth", Journal of Economic Growth, Vol 3. No. 1, PP. 1-22.

Bennedsen, M. & Malchow-Moller, N & VintenF. (2000). Institutions and Growth: a Literature Survey. Center for Economic and Business Research (CEBR).

Bh uiyan, Shahjahan H.)2011(. Transition Towards a Knowledge-based Society in

Brand, H.(2007). Good Governance for the Public's Health, European Journal of Public Health, 17(7), 20-21.

Brunetti, M., Kisunko, G. & B. Weder (1998), "Economic Growth with Incredible Rules Evidence from a World Wide Private Sector Survey", The World Bank Economic Review, Vol. 12, No. 3, PP. 303-384.

Cardos, I. R. (2014). New Trends In Budgeting: A Literature Review. Practical Application of Science, 2 (2), 483-490.

Chandra, Debnath Sajit & Yokoyama, Kenji (2010). The Role of Good Governance in the Knowledg-base Economic Growth of East Asia- A Study on Japan, Newly Industrialized Economes, Malaysia and China. Graduate School of Economics, Kyushu University.

Chaudhry, I., Nawaz Khan, K., Rasool, S. & S. Malik (2009), "Factors Affecting Good Governance in Pakistan: An Empirical Analysis", European Journal of Scientific Research, Vol. 30, No. 3, PP. 337-346.

Chong, A. & Gradstein, M. (2004), "Inequality and Institution". Research Department, Inter- American Development Banlc, New York, Working paper: No. 006, 1-20.

Clague, C., Keefer, P., Olson, M. & S. Knack (1996), "Property and Contract Rights in Autocracies and Democracies", *Journal of Economic Growth*, Vol. 1, No. 2, PP. 243-276.

Clarke, G. R. (2001). How institutional quality and economic factors impact technological deepening in developing countries. *Journal of International Development*, 13 (8): 1097-1118

Coase, R. (1937). The nature of the firm. *Economica* 4(16), 386-405.

Costa, A. (1980), "Multilateralism Under Threat: Causes, Impact, and the Policy Debate on Government Intervention in Trade", *Journal of Policy Modeling*, Vol. 2, No. 1, PP. 181-217.

Dixit, A. (2009). Governance institutions and economic activity. *The American Economic Review*, 99.

Djankov, s., la porta, r. and lopez-de-silanes(2002). The regulation of entry, *quarterly journal of economics*, 117(1): 1-37.

Eilat, Y. and Einva, L. (2004). Determinants of international tourism: A threedimensional panel data analysis, *Applied Economics*, 36(12); 1310-1327.

Engerman S.L & Sokoloff, K.L. (2000). Colonialism, Inequality and long-run paths of development. Working Paper 11007. National Bureau of Economic Research. Cambridge, MA.

Fosu, A.K. (2001). Political Instability and Economic Growth in Developing Economies: Some Specification Empirics. *Economics letters*, 70(2): 289-294.

Fredriksson, P. G. and Svensson, J.(2003). Political Instability, Corruption and Policy Formation: the Case of Environmental Policy, *Journal of Public Economics*, 87(8): 1383-1400.

Fubbs, J. (1999). *The Budget Process and Good Governance*. Amsterdam: Association of European Parliamentarians with Africa.

Gani, A. & Duncan, R. (2007). "Measuring Good Governance Using Time Series Data: Fiji Islands". *Journal of the Asia Pacific Economy*, 12(3), 367-380.

Gani, A. (2012). The Relationship Between Good Governance and Carbon Dioxide Emissions: Evidence From Developing Economies, *Journal of Economic Development*, 37(1): 77-93.

Gilbert, N. (2003). "Trade Openness Policy, Quality of Institutions and Economic Growth". CERDI Working Paper, University Auvergne Clermont, France.

Girma, S. and Shortland, A. (2008), "The Political Economy of Financial Development", *Oxford Economic Papers*, 70(3), pp. 567-596.

Grindle, S. M. (2007). Good enough governance revisited. *Development Policy Review*, 20(5): 503-514.

Gunton, T. and Calbick, K. S. (2010). Canadas Environmental Performance, The Maple Leaf in The OECD. Available on:

http://www.davidsuzuki.org/publications/downloads/2010/OECD_Report_Final.pdf.

Halkos, G., Sundstrom, A and Tzeremes, N. (2013). Environmental performance and quality of governance: a non-parametric analysis of the NUTS 1-region in france, germany and the UK, MPRA paper. Available on: <http://mpra.ub.unimuenchen.de/54491/>

Huque, A.S. (2013). Can Public Management Contribute to Governance in Developing Countries? Evidence from Hong Kong. Public Organization Review, 13, 397-409.

IMF. (2009). The IMF's Approach to Promoting Good Governance and Combating Corruption: A Guide. Available at: www.imf.org/external/np/gov/guide/eng/index.

Jordan, M. M. & Hackbart, M. (2009). The goals and implementation success of state performance-based budgeting. Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management, 17 (1), 47-64.

Kaufmann, D., Kraay, A. and Lobaton, Z. P. (2003). Governance Matters, Washington D.C.: The World Bank.

Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009). Governance matters VIII: aggregate and individual governance indicators, 1996-2008. World bank policy research working paper , (4978).

Khadaroo, J. and Seetanah, B. (2007). Transport infrastructure and tourism development, Annals of Tourism Research, 34(1); 101-122.

Knack, S. (2007). "Governance and Growth: Measurement and Evidence". IRIS Center Discussion Papers, 7(1), 1-22.

Lapsley, I. & Rios, A.M. (2009). Making sense of government budgeting: an internal transparency perspective. Qualitative Research in Accounting & Management, 12 (1), 27-44.

Le page, Lise & Kolarova, Desislava (2008). Knowledge Society and Transition Economies the Bulgarian Challenge. Journal of the Romanian Regional Science Association, 7(1), pp. 3-19.

Lytvynchenko, G. (2011). Programme management for public budgeting and fiscal policy. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 119(??), 576 - 580.

Matsuo, H. (2009). The Rule of Law and Economic Development: A Cause or a Result? In The: Role of Law in Development: Past, Present and Future, ed. Y. Matsuura, CALE Books 7. Nagoya: Nagoya University.

Mauro, P. (1995). Corruption and Growth. Quarterly Journal of Economics, 110: 681-712.

- Miller, M. (2011). Persistent Illegal Logging in Costa Rica: the Role of Corruption Among Forestry Regulators, *Journal of Environmental and Development*, 20(2): 60-78.
- Morrissey, O. (2011), "Governance, Private Investment and Foreign Direct Investment", *World Development*, 39 (3), pp. 437-440.
- Naude, W. and Saayman, A. (2010). Determinants of tourist Arrivals in Africa: A panel data regression analysis, *Tourism Economics*, 11(3); 360-391.
- Navarro-García, A., Sánchez-Franco, M.J., and Rey-Moreno, M. (2016). Relational governance mechanisms in export activities: Their determinants and consequences. *Journal of Business Research*, 69(11), 4700-4706.
- Olson, M. (1982). *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities*. Yale University Press.
- Osisoma, B. C. (2013). *Budgeting, Auditing And Governance: Implementing The accountability Framework*. February. Available at: http://works.bepress.com/prof_ben_osisioma/.
- Panyik, E. (2010). Rural tourism governance: determinants of policy-makers' support for tourism Development, *Tourism Planning & Development*, 12(1); 48-72.
- Pellegrini, Lorenzo & Gerlagh. Reyer. (2008). Causes of Corruption: A Survey of Crosscountry Analyses and Extended Results, *Econ Gov*. 9: 240-263.
- Polat, R.K. (2010). The Internet and Political Participation Exploring the Explanatory Links. *European Journal of Communication*, 20(2): 230-209.
- Porte, C. (2007), "Good Governance Via the OMC? The Cases of Employment and Social", *European Journal of Legal Studies*, Vol. 1, No. 1, PP. 138-141.
- Pushak, T., Tiongson, E. R. and Varoudakis, A. (2007). *Public Finance, Governance and Growth in Transition Economies: Empirical Evidence from 1992-2004*, World Bank Policy Research Working Paper, No. WPS 4200, Washington, DC.
- Rambocas, M., Meneses, R., Monteiro, C. and Quelhas Brito, P. (2010). Direct or indirect channel structures. Evaluating the impact of channel governance structure on export performance. *International Business Review*, 19(1), 124-132
- Roe, M. and Siegel, J. (2011), "Political Instability: Effects on Financial Development, Roots in the Severity of Economic Inequality", *Journal of Comparative Economics*, 39(3), pp. 279-309.
- Rothstein, B & S. Holmberg. (2006). *A research Application to the Bank of Sweden Tercentenary Foundation. The Quality of Government Institute*.
- Roy, I.(2008). Civil Society and Good Governance: (Re-) Conceptualizing The Interface, *World Development*, (36)2: pp 277-200.

Safavian, M. S., Graham, D. H. and Gonzalez-Vega, C. (2001). Corruption and Microenterprises in Russia, *World Development*, 29(7): 1210-1224.

Samadi, A.H. (2009), "Financial Development and Simultaneous (Trade and Financial) Openness Hypothesis: The Case of Iran", the *Journal of Economic Policy*, 2, pp. 109-144.

Samanta, D. & D. Roy (2009), "Good Governance and Employment Generation through NREGA: A Case Study of Gram Panchayat in West Bengal", *Conference Proceeding: 2009*; In *Proceeding of: 1st Skoch Summit on 'Infrastructure, Finance and Governance: Push for Growth'*, At New Delhi, India.

Schiavo-Campo, S. & Daniel Tommasi, D. (2000). *Managing Government Expenditure*. Trans by Ghasemi, M. & Lamei, B. Philippines: Asian Development Bank (ADB).

Shafique, S. & Haq, R. (2006). Governance and Income Inequality. *The Pakistan Development Review*, 45, 701-760.

Shah, A. (2007). *Budgeting And Budgetary Institutions: Public Sector Governance And Accountability Series*. Washington, D.C.: The World Bank.

Shipley, R. and Kovacs, J. F. (2008). Good Governance Principles For The Cultural Heritage Sector: Lessons From International Experience, *Corporate Governance*, 8(1), 214-228.

Smith, R. J. and Walpole, M. J. (2000). Should Conservationists Pay More Attention to Corruption? *Journal of Oryx*, 29(3): 201-206.

Stiglitz, J. (1987), *Economics of the Public Sector*, Edition: 2, Publisher: W. W. Norton & Co Inc.

Stowe, K. (1992). Good Piano Wont Play Bad Music: Administrative Reform and Good Governance, *Public Administration*, (70)3, 387-394

Sumarto, S. , Suryahadi, A. & Arifianto, A. (2004). Governance and Poverty Reduction: Evidence from Newly Decentralized Indonesia. A paper from SMERU Research Institute, 1, 1-43.

Transparency International Report: (2003-2011), Available at:
<http://cpi.transparency.org/cpi> 32

Uger, M. (2012). Market power, governance and innovation: OECD evidences. MPRA Paper No. 44101. <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/44141/>

United Nations. (2007). *Public Governance Indicators: A Literature Review*. New York: United Nations: Department of Economic and Social Affairs.

Vian, T. & Bicknell, W. J. (2013). Good Governance and Budget Reform in Lesotho Public Hospitals: Performance, Root Causes, and Reality. *Health Policy & Planning*, 1(1), 1-12.

Vian, T. (2010). Good Governance And Performance-Based Budgeting: Factors Affecting Reform Progress In Lesotho Hospitals. Boston: Boston University: University Professors Program.

Virmanim, A. , Sahu, S. & Tanwar, S. (2006). Governance in the province of public goods in south asia. International economic relations, 7(1), 1-13.

Warren, Mark E. (2009). Democracy Against Corruption, Quality of Government Institute. Conference on the Quality of Government.

World Bank (2002). World development report: Building institutions for Markets. UK: Oxford University Press. p. 33.

worldbank. (2016). <http://info.worldbank.org/governance/wgi/#doc>. Retrieved from www.worldbank.org.

Wu, J., Li, S. and Samsell, D. (2012). Why some countries trade more, some trade less, some trade almost nothing: the effect of the governance environment on trade flows. International Business Review, 21(2), 220-238.

Zyl, A. V. (2014). How Civil Society Organizations Close the Gap between Transparency and Accountability. An International Journal of Policy, Administration, and Institutions, 2(2), 347-356.